**نيمي از زوج هاي تهراني تنها يك فرزند مي خواهند**

بر اساس طرح پژوهشي موسسه مطالعات و مديريت جامع تخصصي جمعيت كشور

نويسنده: مريم بابايي

بيش از 45 درصد زوج هاي تهراني قصد تك فرزندي دارند. بر اساس نتايج تحقيقي كه از سوي مركز مطالعات و پژوهش هاي جمعيتي آسيا و اقيانوسيه درباره تك فرزندي در استان تهران صورت گرفته است حدود 39 درصد از زنان و مردان در شرف ازدواج، فقط يك فرزند را ايده آل دانسته يا ترجيح مي دهند ولي درصد بيشتري، يعني 8/45 درصد قصد تك فرزندي دارند. تك فرزندي پديده يي است كه در سال هاي اخير به ويژه در ميان خانواده هاي شهري رايج شده است، اين پديده كه منجر به كاهش نرخ رشد جمعيت شده است، بارها هشدار جمعيت شناسان را در پي داشته است. مسوولان و سياستگذاران در اين زمينه هم در راستاي نگراني ها و پيامدهايي كه درباره تك فرزندي و نرخ رشد پايين جمعيت عنوان مي شد، در سال هاي اخير دست به كار تنظيم مشوق هاي افزايش جمعيت شدند: از افزايش مرخصي زايمان گرفته تا مشوق هاي اقتصادي. با اين وجود اين مشوق ها و حتي اجراي ناقص آن نتوانست تاثير چنداني در آمارها و نمودارهاي جمعيتي داشته باشد. خانواده ها خصوصا زوج هاي شهري زندگي بدون فرزند يا نهايتا داشتن تنها يك فرزند را ترجيح مي دادند. اين در حالي است كه از سال 1385 به بعد، بيشتر استان ها از جمله تهران، باروري به ا صطلاح كمتر از سطح جانشيني را تجربه كردند. ميزان باروري كمتر از 2 نشانگر اين است كه حداقل تعدادي از زوج ها به داشتن تنها يك فرزند بسنده مي كنند. در پژوهشي كه در اين زمينه از سوي موسسه مطالعات و مديريت جامع تخصصي جمعيت كشور با جامعه آماري بيش از 1700 نفر در مجموع در سال 91 توسط دكتر فريده خلج آبادي فراهاني صورت گرفته، ابتدا با زوج هاي جوان بدون فرزند و داراي يك فرزند درباره نگرش شان نسبت به فرزندآوري مصاحبه شده است. سپس دو گروه از زنان و مردان، مورد بررسي قرار گرفتند. گروه اول زنان و مردان در شرف ازدواج مراجعه كننده به مراكز مشاوره قبل از ازدواج دانشگاهي در شهر تهران و گروه دوم زنان و مردان همسردار داراي يك فرزند زير پنج سال كه جهت واكسيناسيون كودك خود به مراكز واكسيناسيون دولتي در شهر تهران مراجعه كرده بودند. براساس يافته هاي اين تحقيق سن، نگراني هاي اجتماعي فرزند پروري، فردگرايي، ترس از مشكلات تك فرزندي، آرمان گرايي و نگرش هاي جنسيتي تساوي طلبانه از جمله عواملي هستند كه در قصد افراد در شرف ازدواج براي داشتن تنها يك فرزند تاثيرگذار بوده است. در افراد داراي يك فرزند نيز مواردي همچون جنس، ميزان تحصيلات، نگراني هاي مربوط به تك فرزندي، فردگرايي، درك از هنجار اجتماعي تعداد فرزندان و پايبندي به مذهب از عوامل قصد تك فرزندي بوده است. نتايج اين طرح پژوهشي همچنين نشان مي دهد، اقليت قابل توجهي از زوج هاي در شرف ازدواج در تهران و همچنين نسل هاي ازدواج كه حدود سه سال از عمر زندگي مشترك شان گذشته است، تصميم دارند تك فرزند داشته باشند.

چرا زوج ها فقط يك فرزند مي خواهند

با تلفيق نتايج مطالعه كيفي درباره عوامل موثر بر تصميم و قصد تك فرزندي در بين زنان و مردان ساكن تهران، با نتايج مربوط به پيمايش در بين زنان و مردان در شرف ازدواج و داراي يك فرزند، مي توان استنباط كرد كه اگرچه تك فرزندي و تصميم باروري براي باقي ماندن بر يك فرزند، تصميمي قطعي و ايستا نبوده و ممكن است تحت تاثير برخي شرايط در طول دوره زندگي مانند بارداري ناخواسته يا تغيير شرايط فردي، اجتماعي، اقتصادي، دستخوش تغيير شود، اما تصميم تك فرزندي در بين زنان و مردان تازه ازدواج كرده و داراي يك فرزند زير پنج سال، تصميمي است كه از نظر شيوع در تهران قابل توجه است و بيشتر از ترجيح تك فرزندي است. اگرچه عوامل اجتماعي مانند نگراني هاي اجتماعي از هنجارها و شرايط اجتماعي، كيفيت نامناسب مهد كودك ها، ترس از دست دادن شغل و شرايط اجتماعي پرخطر، بر تصميم افراد براي تك فرزندي موثر است ولي اكثر عوامل شناخته شده در اين تحقيق به عنوان تعيين كننده هاي اصلي اين تصميم متمركز روي نگرش ها و ادراكات افراد است. بر اساس اين مطالعه عوامل بيشتري در سطح فردي مانند نگرش هاي فردي نسبت به فرزند و تك فرزندي، باورهاي جنسيتي، فردگرايي و آرمان گرايي در تصميم تك فرزندي اهميت دارند. هرچند كه درك از هنجارهاي اجتماعي و نگراني هاي اجتماعي فرزند آوري در كنار آنها در تصميم فوق همچنان اهميت دارد و بي تاثير نمي باشند. اين امر نشانگر يك نوع تحول و گذار به سوي كنترل هاي دروني تر بر تصميم باروري در جامعه ايران بوده و به نظر تك فرزندي با روند فوق به سوي هنجار شدن مي رود. با پررنگ تر شدن كنترل دروني در رفتارهاي باروري، به نظر برگرداندن رفتار تك فرزندي كمي مشكل تر خواهد شد.

پيشنهاد به برنامه ريزان جمعيتي

اين طرح پيشنهاداتي را براي ترويج زوجين به داشتن فرزند دوم پيشنهاد كرده است كه در قالب سياست هاي تشويقي افزايش جمعيت مي تواند مورد توجه قرار گيرد. بر اساس اين تحقيق به عنوان نمونه پيش بيني مي شود با اشتغال زايي بيشتر در مردان، تصميم فرزند دوم با افزايش همراه شود و همچنين برعكس در زنان، با جلوگيري از تاخير در ازدواج و باروري اول، مي توان تا حدود زيادي تاثير سن را حذف كرده و شروع باروري ها را جلو انداخت، تا سن عاملي براي قصد تك فرزندي نباشد. اين تحقيق پيشنهاد داده است مداخلات و فرهنگ سازي براي كاهش نگرش هاي آرمان گرايانه براي تربيت فرزند در بين زنان طراحي شود. بر اساس اين پژوهش ميداني نگراني هاي اجتماعي افراد از فرزند آوري نيز قابل بررسي بوده تا در جهت رفع اين نگراني ها برنامه هايي به اجرا درآيد. مقياس نگراني هاي اجتماعي در اين مطالعه شامل «نگراني از كيفيت نامطلوب مهد كودك ها، نگراني از حرف مردم، نگراني از شرايط پرخطر جامعه، نگراني از اجاره مسكن براي خانواده با تعداد بيش از يك فرزند، نگراني به جهت از دست دادن شغل و شيوع بيكاري» بود، لذا بر همين اساس با كاهش هر يك از نگراني هاي فوق با استفاده از مداخلات مناسب، مي توان انتظار داشت كه تا حدود زيادي نگراني ها مرتقع شده و فرزند آوري در بين زنان و مردان تشويق شود. مداخلات مي تواند شامل بالابردن كيفيت مهد كودك ها، تسهيل اجاره مسكن براي افرادي كه دو فرزند يا بيشتر دارند، ايجاد فضاي نشاط در جامعه و كاهش نگراني هاي اجتماعي، ايجاد امنيت اجتماعي و بالابردن ضريب امنيت شغلي به ويژه براي زنان شاغل باشد. اما از نتايج قابل توجه اين تحقيق اين است كه قصد تك فرزندي بيشتر به علت تغييرات فرهنگي، ارزشي و نگرشي در حيطه فردگرايي، آرمان گرايي و جنسيت در شهر تهران است تا به علت مسائل اقتصادي. چنانچه وضعيت اقتصادي افراد در شرف ازدواج كه قصد تك فرزندي داشتند در مقايسه با افراد ديگر تفاوت معني داري در اين مطالعه نشان نداد و حتي درباره افراد داراي يك فرزند، وضعيت اقتصادي افراد (ميانگين هزينه هاي ماهانه) با قصد تك فرزندي به طور معني داري بهتر از افراد با قصد بيش از يك فرزند بود. البته توضيح ديگري كه براي يافته فوق مي تواند مطرح باشد اين است كه با وجود نداشتن تفاوت مهم بين وضعيت اقتصادي دو گروه، سبك زندگي و آرمانگرايي در افرادي كه قصد تك فرزندي دارند موجب مي شود كه هزينه هاي بيشتري را براي بزرگ كردن فرزند نسبت به گروهي كه حتي درآمد كمتر داشته و از سطح اقتصادي پايين تري برخوردار هستند، در نظر داشته باشند.

روزنامه اعتماد، شماره 2785 به تاريخ 2/7/92، صفحه 12 (جامعه)

**گزارشی از پیامدهای روانی و اجتماعی رواج تک فرزندی در خانواده های ایرانی**

خانم مروی از معلمان باتجربه مقطع ابتدایی است، او که همه ساله با تعداد زیادی از کودکان سر و کار دارد، «منزوی بودن»، «نداشتن قدرت ارتباط با دیگران» و «ضعیف بودن در ایفای حق» را از جمله مشکلات کودکانی می داند که در اصطلاح یکی یک دانه هستند و خواهر یا برادری ندارند.

امروزه با بالا رفتن سن ازدواج، رواج «تک فرزندی» در کشور را نیز شاهد هستیم و آمارها نیز حاکی از افزایش خانواده های دارای یک فرزند است. بیشتر افراد بعد از اتمام تحصیلات تکمیلی و در واپسین سال های جوانی ازدواج می کنند و پس از سپری کردن دوران عقد و بعد از تولد اولین فرزند بنا به دلایلی از جمله وجود مشکلات اقتصادی، نداشتن وقت برای تربیت فرزند و ... به داشتن یک فرزند قناعت می کنند. کارشناسان اجتماعی از ۲منظر پدیده «تک فرزندی» را بررسی می کنند. اول آن که تک فرزند بودن چه تاثیرات سوئی می تواند در شخصیت کودک داشته باشد حال آن که برخی والدین به اشتباه تصور می کنند، در صورت داشتن تنها یک فرزند می توانند آینده بهتری را برای او ترسیم کنند.

اما مسئله دومی که جامعه شناسان را از رواج تک فرزندی نگران می کند، به هم خوردن ساختار جمعیتی کشور در سال های آینده است.

حرکت منحنی جمعیتی ایران به سوی سالمندی و میانسالی و کمبود نیروی انسانی در دهه های پیش رو از جمله آفت های اجتماعی پدیده تک فرزندی است. مسئله ای که باید حل ریشه ای آن در راس تصمیمات و برنامه های دولتمردان قرار گیرد چرا که بدون شک خانواده های تک فرزند قبل از حل مشکلات اقتصادی و فرهنگی اقدامی برای فرزندآوری بیشتر انجام نخواهند داد، البته از سوی دیگر باید به این نکته هم توجه داشت که افزایش تعداد موالید بدون تامین زیرساخت ها به طور قطع در سال های آتی کشور را با مشکلات عدیده ای چون نبود مسکن، کاهش منابع و از بین رفتن فرصت های شغلی و تحصیلی رو به رو می کند.

در تهیه مسکن مشکل داریم

«همین حالا که یک فرزند چهارساله دارم به سختی می توانم آپارتمانی برای اجاره پیدا کنم، وای به روزی که ۲ یا ۳ فرزند داشته باشم.»این جملات بخشی از صحبت های یک پدر ۳۵ساله است که با وجود تمایل به فرزندآوری بیشتر مدعی است مشکل نداشتن مسکن شخصی به او و همسرش اجازه این کار را نمی دهد. علیرضا می افزاید: بیشتر صاحب خانه ها دوست ندارند آپارتمان خود را در اختیار خانواده هایی قرار دهند که چند فرزند دارند. او درباره تاثیرات منفی تک فرزندی نیز می گوید: البته دختر من هنوز به سنی نرسیده است که نداشتن برادر یا خواهر او را آزار دهد اما طبیعی است که شرایط او ایجاب می کند که در سال های بعد این خلاء عاطفی را با ماهواره یا اینترنت پر کند و این اصلاً خوشایند نیست.

مشکل ایفای حق در یکی یک دانه ها

خانم مروی از معلمان باتجربه مقطع ابتدایی است، او که همه ساله با تعداد زیادی از کودکان سر و کار دارد، «منزوی بودن»، «نداشتن قدرت ارتباط با دیگران» و «ضعیف بودن در ایفای حق» را از جمله مشکلات کودکانی می داند که در اصطلاح یکی یک دانه هستند و خواهر یا برادری ندارند.

این معلم می گوید: این بچه ها در برقرار ی ارتباط با همسالان خود مشکل جدی دارند به عنوان مثال اگر همکلاسی آن ها مدادتراش آن ها را بگیرد به جای این که خودشان بتوانند با گفت وگو مشکل خود را حل و فصل کنند، به سرعت به معلم پناه می آورند و از او کمک می خواهند و یا حتی گوشه گیری می کنند و به والدین شان می گویند که مدادتراش خود را گم کرده اند. این معلم که ۴فرزند دارد، ادامه می دهد: گاهی اوقات شاغل بودن مادر مانع از فرزندآوری بیشتر می شود، در صورتی که والدین باید بدانند تنها نیاز فرزندشان تامین پوشاک و موادغذایی نیست و اگر شخصیت کودک به درستی شکل نگیرد، به طور قطع در سنین بزرگسالی نیز فرد موفقی برای خانواده و جامعه خود نخواهد بود.

وقتی تک فرزند به خواهر و برادرهای دوستانش حسودی می کند

امیر پارسا ۱۵سال دارد و تنها فرزند خانواده است. پدرش مهندس برق است و مادرش خانه دار، او می گوید: «همه بچه های فامیل به دلیل داشتن اتاق شخصی به من حسودی می کنند ولی من به برادر و خواهر آن ها حسودی می کنم.»

او با بیان این که همیشه آرزو داشته است که یک برادر بزرگ تر و یک خواهر کوچک تر داشته باشد، می گوید: بعضی اوقات خیلی احساس تنهایی می کنم به خصوص وقتی به مسافرت می رویم و مادر و پدرم داخل ماشین مدام با یکدیگر صحبت می کنند. مادر علیرضا نیز معتقد است شرایط سخت اقتصادی به آن ها اجازه نمی دهد فرزند دیگری داشته باشند، او حتی نگران تامین هزینه های سلامت و تحصیل تنها فرزندش است و می افزاید: تصور این که در آینده نتوانیم از عهده هزینه های تحصیل پسرم برآییم یا برای او مسکنی تهیه کنیم به شدت مرا نگران کرده است.اما پدر علیرضا نظر دیگری دارد و می گوید،همان طور که او روی پای خودش ایستاده است پسرش نیز باید بتواند در سال های آینده تشکیل خانواده دهد و مستقل زندگی کند.

دلایل تمایل والدین به تک فرزندی

یک جامعه شناس با بیان این که تا یک دهه قبل سیاست های جمعیتی از سوی دولت داشتن فرزند کمتر بشارت زندگی بهتر را تبلیغ می کردند می گوید: خانواده های نوپدید به خاطر گرفتاری های شغلی، مشکلات اقتصادی و یا دیگر معیارها در سیاست های زندگی خود به داشتن یک یا ۲ فرزند اکتفا کرده اند.دکتر مجید ابهری در گفت و گو با خراسان با اشاره به این که جمعیت کشور تا ۲۰سال آینده دارای اکثریت سالمند خواهد شد و خطر کمبود مدیر و نیروی انسانی را به دنبال خواهد داشت می افزاید: براساس یک پژوهش میدانی که در سال های ۸۹ و ۹۰ توسط گروه آسیب شناسی بنیاد علوم رفتاری انجام شده است ۳هزار و ۴۲۰خانواده علت اصلی تک فرزندی را مشکلات اقتصادی مانند مسکن ، بهداشت و محدودیت های تربیتی ناشی از اشتغال پدر و مادر اعلام کرده اند.این متخصص علوم رفتاری با بیان این که ۸۹ درصد والدین مشکلات مالی و ۱۱درصد نیز محدودیت های تربیتی را دلیل اصلی تک فرزندی دانسته اند می افزاید: در همین پژوهش والدین اظهار داشته اند که در صورت حل مشکلات خود آمادگی فرزندآوری بیشتر را دارند.

دکتر ابهری در بخش دیگری از گفت وگوی خود با خراسان بروز ناهنجاری های رفتاری در تک فرزندان را بسیار قابل توجه ذکر می کند. به عقیده وی گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش از حد به بازی های رایانه ای و انفرادی، ترس یا تنفر از حضور در گروه های اجتماعی از جمله خصوصیات تک فرزندهاست.وی ادامه می دهد: زندگی در کنار برادر یا خواهر روحیه جامعه گرایانه کودک را تقویت می کند و مدیریت در روابط اجتماعی را به وی می آموزد. وی هم دلی و هم سویی با افراد خانواده، عشق ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم سن در جامعه ومدرسه را اصلی ترین ویژگی های فرزندان خانواده های دارای بیش از یک فرزند می داند و می گوید: تشویق خانواده ها به فرزندآوری به عنوان یک اصل مهم باید در راس سیاست های دولت قرار بگیرد، ضمن آن که بدون تامین زیرساخت های ضروری، افزایش جمعیت حرکتی آسیب زا خواهد بود.ابهری در تشریح بسترهای ضروری برای افزایش جمعیت خانواده ها می گوید: افزایش امکانات بهداشتی و درمانی، مساعدت های مالی به خانواده های دارای بیش از یک فرزند نه به صورت حق اولاد چند هزار تومانی بلکه به صورت مناسب و لازم، آموزش مهارت های فرزندآوری و تربیت آنان به مادران جوان در حد مطلوب و استاندارد از جمله ارکان ضروری برای افزایش جمعیت به شمار می آید. وی همچنین انجام مشاوره های روانی برای فرزندان خانواده های تک فرزند و شناسایی مشکلات روحی آنان را بهترین مساعدت به آینده این گونه فرزندان دانست.

بنابراین شاید داشتن یک فرزند مسئولیت کمتری در حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و ... برای خانواده به همراه داشته باشد اما برای تک فرزندها تنها بودن و نداشتن خواهر و برادر خوشایند نیست علاوه براین خلاء عاطفی، افسردگی، انزوا و... را در پی دارد.

منبع: خراسان

**تک فرزندی؛ مزایا و معایب**

من يك تك فرزند دارم كه پسري 8 ساله است و بناي فرزند دوم هم ندارم، آيا مشكلي برايمان و يا بچه ايجاد خواهد شد؟

با سلام خدمت شما پرسشگر گرامی از اینکه با ما در ارتباط هستید تشکر می کنم و امیدواریم این ارتباط شما با ما تداوم داشته باشد.

تغييرات در شيوه زندگي، ماشيني شدن جوامع و مشكلات اقتصادي سبب افزايش تعداد خانواده هاي تك فرزند و كاهش نرخ رشد جمعيت و به دنبال آن دغدغه و نگراني والدين از نحوه رشد كودك و كارشناسان حوزه علوم اجتماعي از تبعات ناشي از تحولات جمعيتي در جامعه است. در عصر ماشيني امروز، اشتغال والدين، افزايش هزينه ها و تبليغاتي كه به منظور ترويج سياست تك فرزندي انجام مي گيرد، از مهم ترين عوامل كاهش ميزان زاد و ولد و تمايل زوجين براي داشتن يك فرزند بوده و پيش بيني مي شود در سال هاي آتي افراد در جوامع مختلف قادر به درك عاطفي مفاهيم واژگاني مانند عمو، خاله، عمه و دايي نباشند.

كودكان تك فرزند، در خانواده هايي پرورش پيدا مي كنند كه امكان برقراري ارتباط و سبك مهارت هاي زندگي از طريق گروه هاي همسال يا افرادي با اختلاف سني كم، وجود نداشته و كودكان تجربه آشنايي كمتري با مفاهيمي مانند حسادت، رقابت و دوستي پيدا مي كنند. در اين صورت نياز به جايگزين كردن موقعيت هاي مشابه و قرارگرفتن مداوم چنين كودكاني در گروه همسالان بيشتر احساس مي شود.

تک فرزندی گرچه پدیده جدیدی نیست اما در جامعه ما در هیچ زمانی مانند الان مورد توجه قرار نگرفته است. ما در اینجا به دلیل طولانی نشدن بحث تنها به بررسی این موضوع از منظر روان شناسی می پردازیم و از بررسی دیدگاه اسلام در این زمینه به صورت تفصیلی خودداری می کنیم و فقط به ذکر این نکته بسنده می کنیم که اسلام با تک فرزندی مخالف است و مسلمانان را با رعایت شرایطی دعوت به ازیاد نسل می کند.

روایات زیادی مبنی بر تشویق مسلمانان بر ازیاد نسل و آوردن فرزند دلالت می کند، از جمله روایتی که از پيامبر ـ صلّي الله عليه و آله ـ نقل شده ‌است : «تناكحوا تناسلوا تكثروا، فإني اباهي بكم الامم يوم القيامة و لو بالقسط»؛[مستدرك سفينه البحار، 4/340،] يعني (اي مردان و زنان) با همديگر ازدواج كنيد و داراي نسل گرديد و زياد شويد، براستي كه من مباهات مي‌كنم به واسطه شما در مقابل امت‌هاي ديگر در روز قيامت، ولو با بچه‌ي سقط شده.

پرسشگر گرامی ای کاش دلیل تصمیم خود را برای ما بیان می کردید. سوال شما نشان می دهد که نسبت به تصمیم خود دچار تردید شده اید، ما این تردید را به فال نیک می گیریم و امیدواریم که با دلایلی که برای شما بیان می کنیم، بتوانیم شما را از تصمیم خود منصرف کنیم. در زیر به بررسی مزایا و معایب تک فرزندی می پردازیم.

**مزایای تک فرزندی**

1. تک فرزندی موجب می شود که والدین بتوانند تمام نیازهای فرزند خود را به طور کامل بر طرف کنند و زمانی که تمام نیازهای فرزند بر طرف شد، فرزند بهتر در مسیر رشد و تکامل گام بر می دارد.

2. هزینه کمتر برای خانواده، کنترل راحت تر تک فرزند، صمیمیت عمیق والدین با تک فرزند، آرامش خانه (فرزند دیگری نیست تا با ناسازگاری آنان آرامش خانه از بین برود)، احساس امنیت و اعتماد به نفس بیشتر با تک فرزند به جهت رسیدگی بیشتر به او.

3. فرزند کمتر مساوی با هزینه کمتر است، زمانی که خانواده با هزینه کمتری روبرو شد، پدر خانواده وقت کمتری را برای تامین هزینه های خانواده صرف می کند و در نتیجه فرصت بیشتری را برای تربیت فرزند خود داشته باشد.

4. كودك تك فرزند به طور كامل مورد توجه و علاقه والدین است. این عامل سبب می‌شود كودك احساس كند شخصی مهم است. مزایای بزرگ شدن در خانواده‌های تك فرزند چنان است كه كودك می‌گوید من دوست دارم تنها فرزند خانواده باشم. هیچ رقیبی نداشته باشم و كسی حسادت مرا تحریك نكند.

پرسشگر گرامی با دقت در مطالب بالا روشن می شود که برخی از موارد گرچه در ظاهر جزء محاسن تک فرزندی محسوب می شود اما در حقیقت باید از معایب تک فرزندی قلمداد شود. به عنوان مثال درباره مورد اول باید بگویم نداشتن خواهر و برادر موجب می شود تا کودک بدون هیچ زحمتی به تمام خواسته های خود برسد و در زندگی با هیچ ناکامی روبرو نشود و از اینرو زمانی که در کشاکش زندگی با نا کامی روبرو شد بسیار شکنند و بی صبر باشد.

**معایب تک فرزندی**

1. از آنجا که تمام نیازهای تک فرزندها، بر آورده می شود و کمتر با ناکامی روبرو می شوند؛ آنان نمی توانند ناامیدی ها و فشارهای روحی را تحمل کنند. چنانچه توهینی به آنها شود، بی آن که قصد و غرضی در کار باشد این توهین را رفتاری عمدی و به پشتوانه نیتی خاص تفسیر می کنند. چنانچه از مسئله ای رنجیده خاطر شوند این حالت را تا مدت های مدیدی در درون خود زنده نگاه می دارند. آنها فقط به برقراری روابطی علاقه مندند که در برگیرنده منافع آنان باشد و احساساتشان را نیز جریحه دار نکند. آنها ممکن است ناراحتی های خود را برای دیگران بیان نکنند و فردی درون گرا شوند.

2. وابستگی شدید والدین به تک فرزند (این وابستگی سبب اضطراب تک فرزند می‌شود وهمیشه نگران است که اگر صدمه‌ای به او برسد، والدین دچار لطمة روحی شدید خواهند شد).

3. حساسیت فراون والدین دربارة‌ رفتار وگفتار تک فرزند که او را به رفتار و گفتاری نامطلوب می‌کشد و لوس می‌شود.

4. مراقبت بیش از حد والدین که استقلال تک فرزند را به خطر می‌اندازد، وابستگی شدید تک فرزند به والدین که مانع دوست یابی او در ارتباط با همسالان می‌شود.

5. تأثیر منفی بر رشد تک فرزند به جهت نبودن رقابت بازی یا درگیری با برادر یا خواهر.

6. تسلیم‌پذیری والدین و عدم مخالفت با تک فرزند که سبب شکنندگی و آسیب پذیری در آینده می‌شود و نمی‌تواند ناامیدی‌ها و فشارهای روحی را تحمل کند، برخورد بزرگانه با کودک (این کار سبب می‌شود جلوی بچگی کردن او گرفته شود).

7. ارتباط کمتر با همسالان، به جهت نبودن برادر و خواهری در منزل از ایجاد ارتباط با همسالان خجالت می‌کشد.

8. یکی از معایب تک فرزند بودن، تأثیر آن بر مراحل رشد کودک است. این کودکان کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی و دعوا کنند. آنها دوست و همدمی در منزل ندارند، بنابراین برخی از احساسات را تجربه نمی کنند و فرصتی برای کنترل و مدیریت آنها نخواهند داشت.

9. بلوغ روحی و روانی، پدیده ای کاملاً ارثی نیست بلکه اکتسابی است. این بلوغ مواردی همچون شناخت خود، میزان واقع بینی و انتخاب مؤثر را شامل می شود و به راحتی به دست نمی آید، بلکه به تجربه هائی سخت و طاقت فرسا نیاز دارد. کودکی که تک فرزند خانواده است کمتر با مشکلات مواجه می شود و در معرض تجربه کردن شکست، ناکامی رانده شدن و... قرار نمی گیرد و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی، روانی است، تجربه نمی کند.

10. تمایل والدین به حمایت از تنها فرزندشان، مانع از آن می شود که فرزندشان عواقب اشتباهات خود را بیازماید و مسئولیت عمل خود را بپذیرد. آنها هیچ گاه در مقام انتقاد از فرزندشان برنمی آیند، با او مخالف نمی کنند و همواره تسلیم خواسته های او می شوند تا از این طریق مانع ناراحت شدن او شوند.

پرسشگر گرامی چنانچه نگاهی سیستمی به خانواده داشته باشیم، بسیاری از رفتارهای کودک در ساب سیستم فرزندی شکل می گیرد؛ یعنی برای اینکه کودک شما در رفتارهای خود دارای پختگی باشد، علاوه بر اینکه با والدین خود تعامل دارد، لازم است با خواهر و برادر در محیط خانواده ارتباط داشته باشد، بدیهی است زمانی که کودکی از داشتن برادر و خواهر محروم شد، رفتارهایی که در سایه تعامل او با برادر و خواهرش شکل می گیرد، در او بوجود نمی آید و رفتارهای کودک از این لحاظ ناپخته می گردد. به یاد داشته باشید به هیچ عنوان محیط هایی مانند مهد کودک نمی تواند جای خالی خواهر و برادر را برای فرزند شما پر کند.

منبع: نسیم مهر؛ پدیدآورنده: حسین دهنوی؛ ناشر: خادم الرضا (ع)

محمدصادق آقاجانی

<http://www.irna.ir/fa> : 18/01/1393 |

**آسیب های تک فرزندی**

معصومه سالکی

تهران-ایرنا-در مسیر پرشتاب زندگی، افزایش مشکل ها، انتظارها، بالا رفتن هزینه های زندگی، کم شدن حوصله ها و بالا رفتن سن ازدواج، فرزندان 30 سال آینده خواهند پرسید: عمه، عمو یعنی چه؟ یا خواهند گفت: من خاله ندارم، دایی ندارم.

به نظر می رسد با فراگیری الگوی «تک فرزندی» به سوی این بحران گام بر می داریم.

از مهم ترین مقوله های علم جمعیت شناسی مطالعه ی مساله ی «باروری» است. باروری یکی از رویدادهای طبیعی جمعیت و از عناصر مهم رشد جمعیت است. باروری به عنوان یک رفتار اجتماعی در محیط و بستر اجتماعی-فرهنگی خاص ایجاد می شود و تنظیم های نهادی و روابط اجتماعی اعضای جامعه می تواند ارزش ها و هنجارهای مرتبط با رفتار باروری را تنظیم کند.

در مطالعه های جمعیتی، باروری جایگاه ویژه یی دارد. نقش باروری به عنوان مهمترین پدیده ی تعیین کننده نوسان های جمعیتی سبب شده است که مطالعه های مربوط به آن نسبت به سایر پدیده های جمعیتی از اهمیت فراوانی برخوردار باشد و بررسی عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن سهم بزرگی از پژوهش های جمعیتی را به خود اختصاص دهد(آقا، 1364: 10).

باروری مقیاسی است برای اندازه گیری قدرت تولید مثل که از آمار تعداد کودکان زنده به دنیا آمده، بدست می آید. باروری واژه یی است که در جمعیت شناسی به معنای تعداد واقعی کودکان زنده به دنیا آمده بکار برده می شود(پولارد، 1380: 48).

منظور از تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده تعداد فرزندانی است که در زمان تولد در آنها علایم حیات مشاهده شود؛ اعم از اینکه در زمان حاضر زنده یا فوت کرده باشند. به طور معمول در مطالعه ی باروری مهم ترین شاخص میزان باروری است و باید گفت نخستین میزان در این زمینه، میزان باروری عمومی است که از راه تقسیم موالید زنده ی متولد شده ی یک سال به عموم زنان واقع در سن باروری (49-20 ساله) در میانه ی همان سال حاصل می شود.

تحقیق های متعددی در خصوص کاهش باروری انجام شده است. «ویلیامسون» (2009) در نتایج تحقیق های خود بیان کرده است: مشکلات اقتصادی، نو شدن زندگی ها، افزایش خواسته های زن و شوهر و سهولت طلاق از عوامل تاثیرگذار بر کاهش باروری و بچه دار شدن است.

نتایج تحقیق «ایزدی»(1390) نیز حاکی از آن است که عوامل اقتصادی و اجتماعی بیشترین تاثیر را بر کاهش باروری بین جوانان داشته است.

به طور کلی دو رویکرد اساسی در تبیین تفاوت های باروری ارایه شده است که جایگاه ارزش ها و نظام ترجیحات در آنها قابل شناسایی است. رویکرد نخست، تبیین باروری بر مبنای نظریه ی انتخاب عقلانی است. تبیین های انتخاب عقلانی، مفروض های ارزشی استانداردی را در زمینه ی به حداکثر رسانیدن سود بر مبنای تغییر هزینه ی کالاها و فرصت ها در مورد باروری به کار می برند. رویکرد دوم، نظریه ی فرهنگی است. تبیین های فرهنگی در صدد هستند تا تفاوت های باروری را بر مبنای ارزش ها و هنجارهای فرد توضیح دهند. با نفوذترین تبیین انتخاب عقلانی برای مطالعه ی ارتباط شرایط اقتصادی و اجتماعی و رفتار باروری، از نظریه «بکر»(1960) گرفته شده است. از نظر وی کودکان نیز همانند سایر کالاها از نظر پدر و مادر ارزیابی می شوند. یکی از ارزش هایی که آنها قصد دارند در حد بالایی از آن برخوردار باشند، بیشینه کردن ثروت است. به نظر می رسد پدر و مادری که خواستار ثروت بیشتری هستند، پدر و مادر تحصیلکرده یی که رتبه ی شغلی آنها بالا و هزینه ی فرصت هایشان نیز زیاد است و نیز پدر و مادری که به دلیل برخورداری از درآمد بیشتر، دسترسی آسانتری به ابزارهای کنترل باروری دارند، خواستار فرزندان کمتری هستند و در مقابل پدر و مادرهای کم درآمد، دارای مشاغل پایین و فاقد امکان دسترسی به روش های کنترل باروری، در عمل فرزندان بیشتری خواهند داشت(فریدمن و همکاران، 1994).

در یک تقسیم بندی کلی، نظریه های مربوط به باروری را می توان در دو دسته جای داد:

الف)دیدگاه جامعه شناسان و اقتصاددانانی که توسعه ی اقتصادی –اجتماعی را موثرترین عامل در کاهش باروری می دانند و آن را شرط کافی برای کاهش باروری قلمداد می کنند و اهمیتی برای برنامه های تنظیم خانواده قایل نیستند.

ب)دیدگاه کسانی که به برنامه های تنظیم خانواده به عنوان عاملی مهم در کاهش باروری می نگرند و معتقدند که سطوحی از باروری وجود دارد که جز در صورت استفاده از وسایل جلوگیری و اشاعه ی آنها کاهش نمی یابد. نظریه پردازانی مانند «استرلین» در صدد ترکیب این دو دیدگاه بر آمدند. با توجه به این که عوامل بسیار متنوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی، بیولوژیکی، روانشناختی و ... از طریق مکانیسم های پیچیده یی بر باروری اثر می گذارند، برای تبیین این پدیده نمی توانیم به دیدگاه واحد تک عاملی متوسل شویم.

«لیبن اشتاین» معتقد است که منفعت یا منفعت نداشتن اقتصادی فرزندان عاملی است که باعث می شود پدر و مادر تصمیم بگیرند که چه تعداد فرزند داشته باشند. از این رو ایجاد نوعی تعادل بین رضایتمندی اقتصادی، هزینه های نگهداری فرزند، زیربنای اصلی نگرش مردم در مورد تعداد فرزندان را تشکیل می دهد. براساس تئوری اشتاین سه نوع منفعت و دو نوع هزینه در مورد فرزندان وجود دارد.

«کینگزلی دیویس» و «جودیت بلیک» الگویی را که دربرگیرنده ی متغیرهای موثر بر باروری است، ارایه داده اند این مدل که به مدل متغیرهای بینابین معروف است دارای سه قسمت عمده است:

1-عواملی که در طول دوره ی باروری در معرض مقاربت قرار گرفتن تاثیر می گذارد. این متغیرها خود به دو گروه عمده تقسیم می شوند:

الف- آن دسته از عواملی که موجب تشکیل یا به هم خوردن زناشویی می شود که در این ارتباط، سن ازدواج، میزان تجرد دایم و میزان طلاق حایز اهمیت است.

ب- آن دسته از عواملی که در معرض مقاربت قرار گرفتن در زمان زندگی زناشویی تاثیر می گذارند؛ مانند خودداری ارادی، خودداری غیرارادی به علت بیماری یا جدایی کوتاه مدت و نیز فراوانی مقاربت.

2- دسته ی دوم از متغیرهای بینابین عواملی هستند که بر روی انعقاد نطفه تاثیر می گذارند. (متغیرهای مربوط به انعقاد نطفه مانند قابلیت باروری، استفاده یا استفاده نکردن از روش های جلوگیری از حاملگی یا عقیم سازی)

3-دسته ی سوم از متغیرهای بینابین عواملی هستند که در دوره ی حاملگی روی وضع حمل تاثیر می گذارند؛ مانند سقط جنین غیرعمدی و سقط جنین عمدی.

مدل مورد اشاره عوامل بینابین را به سه گروه که می تواند به آسانی بر سه بخش متفاوت مرحله ی تولید مثل مربوط شود، تقسیم می کند.

نوگرایی مجموعه ی رفتارها و ارزش هایی است که در نتیجه ی نوسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف به وجود آمده است. به طور خلاصه، به عقیده ی طرفداران این نظریه، نوسازی محیط، یک نوع شیوه زندگی و فکری به وجود می آورد که سرنوشت گرایی و خانواده گرایی را تضعیف و آینده نگری و آمال و آرزوی به زندگی مرفه تری را در انسان تقویت می کند.

یکی از پیامدهای نوگرایی به عقیده ی این عده از دانشمندان، پایین آمدن آرزو برای بچه ی زیاد و در نتیجه، میزان باروری کمتر است. بر مبنای این فرضیه هر قدر میزان نوگرایی یک زن و شوهر بالا برود، احتمال دارد که آرزوی آنها برای بچه دار شدن کمتر شود و در نتیجه رفتار باروری آنها پایین بیاید. البته در توجیه این رابطه ی معکوس بین نوگرایی و میزان باروری باید تمام جنبه ها و ویژگی های پدیده ی نوگرایی را در نظر گرفت.(پایدارفر، 1381: 88)

\*\*\*تک فرزندی و خطر از بین رفتن نسل

در گذشته خانواده ها بسیار گسترده بودند. افراد فامیل از پدربزرگ تا نوادگان در یک خانه زندگی می کردند. عمه ها، خاله ها، دایی و عمو واژه های نام آشنا و مانوس بودند. هنگام گرفتاری همه به یاری یکدیگر می شتافتند. میهمانی ها و مناسبت های فامیلی با گستردگی و شور حالی بالا برگزار می شد.

اما به تدریج افراد از یکدیگر جدا شده اند و زندگی ها شکل مستقل تری یافته است و هر خانواده یی مکان اقامت خود را به صورت جداگانه یی برگزید. ولی همچنان روابط فامیلی و رفت و آمدها ادامه یافت و همیاری ها پابرجا بود و میهمانی ها و جشن ها فامیلی شور و حال گذشته را داشت.

اما امروزه با وجود مشکل های بسیار در خانواده ها، رفت و آمدها کاهش پیدا کرده و دیگر هیچ نشانی از آن همه شور و نشاط فامیل باقی نمانده است و به طور کلی بی خبری از وضعیت فامیل رایج شده است که علت های اصلی آن عبارتند از:

الف-رشد شهر نشینی و آثار ثانوی آن: در حالی که وجود یک خانواده ب وسیع در روستا امکان پذیر است(وجود نیروی انسانی بیشتر در کار کشاورزی)، در شهرها قانون های مرتبط با منع کار کودکان و مخارج زیاد زندگی شرایطی را فراهم می کند که در عمل تعداد فرزندان را محدود می کند.

ب- علت دیگر، تغییراتی است که به ویژه در کشورهای صنعتی در موقعیت اقتصادی خانواده و در ارتباط با کالاهای مصرفی و کاربرد بیش از پیش آنها روی داده است. در خیلی از خانوارها شاید خرید یک ماشین جدید، بر داشتن یک فرزند اضافی ترجیح داده شود.

ج- افزایش فعالیت های اقتصادی زنان هم بدون تردید یکی از عوامل مهم بوده است. تساوی اجتماعی- سیاسی زنان با مردان در اوایل سده ی بیستم تحقق یافت و با ایجاد افزایش تقاضا برای کار زنان و فراهم آمدن فرصت های شغلی آنان برای ورود به مشاغل مختلف، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان دگرگون شد و همزمان با آن نقش زن به عنوان خانه دار، همسر و مادر نیز تغییر پیدا کرد. توانایی زن از نظر تنظیم موالید و پیشگیری از حاملگی، قدرت زن را در مورد در اختیار گرفتن زندگی خویش بیشتر کرد. تعداد زنان متاهل یا مجردی که در خارج از کانون خانوادگی کار می کنند افزایش یافته است و نتیجه ی این امر استقلال بیشتر آنان است(محسنی، 1387).

وجود فرزندان در خانواده موجب استحکام خانواده می شود. شاید این کارکرد از جمله کارکردهایی است که تمام افراد چه صاحبنظر وغیره با آن آشنایی دارند. زن و شوهری که ازدواج می کنند، دیر یا زود منتظر تولد فرزند خواهند بود؛ هر چند ممکن است تفاوتی بین افراد مختلف، فرهنگ ها و جوامع مختلف از لحاظ زمان بچه دار شدن و تعداد فرزندان و فاصله ی سنی آنها وجود داشته باشد. اما تولد فرزند به طور مشترک در تمامی فرهنگ ها، جوامع، طبقه های مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد توجه است. به نظر می رسد که یکی دیگر از عوامل بنیادی، کارایی بیشتر و پذیرش گسترده تر وسایل پیشگیری از حاملگی باشد.

دگرگونی در گرایش های اخلاقی مردم از سویی و گسترش سطح آموزش آنها از سوی دیگر، امکانات لازم را از نظر موثر واقع شدن تبلیغات در زمینه ی کنترل موالید و در نتیجه درک و پذیرش آن فراهم کرده است. خانواده ها دارای نگرش های واحدی در زمینه ی بهداشت و تنظیم خانواده نیستند. در خانواده ی جدید و نوگرا، گرایش به محدود کردن تعداد فرزندان بیشتر است و این محدودیت امروزه همه گیرتر شده است. با مرگ افراد مسن خانواده، نسل بزرگتران فامیل از بین می رود و با کاهش باروری نسل آینده نیز انگشت شمار خواهد بود.

از پیامدهای قابل توجه و خطر آفرین کاهش باروری از بین رفتن نسل فامیلی در آینده است. تک فرزندی از گستردگی خانواده ها می کاهد و روابط فامیلی خواه ناخواه از بین می رود. فرزندانی که تنها بزرگ می شوند نه خواهر و برادری خواهند داشت و نه فرزندان آنان صاحب عمو، عمه، خاله و دایی خواهند بود. زندگی های گسترده به صورت خانواده های کوچک تبدیل خواهد شد. تغییر شکل الگوی خانواده نه تنها موجب از بین رفتن انسجام خانواده می شود، بلکه در آینده افرادی منزوی، منفعل و افسرده به جامعه وارد می شود. فرد مجبور است به تنهایی با مشکل ها مبارزه کند. سنت ها و میهمانی های مخصوص ایرانی ها که افراد فامیل را به دور خود جمع می کند از بین می رود و افراد همچون ماشین هایی فقط و فقط به خود و کار خود فکر می کنند.

پیامد تک فرزندی بوجود آمدن جامعه یی سرد و سرخورده است. کاهش باروری در ظاهر مشکل های اقتصادی خانواده را کمتر می کند ولی در باطن صدمه و لطمه ی بزرگی بر پیکره ی جامعه وارد می کند که رهاورد آن پیدایش نسلی بی تفاوت و بی انگیزه است. انسان موجودی اجتماعی است و برای زندگی نیازمند افراد دیگر است. انسان نیاز به همدردی، دلسوزی و کمک اطرافیان نزدیک خود دارد و اگر کاهش باروری با رویه ی تک فرزندی ادامه یابد، دیگر هیچ شخص دلسوزی در اطراف انسان نخواهد ماند تا وی را یاری بخشد.از دیگر آسیب های تک فرزندی از بین رفتن فرهنگ خانواده است. فرزندان همواره حافظ فرهنگ و سنت خانوادگی هستند و آن را از گذشتگان به آیندگان خود انتقال می دادند. از بین رفتن نسل فامیلی افزون بر نابودی پیوندهای فامیلی، فرهنگ خانواده ها را نیز در زیر لایه های فراموشی، تنهایی، انزوا و سرخوردگی اجتماعی مدفون خواهد ساخت.

\*\*\*نتیجه گیری

باروری و تحولات جمعیتی در هر عصر و زمان بسیار قابل تامل جمعیت شناسان است. در هر برهه یی افزایش زاد و ولد و کاهش آن با سیاست هایی رو به رو بوده است. در عصر حاضر کاهش باروری یکی از خطرهای بزرگ جمعیتی است. از بین رفتن نسل جوان و در پی آن نابودی نسل فامیل، جامعه آینده را همچون سایر کشورهای دیگر به جامعه یی سرد و خاموش مبدل خواهد ساخت.

فرزندان و نوادگان ما در آینده به دنبال عمه ها و خاله های مهربان، عموها و دایی های یاری رسان خواهند گشت. در این راستا شایسته است تا نخست رویه ی شهر سازی اصلاح و زندگی آپارتمانی محدودتر شود؛ ایجاد فضاهای سبز و مکان های بیشتر برای بازی کودکان فراهم شود تا فضاهای کوچک آپارتمان مانع از فرزند آوری نشود. از سوی دیگر امکانات رفاهی و بهداشتی و هزینه های کمکی برای پدر و مادر فراهم شود. اگر چه فرزند آوری با مشکل های متعددی رو به رو شده است ولی برای حفظ نسل فامیل و برخورداری فرزندان در آینده از روبط گرم و صمیمی افراد فامیل ضروری است حتی الامکان رویه ی تک فرزندی از بین برود و پدر و مادر تمایل بیشتری برای داشتن دو فرزند داشته باشند.

\*منابع

-آقا، ه .(1360). بررسی باروری در ایران و رابطه آن با شاخص ها ی اقتصادی- اجتماعی، مرکز آمار ایران، دانشگاه مراکز جمعیت شناسی، شیراز.

- پایدارفر، علی (1381). پدیده نوگرایی و رابطه آن با میزان باروری. فصلنامه جمعیت.

-محسنی، منوچهر(1387)، مقدمات جامعه شناسی، تهران ، انتشارات نیل، چاپ بیست وچهارم.

-Friedman, D., Hechter, M. and Kanazawa, S. (1994). A Theory of the Value of Children, Demography, 31(3), 375-401.

-Becker, G. S. (1960). An Economic Analysis of Fertility. In: Demographic and

Economic Change in Developed Countries, (Ed.) Becker, G. S., Princeton: Princeton University Press, 209-231.

-Easterlin, R. A., Pollard, R. A. and Watche, M. L. (1980), Toward a More General Economic Model of Fertility Determination: Endogenous Preferences and Natural Fertility, in: Population and Economic Change in Developing Countries, (Ed.)

-Easterlin, R. A., Chicago: University of Chicago Press, 81-151.

**گزارشي از پيامدهاي رواني و اجتماعي رواج تک فرزندي در خانواده هاي ايراني**

سعيد برند

امروزه با بالا رفتن سن ازدواج، رواج «تک فرزندي» در کشور را نيز شاهد هستيم و آمارها نيز حاکي از افزايش خانواده هاي داراي يک فرزند است. بيشتر افراد بعد از اتمام تحصيلات تکميلي و در واپسين سال هاي جواني ازدواج مي کنند و پس از سپري کردن دوران عقد و بعد از تولد اولين فرزند بنا به دلايلي از جمله وجود مشکلات اقتصادي، نداشتن وقت براي تربيت فرزند و ... به داشتن يک فرزند قناعت مي کنند. کارشناسان اجتماعي از ۲منظر پديده «تک فرزندي» را بررسي مي کنند. اول آن که تک فرزند بودن چه تاثيرات سوئي مي تواند در شخصيت کودک داشته باشد حال آن که برخي والدين به اشتباه تصور مي کنند، در صورت داشتن تنها يک فرزند مي توانند آينده بهتري را براي او ترسيم کنند.

اما مسئله دومي که جامعه شناسان را از رواج تک فرزندي نگران مي کند، به هم خوردن ساختار جمعيتي کشور در سال هاي آينده است.

حرکت منحني جمعيتي ايران به سوي سالمندي و ميانسالي و کمبود نيروي انساني در دهه هاي پيش رو از جمله آفت هاي اجتماعي پديده تک فرزندي است. مسئله اي که بايد حل ريشه اي آن در راس تصميمات و برنامه هاي دولتمردان قرار گيرد چرا که بدون شک خانواده هاي تک فرزند قبل از حل مشکلات اقتصادي و فرهنگي اقدامي براي فرزندآوري بيشتر انجام نخواهند داد، البته از سوي ديگر بايد به اين نکته هم توجه داشت که افزايش تعداد مواليد بدون تامين زيرساخت ها به طور قطع در سال هاي آتي کشور را با مشکلات عديده اي چون نبود مسکن، کاهش منابع و از بين رفتن فرصت هاي شغلي و تحصيلي رو به رو مي کند.

در تهيه مسکن مشکل داريم

«همين حالا که يک فرزند چهارساله دارم به سختي مي توانم آپارتماني براي اجاره پيدا کنم، واي به روزي که ۲ يا ۳ فرزند داشته باشم.»اين جملات بخشي از صحبت هاي يک پدر ۳۵ساله است که با وجود تمايل به فرزندآوري بيشتر مدعي است مشکل نداشتن مسکن شخصي به او و همسرش اجازه اين کار را نمي دهد. عليرضا مي افزايد: بيشتر صاحب خانه ها دوست ندارند آپارتمان خود را در اختيار خانواده هايي قرار دهند که چند فرزند دارند. او درباره تاثيرات منفي تک فرزندي نيز مي گويد: البته دختر من هنوز به سني نرسيده است که نداشتن برادر يا خواهر او را آزار دهد اما طبيعي است که شرايط او ايجاب مي کند که در سال هاي بعد اين خلاء عاطفي را با ماهواره يا اينترنت پر کند و اين اصلاً خوشايند نيست.

مشکل ايفاي حق در يکي يک دانه ها

خانم مروي از معلمان باتجربه مقطع ابتدايي است، او که همه ساله با تعداد زيادي از کودکان سر و کار دارد، «منزوي بودن»، «نداشتن قدرت ارتباط با ديگران» و «ضعيف بودن در ايفاي حق» را از جمله مشکلات کودکاني مي داند که در اصطلاح يکي يک دانه هستند و خواهر يا برادري ندارند.

اين معلم مي گويد: اين بچه ها در برقرار ي ارتباط با همسالان خود مشکل جدي دارند به عنوان مثال اگر همکلاسي آن ها مدادتراش آن ها را بگيرد به جاي اين که خودشان بتوانند با گفت وگو مشکل خود را حل و فصل کنند، به سرعت به معلم پناه مي آورند و از او کمک مي خواهند و يا حتي گوشه گيري مي کنند و به والدين شان مي گويند که مدادتراش خود را گم کرده اند. اين معلم که ۴فرزند دارد، ادامه مي دهد: گاهي اوقات شاغل بودن مادر مانع از فرزندآوري بيشتر مي شود، در صورتي که والدين بايد بدانند تنها نياز فرزندشان تامين پوشاک و موادغذايي نيست و اگر شخصيت کودک به درستي شکل نگيرد، به طور قطع در سنين بزرگسالي نيز فرد موفقي براي خانواده و جامعه خود نخواهد بود.

وقتي تک فرزند به خواهر و برادرهاي دوستانش حسودي مي کند

امير پارسا ۱۵سال دارد و تنها فرزند خانواده است. پدرش مهندس برق است و مادرش خانه دار، او مي گويد: «همه بچه هاي فاميل به دليل داشتن اتاق شخصي به من حسودي مي کنند ولي من به برادر و خواهر آن ها حسودي مي کنم.»او با بيان اين که هميشه آرزو داشته است که يک برادر بزرگ تر و يک خواهر کوچک تر داشته باشد، مي گويد: بعضي اوقات خيلي احساس تنهايي مي کنم به خصوص وقتي به مسافرت مي رويم و مادر و پدرم داخل ماشين مدام با يکديگر صحبت مي کنند. مادر عليرضا نيز معتقد است شرايط سخت اقتصادي به آن ها اجازه نمي دهد فرزند ديگري داشته باشند، او حتي نگران تامين هزينه هاي سلامت و تحصيل تنها فرزندش است و مي افزايد: تصور اين که در آينده نتوانيم از عهده هزينه هاي تحصيل پسرم برآييم يا براي او مسکني تهيه کنيم به شدت مرا نگران کرده است.اما پدر عليرضا نظر ديگري دارد و مي گويد،همان طور که او روي پاي خودش ايستاده است پسرش نيز بايد بتواند در سال هاي آينده تشکيل خانواده دهد و مستقل زندگي کند.

دلايل تمايل والدين به تک فرزندي

يک جامعه شناس با بيان اين که تا يک دهه قبل سياست هاي جمعيتي از سوي دولت داشتن فرزند کمتر بشارت زندگي بهتر را تبليغ مي کردند مي گويد: خانواده هاي نوپديد به خاطر گرفتاري هاي شغلي، مشکلات اقتصادي و يا ديگر معيارها در سياست هاي زندگي خود به داشتن يک يا ۲ فرزند اکتفا کرده اند.دکتر مجيد ابهري در گفت و گو با خراسان با اشاره به اين که جمعيت کشور تا ۲۰سال آينده داراي اکثريت سالمند خواهد شد و خطر کمبود مدير و نيروي انساني را به دنبال خواهد داشت مي افزايد: براساس يک پژوهش ميداني که در سال هاي ۸۹ و ۹۰ توسط گروه آسيب شناسي بنياد علوم رفتاري انجام شده است ۳هزار و ۴۲۰خانواده علت اصلي تک فرزندي را مشکلات اقتصادي مانند مسکن ، بهداشت و محدوديت هاي تربيتي ناشي از اشتغال پدر و مادر اعلام کرده اند.اين متخصص علوم رفتاري با بيان اين که ۸۹ درصد والدين مشکلات مالي و ۱۱درصد نيز محدوديت هاي تربيتي را دليل اصلي تک فرزندي دانسته اند مي افزايد: در همين پژوهش والدين اظهار داشته اند که در صورت حل مشکلات خود آمادگي فرزندآوري بيشتر را دارند.

دکتر ابهري در بخش ديگري از گفت وگوي خود با خراسان بروز ناهنجاري هاي رفتاري در تک فرزندان را بسيار قابل توجه ذکر مي کند. به عقيده وي گرايش به انزوا، افسردگي، ضعف در برقراري ارتباط با همسالان، توجه بيش از حد به بازي هاي رايانه اي و انفرادي، ترس يا تنفر از حضور در گروه هاي اجتماعي از جمله خصوصيات تک فرزندهاست.وي ادامه مي دهد: زندگي در کنار برادر يا خواهر روحيه جامعه گرايانه کودک را تقويت مي کند و مديريت در روابط اجتماعي را به وي مي آموزد. وي هم دلي و هم سويي با افراد خانواده، عشق ورزي و سهولت در برقراري ارتباط با افراد هم سن در جامعه ومدرسه را اصلي ترين ويژگي هاي فرزندان خانواده هاي داراي بيش از يک فرزند مي داند و مي گويد: تشويق خانواده ها به فرزندآوري به عنوان يک اصل مهم بايد در راس سياست هاي دولت قرار بگيرد، ضمن آن که بدون تامين زيرساخت هاي ضروري، افزايش جمعيت حرکتي آسيب زا خواهد بود.ابهري در تشريح بسترهاي ضروري براي افزايش جمعيت خانواده ها مي گويد: افزايش امکانات بهداشتي و درماني، مساعدت هاي مالي به خانواده هاي داراي بيش از يک فرزند نه به صورت حق اولاد چند هزار توماني بلکه به صورت مناسب و لازم، آموزش مهارت هاي فرزندآوري و تربيت آنان به مادران جوان در حد مطلوب و استاندارد از جمله ارکان ضروري براي افزايش جمعيت به شمار مي آيد. وي همچنين انجام مشاوره هاي رواني براي فرزندان خانواده هاي تک فرزند و شناسايي مشکلات روحي آنان را بهترين مساعدت به آينده اين گونه فرزندان دانست.

بنابراين شايد داشتن يک فرزند مسئوليت کمتري در حوزه هاي مختلف اجتماعي، اقتصادي، تربيتي و ... براي خانواده به همراه داشته باشد اما براي تک فرزندها تنها بودن و نداشتن خواهر و برادر خوشايند نيست علاوه براين خلاء عاطفي، افسردگي، انزوا و... را در پي دارد.

سعيد برند

[s.barand@khorasannews.com](mailto:s.barand@khorasannews.com)

منبع:

[www.khorasannews.com](http://www.khorasannews.com)

خراسان - مورخ یکشنبه 1391/07/16 شماره انتشار 18236

**جامعه شناسان و نگاهي به پديده تك فرزندي در جامعه**

گفتگو با دكتر حامد بخشي، دكتراي جامعه شناسي توسعه

ایشان می گوید: نرخ جمعيتي ما هنوز مثبت است و اغلب خانواده ها دوفرزند دارند از همين رو به وضعيت نگران كننده در غرب نرسيده ايم، اين مقوله از ابعاد متعدد قابل بررسي است چنانكه مي توان تك فرزندي را به عنوان يك بحث فردي در عرصه كاهش مواليد بررسي كرد. علل كاهش مواليد در ايران و حتي جهان بحث سياستهاي جمعيتي است كه تأثير قابل توجهي در توسعه داشته است.وي همچنين در ادامه مي افزايد: باورهاي فرهنگي نيز به عنوان يكي از علل عمده در اين زمينه مؤثر بوده است چنانكه در حال حاضر اندك اند والديني كه بيش از سه يا چهار فرزند داشته باشند. حتي در ميان مناطق و طبقات پايين جامعه اين مسأله مشهود است. در واقع اين نگاه فرهنگي به فرزندزايي در عميق ترين و پايين ترين بخشهاي جامعه نيز نفوذ كرده است. چنانكه شاهديم سياستهاي تشويقي براي افزايش فرزندان در سالهاي اخير نيز با اقبال چنداني از سوي مردم روبه رو نشده است.اين پژوهشگر اجتماعي اضافه مي كند: از تأثير نگاه اقتصادي در اين زمينه نمي توان غفلت كرد، چرا كه در نظام مدرنيته طبقات سيال شده و افراد سعي مي كنند با درآمدزايي و كاهش هزينه هاي زايدي كه به طور غيرمستقيم تحميل مي شود، شرايط بهره مندي خود از مسايل مادي را افزايش بدهند. از اين رو، امروزه از تعداد فرزندان به دليل هزينه هاي پرورش فرزندان كاسته شده است كه متأثر از توسعه فرهنگ پولي در جامعه مي باشد. در جامعه اي كه فرهنگ پولي وجود ندارد درك دقيقي از هزينه خانواده نيز مشاهده نمي شود از اين رو، خانواده دغدغه تولد و هزينه پرورش فرزند را ندارد. اين در حالي است كه با حاكميت فرهنگ پولي در جامعه؛ محاسبه گري و عقلانيت نيز حاكم مي شود.بخشي در ادامه اظهار مي كند: امروزه هزينه هاي فرزندزايي هم بالا رفته و هم مشروط شده است، از اين رو هركس متناسب با وسع خود صاحب فرزند مي شود. اين گونه به دليل خط فقر، پايين بودن سرانه درآمد طبقه متوسط و پايين كه حدود 80 درصد جمعيت را تشكيل مي دهند. اين طبقات وضعيت درآمدي شان به گونه اي است كه كاهش تعداد فرزندان تأثير قابل توجهي بر زندگي دارد.فرشته سميعي مشاور خانواده نيز در اين باره مي گويد: از آنجا كه هدف اصلي والدين امروزي از فرزندزايي، فرزندپروري است سعي دارند با كاهش تعداد فرزندان بر كيفيت پرورش آنها بيفزايند، زيرا نيازهاي تربيتي و پرورشي كودكان امروز افزايش يافته است. كودك امروزي ديگر با دنياي محدود نيازها و خواسته هاي والدينش راضي نمي شود و جهان خاص خودش را مي طلبد كه نياز به صرف هزينه ها و انرژي هاي گوناگون است.

والديني كه عصاي پيري ندارند

دكتر حامد بخشي با اشاره اينكه عوامل انگيزه فرزندآوري در جامعه كاهش پيدا كرده است، مي گويد: پيش از اين در فرهنگ قبيله اي و ايلاتي وجود فرزندان به ويژه پسر، به عنوان انگيزه اي براي تداوم نسل و نيروي كار محسوب مي شد، اما در حال حاضر با وجود حمايتهايي نهادهاي بيروني از خانواده، حال اين انگيزه در جامعه ضعيف شده است. در تفكر جامعه سنتي نيز والدين فرزندي مي آوردند كه باعث بقا و دوام راه آنها باشد در واقع مادران در وجود دختران و پدران در وجود پسران زنده مي ماندند، اما در جامعه مدرن چنين نيست، بلكه به دليل شرايط سيال جامعه افراد به دنيال شرايط و جايگاه مطلوب خود هستند. وي در ادامه اظهار مي كند: مقوله ديگر، شكاف نسلهاست، زيرا دليل آنكه والدين بنابر دلايل گوناگون زمان كمتري را با فرزندان سپري مي كنند. ارتباط و تعامل آنها چندان محكم نيست. از طرف ديگر والدين امروزي نيز چون گذشتگان چشمداشتي به حمايت فرزندان ندارند. ديگر در باور والدين فرزندان عصاي پيري نيستند زيرا نهادهاي بيروني نظير خانه هاي سالمندان و بيمه ها اين حمايتها را انجام مي دهد.

محو و حذف آدمها

برخي معتقدند با رواج تك فرزندي روابط خانوادگي كاهش يافته و برخي بستگان نظير عمه و خاله محو مي شوند. آيا اين مي تواند نگران كننده باشد؟

حامد بخشي اين مقوله را چندان نگران كننده نمي داند و مي گويد: در حال حاضر نيز از لحاظ ذهني روابط با اين گروه خويشاوندان كاسته شده است، اما در آينده به طور ظاهري حذف مي شوند. در مقابل نيز شبكه هاي اجتماعي جديد همانند دوستان و همكاران جايگزين اين مقوله مي شود، چرا كه امروزه، تأثير روابط خانوادگي و خويشاوندي به لحاظ مادي و معنوي كم شده است وديگر اين گروه، چندان پشتوانه محسوب نمي شوند. حتي اين خويشاوندان خود نيز انگيزه اي براي نقش حمايتي از نسل جوان ندارند چون منافع اين روابط خانوادگي كاهش پيدا كرده است.

تك فرزندي محاسن و معايب

علاوه بر ابعاد اجتماعي حاكم بر قوله تك فرزندي، از دغدغه هاي مهم والدين پرورش و رشد آنهاست.

فرشته سميعي با تأكيد بر اينكه تك فرزندي يا داشتن چندين فرزند مزايا و معايب خودش را دارد، مي گويد: از محاسن زندگي اين كودكان اين است كه آنان زودتر به بلوغ اجتماعي رسيده و روحيه اجتماعي قوي دارد. همچنين از آنجا كه مورد توجه تمام خانواده است، احساس امنيت و خود ارزشمندي بيشتري مي كند. اما همين حمايتهاي افراطي مي تواند عواقبي را به همراه داشته باشد. چنانكه اين كودك را در برابر مسايل و مشكلات آسيب پذير مي كند. از اين رو بايد والدين با فراهم كردن شرايط نظير گسترش روابط با همسالان اين صدمات را كاهش بدهند

<http://mayyar.blogfa.com/post/62>

**ده دلیل برای مخالفت با تک فرزندی**

به گزارش گروه سبک زندگی خبرگزاری دانا (داناخبر)، محمد حسنی سعدی در سایت به کجا چنین شتابان نوشت:این روزها طرح افزایش جمعیت موافقان و مخالفانی دارد و بازار بحث‌ها پیرامون آن رونق دارد. البته استدلال حامیان افزایش جمعیت منطقی‌تر به نظر می‌رسد. بعد خانوار در ایران به زیر چهار نفر رسیده است و این بدین معناست که بسیاری از خانواده های ایرانی الگوی تک فرزندی را برای خود برگزیده‌اند.

منهای بحث علمی و جمعیت شناسی، ماجرا از دیدگاه جامعه شناختی پدیده تک فرزندی که به پدیده امپراتوران کوچک موسوم است در دنیا محل بحث‌ها و بررسی‌های فراوان بوده است. اگر برخی آثار مثبت معدود تک فرزندی که در دیدگاه اقتصاد و تربیت فرزند مطرح می‌شود را کنار بگذاریم آثار منفی بسیار زیادی در سطح خانواده و جامعه بر آن مترتب است. در اینجا ده نمونه از این آثار منفی برشمرده می‌شود.

1. شاید مهم‌ترین مشکل ناشی از تک فرزندی مشکلات ارتباطات اجتماعی فرزند یگانه خانوار باشد. نداشتن هم بازی در خانواده و ورود ناگزیر به دنیای بزرگ‌ترها آثار منفی فراوانی بر روحیات فرزند خواهد گذاشت.

2. در عین حال پرورش نیافتن حس رقابت جویی مسالمت آمیز که در میان خواهر و برادرها وجود دارد از دیگر معضلات این الگوی خانوار محسوب می‌شود. این قضیه اجتماعی شدن فرزند را به شدت متاثر می‌کند و خصوصا در ایام تحصیل ارتباط با همسالان را برای وی به معضلی تبدیل می‌کند.

3. در کنار این ماجرا توجه متمرکز پدر و مادر بر روی یگانه فرزندشان موجب تقویت غرور کاذب در فرزند می‌شود و توقعات او را در سطحی بالا می‌برد که تحمل شکست‌ها و ناکامی‌ها را برای وی در جامعه دشوار می‌کند.

4. در عین حال در سوی دیگر حساسیت افراطی و وسواس گونه پدر و مادر بر روی گفتار و رفتار فرزند ممکن است تاثیرات منفی بر تربیت او داشته باشد.

5. از این‌ها هم که بگذریم فرض وارد آمدن آسیب به تک فرزند مثل معلولیت یا مرگ وی می‌تواند بینان خانواده را نابود کند و چنانچه در مواردی مشاهده هم شده است موجب عدم امکان ادامه حیات اجتماعی برای پدر و مادر شود. در بسیاری موارد امکان فرزند آوری نیز برای پدر و مادر فراهم نیست و سرنوشت نامعلومی را برای آن‌ها رقم می‌زند. در صورتی که وجود فرزند یا فرزندان دیگر از این آسیب محتمل جلوگیری می‌کند.

6. افسردگی ناشی از بزرگ شدن و ازدواج فرزندان در خصوص خانواده های تک فرزند به شدت بیشتر احساس می‌شود. خصوصا خانواده‌هایی که در سال‌های اول ازدواج تنها فرزند خود را به دنیا آورده باشند به ناگاه در سن حدود چهل سال دوباره تنها می‌شوند.

7. در خانواده‌هایی که یکی از پدر و مادر دچار مشکلاتی مثل مریضی، معلولیت و یا مرگ می‌شود نیز بار مسئولیت تحمل این مشکل بر روی یک فرزند سنگین‌تر از مواردی است که فرزندان بیشتری حضور دارند.

8. نسل بعد از تک فرزندها هم معضلات فراوان‌تری خواهد داشت. اینان عمو، عمه، خاله و دایی نخواهند داشت و تنها بستگان آن‌ها پدر و مادرشان هستند که این خود موجب انزوای اجتماعی خاصی خواهد شد.

9. داشتن خواهر و برادر از جنس مخالف سبب می‌شود در فرآیند شناخت فرد از جنس مخالف تسهیل شود و او در ازدواج نیز موفق‌تر باشد که تک فرزندها از آن هم محرومند.

10. جامعه‌ای که همه آحاد آن تک فرزندها باشند قطعا جامعه ای دل‌پذیر و دوست داشتنی نیست. انسان‌هایی درون گرا و فاقد اعتماد به نفس و در عین حال مغرور که توانایی ارتباطات قوی اجتماعی را ندارند و در لاک تنهایی خویش فرو می‌روند. جامعه تک فرزندها شبیه شبه جزایری منفرد است که روابط عاطفی در آن به حداقل رسیده است. انسان‌هایی افسرده و درون گرا این جامعه را تشکیل می‌دهند که طبیعتا احساس پوچی و گرایش به خود کشی در آن به شدت افزایش می‌یابد. تصور آپارتمان نشینی، تک فرزندی و زندگی مجردی در کنار هم در یک شهر بزرگ و فاقد مولفه های فرهنگی مثبت دشوار و پیامدهای آن غیر قابل پیش بینی است.

<http://danakhabar.com/fa/news/>

۱۳ آبان ۱۳۹۲

**پدیده تک فرزندی مثل شمشیر دولبه است**

تک فرزندی از دستاوردهای دنیای صنعتی است که به کشورهای درحال توسعه نیز راه پیدا کرده است. رواج آن نیز در یک دهه اخیر در جامعه ما آغاز شده که متاسفانه به دلیل بی توجهی به شیوه های صحیح تربیتی و برنامه ریزی های غلط، پیامدهای غیرقابل جبرانی را به بار می آورد. یافته های جدید دانشمندان حاکی از آن است که تک فرزندان اگر مورد تربیت صحیح قرار گیرند نسبت به چند فرزندان، فرزندانی شادتر هستند، همچنین موفقیت های بیشتری را کسب می کنند و در زندگی شان کمتر دچار مشکلات روحی و روانی می شوند.

همچنین سایر اختلالات رفتاری در چندفرزندان بیشتر است. به طور کلی تک فرزندها رضایت بیشتری از زندگی خود دارند. اما ناگفته نماند در پدیده تک فرزندی نباید یک دیدگاه مطلق وجود داشته باشد بلکه تربیت تک فرزند مانند یک شمشیر دولبه است که هم مزایا و هم معایب خاص خود را دارد. عواملی که خانواده ها را به سمت تک فرزندی برده اند شامل:

۱) کنترل جمعیت: کره زمین از جمعیت لبریز شده و آمار جهانی نشان دهنده این است که بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان از گرسنگی رنج می برند.

۲) اشتغال زنان: بیش از نیمی از زنان در بازار کار فعالند و زمان کمتری برای تربیت کودک دارند.

۳) مشکلات اقتصادی: تامین هزینه های خوراک، پوشاک، تحصیل، بهداشت و... برای بیشتر خانواده ها مشکل ساز است.

۴) بالارفتن وضعیت بهداشت: که باعث شده احتمال زنده ماندن کودک، بسیار افزایش یابد.

۵) بالارفتن سطح تحصیلات والدین: که باعث می شود بسیاری این اعتقاد را بیابند که تربیت صحیح یک فرزند بهتر از داشتن فرزندان زیاد بدون تربیت صحیح است.

۶) بالارفتن سن ازدواج و محدودبودن سن بارداری. در رابطه با تربیت و نحوه برخورد با پدیده تک فرزندی و معایب و محاسن آن، گفت وگویی با لیلا چراغ ملایی، کارشناس ارشد روان شناسی عمومی انجام داده ایم که در زیر می خوانید.

▪ شما به عنوان یک روان شناس، چه عاملی را در رواج پدیده تک فرزندی در جامعه ایران موثر می دانید؟

پدیده تک فرزندی متاثر از عوامل ترکیبی است. ما اگر بخواهیم پررنگ ترین عوامل آن را در جامعه خودمان بررسی کنیم باید بالارفتن سن ازدواج، بالارفتن سطح تحصیلات افراد و اشتغال زنان را نام ببریم.

▪ یعنی هزینه زندگی را نمی توان به عنوان یک عامل مهم در نظر گرفت؟

چرا هزینه زندگی هم در این مورد نقش دارد اما نه به اندازه مواردی که گفتم.

▪ چرا از تک فرزندی به نام یک شمشیر دولبه یاد می کنند؟

پدیده تک فرزندی امروزه از بحث های داغ روان شناسی به شمار می رود چون هم دارای نقاط ضعف و هم قوت است و مخالفان و موافقان آن حد بحث را از افراط و تفریط می گذرانند. به همین دلیل است که به آن شمشیر دولبه می گویند.

▪ محاسن و معایب تک فرزندی را می توانید برای خوانندگان برشمارید؟

من سعی می کنم به صورت خلاصه و تیتروار عرض کنم. محاسن این موضوع عبارتند از: توجه بیشتر والدین به تک فرزندان و اختصاص دادن زمان بیشتر که باعث می شود این کودکان رابطه تنگاتنگی با والدین شان داشته باشند و توقعات آنها را بیشتر درک کنند. همچنین پژوهش ها نشان داده است که نوجوانان تک فرزند در آزمون های فکری نمرات بهتری کسب می کنند، پخته تر هستند و درک اجتماعی بالاتر و همچنین دایره لغات وسیع تری دارند.

این کودکان پیش از زمان معمول، سخن گفتن را آغاز و همچون بزرگسالان رفتار می کنند. آنان به راحتی می توانند مسایل و دیدگاه های خود را بیان کنند و از آنجایی که در خانواده های تک فرزند، فرزند دیگری نیست تا با ناسازگاری فرزندان، آرامش خانه به هم ریزد، این خانه ها از آرامش بیشتری برخوردارند و کاهش هزینه ها را هم می توان از محاسن تک فرزندی برشمرد.

اما معایب تک فرزندی: چون کودکان تک فرزند حمایت بیشتری را دریافت می کنند بر همین اساس تحمل مشکلات و ناکامی ها در او پایین است و کودک بسیار شکننده و آسیب پذیر می شود و نمی تواند ناامیدی ها و فشارهای روانی را تحمل کند. کودکان تک فرزند در خانواده ای زندگی می کنند که فقط شامل افراد بالغ است بنابراین به بلوغ زودرس می رسند که باید گفت بلوغ زودرس جزء نقطه ضعف به شمار می رود چون مدت کودکی اش اندک بوده است.

این نوع کودکان فقط به برقراری روابطی علاقه مندند که دربرگیرنده منافع آنان باشد و احساسات شان را جریحه دار نکند. هسته ای شدن خانواده ها به گونه ای که خاله، دایی، عمه و عمو به خاطره ها می پیوندند، باعث می شود فرد در آینده بدون پشتوانه باشد. در هنگام طلاق و جدایی و حتی مرگ یکی از والدین، تک فرزندان بیشتر تحت تاثیر مشکلات روانی قرار می گیرند و بسیاری از این قبیل مسایل. شاید در واقع باید گفت که معایبش بیشتر از محاسنش است؛ چراکه این تک فرزندی باعث مهم شدن جنسیت فرزند برای خانواده ها و حتی بالارفتن احتمال سقط جنین را دربر دارد.

▪ تک فرزندی چه پیامدهای روحی و روانی را به دنبال خود دارد؟

پیامدهای روحی و روانی تک فرزندی هم مثبت است و هم منفی. مثل تنهایی که برای یک کودک هم خوب است و هم بد؛ از آن جهت خوب است که والدین محبت و توجه خود را تنها به یک فرزند معطوف می دارند اما بد است چراکه تنهایی به این مساله منجر می شود که کودک در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشکل شود و نتواند با سایر همسالان برخورد مناسبی داشته باشد.

سرخوردگی از دیگر پیامدهای روحی و روانی است که در این فرزندان دیده می شود. به دلیل نحوه برخورد والدین با کودکان تک فرزند بسیاری از آنها نمی توانند ناامیدی ها و فشارهای روانی را تحمل کنند و در مقابل توهین و اهانت ها بسیار رنجیده خاطر می شوند. توقعات بالا نیز ازجمله پیامدهایی است که کودکان تک فرزند با آن روبه رو هستند. توجه کامل والدین به آنها سبب می شود که افراد دارای حس اعتماد به نفس و امنیت شوند اما بیشتر اوقات این باعث اعتماد به نفس کاذب می شود و اینکه توقعات غیرواقعی از سایرین دارند.

▪ درست است که تک فرزندان، کمترین گروهی هستند که به مراکز مشاوره و بهداشت روانی مراجعه می کنند؟

بله. به علت توجه و ارتباط متقابل بین کودک و والد باعث شده این دسته از فرزندان مشاوره کمتری داشته باشند اما آنچه بسیار مهم است، این است که اگر فرزند یک والد خود را چه به دلیل طلاق یا مرگ از دست بدهد، اثرات روحی – روانی به مراتب شدیدتری بر تک فرزندان بر جای می گذارد.

▪ اکثر تک فرزندها از اینکه تنها فرزند خانواده به شمار می روند رضایت دارند. نظر شما به عنوان یک روان شناس در این باره چیست؟

رضایت فرد از زندگی یک امر فرهنگی و ذهنی است. لازم به ذکر است این پژوهش ها در کشورهای دیگر نظیر انگلستان و هندوستان انجام پذیرفته است و تعمیم آن به جامعه خودمان چندان صحیح نیست؛ اگر هم رضایت دارند به این دلیل است که حس رقابت و حسادت فرد را برنمی انگیزانند. البته با توجه به تغییرات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته، در چند سال اخیر، باید هم تک فرزندان، رضایت کامل داشته باشند.

▪ آیا جنسیت در تک فرزندی در جامعه ایران مهم است؟

متاسفانه بله. اکثریت همچنان مانند گذشته مایلند که فرزندشان پسر باشد اما آنچه که مهم است، این است که تربیت صحیح کودک مهم تر از این است که صرفا به جنسیت آن توجه کرد.

▪ طبق آمارها، در خانواده های تک فرزندی، فرزندسالاری حکمفرماست نظر شما در این باره چیست؟

بله. متاسفانه در این دسته خانواده ها از آنجا که والدین خود را در معرض سلطه ورزی کودکانش قرار می دهند و بیش از اندازه به خواسته های وی پاسخ مثبت می دهند، فرزندسالاری حکمفرماست. والدین به دلیل اینکه از نظر عاطفی به شدت وابسته به فرزندشان هستند، احساس می کنند که باید تمام خواسته های وی را برآورده کنند تا آنجا که والدین برای راضی کردن فرزندشان به وی باج می دهند.

▪ چه راه حلی را پیشنهاد می کنید؟

برای جلوگیری از شکل گیری پدیده فرزندسالاری، باید به وضع قوانین پرداخت و همچنین اختیارات مادر، پدر و فرزند به صورت مشارکتی مشخص شود و ضمانت اجرایی داشته باشد و «نه گفتن» به خواسته های نامعقول فرزندان از دیگر مهارت های جلوگیری از فرزندسالاری است.

▪ فکر نمی کنید مثلا حالت وضع قوانین در خانواده ها تا حدی آرمانی و غیرواقعی باشد؟

نه. به این دلیل که شدنی است البته به شرطی که از همان اوان کودکی این امر صورت پذیرد.

▪ در تربیت کودکان تک فرزند، به عنوان یک صاحب نظر چه توصیه هایی را به والدین واجب و ضروری می دانید؟

۱) والدین از تک فرزندشان، مراقبت افراطی نکنند؛ چراکه این نوع مراقبت سبب می شود فرزندشان به فردی ضعیف و کم تحمل تبدیل شود.

۲) والدین به فرزندشان اجازه دهند که با احساسات سخت و ناراحت کننده روبه رو شوند و تحملش را در برابر این نوع احساسات بالا ببرند.

۳) والدین با کودک شان به گونه ای تعامل داشته باشند که وی، عواقب اشتباهات و مسوولیت عمل خود را بپذیرد.

۴) ساختار فرهنگی خانواده را به گونه ای تنظیم کنند که کودکان بتوانند با سایر محیط های اجتماعی خارج از منزل نظیر مهدکودک، دوستان خانوادگی و بستگانی که کودک همسن کودک شان دارند، آشنا شده و رابطه برقرار کنند. رفت و آمد با خانواده های دیگر باید حداقل هفته ای یک بار باشد.

۵) به طور غیرمستقیم در دوست یابی به آنها کمک شود.

۶) به کودکان تحت هیچ شرایطی باج داده نشود و سطح وابستگی کودک به والدین کاهش داده شود و فرد مستقل بار آورده شود.

مهم ترین و اصلی ترین شیوه تربیتی نیز همانطور که گفتم تربیت مشارکتی است.

▪ در نهایت شما به عنوان یک مادر روانشناس علاقه به تک فرزندی دارید یا چندفرزندی؟

چندفرزندی، چراکه هدایت کردن تک فرزند در جامعه سخت تر از چندفرزندی است هرچند همه توصیه ها رعایت شود اما باز ممکن است در تربیت شان به مشکل بربخوریم. به هر حال ناگفته نماند گاهی تک فرزندی با توجه به عواملی که برشمردیم، امری گریز ناپذیر است.

فرزانه نیکروح متین

۱۳۹۰-مرداد-۲۰

**پديده تك فرزندي درحال گسترش است**

تغييرات در شيوه زندگي، ماشيني شدن جوامع و مشكلات اقتصادي سبب افزايش تعداد خانواده هاي تك فرزند و كاهش نرخ رشد جمعيت و به دنبال آن دغدغه و نگراني والدين از نحوه رشد كودك و كارشناسان حوزه علوم اجتماعي از تبعات ناشي از تحولات جمعيتي در جامعه است.

در عصر ماشيني امروز، اشتغال والدين، افزايش هزينه ها و تبليغاتي كه به منظور ترويج سياست

تك فرزندي انجام مي گيرد، از مهم ترين عوامل كاهش ميزان زادوولد و تمايل زوجين براي داشتن يك فرزند بوده و پيش بيني مي شود در سال هاي آتي افراد در جوامع مختلف قادر به درك عاطفي مفاهيم واژگاني مانند عمو، خاله، عمه و دايي نباشند.

آمارها نشان مي دهند، بيش از 20 تا 25 درصد از زنان 40 تا 45 ساله در دنياي امروز، يك فرزند دارند و اين آمار خبر از افزايش چشمگير خانواده هاي

تك فرزند در مقايسه با گذشته مي دهد.

كودكان تك فرزند، در خانواده هايي پرورش پيدا مي كنند كه امكان برقراري ارتباط و سبك مهارت هاي زندگي از طريق گروه هاي همسال يا افرادي با اختلاف سني كم، وجود نداشته و كودكان تجربه آشنايي كمتري با مفاهيمي مانند حسادت، رقابت و دوستي پيدا مي كنند. در اين صورت نياز به جايگزين كردن موقعيت هاي مشابه و قرارگرفتن مداوم چنين كودكاني در گروه همسالان بيشتر احساس مي شود. دكتر مهين اسلامي، فوق تخصص روانپزشكي كودك درخصوص شيوه رشد كودكاني كه در خانواده هاي تك فرزند رشد مي كنند، مي گويد: برخلاف تصور عمومي كه تك فرزندي را عامل تاثيرگذار در كاهش كيفيت رشد و تربيت كودك مي دانند، با بكارگيري شيوه هاي صحيح تربيتي، پيشگيري از آسيب هاي احتمالي و جبران كاستي هاي ناشي از حضور خواهر يا برادر در محيط خانواده به راحتي امكان پذير خواهد بود.

اين متخصص اضافه مي كند: در دنياي امروز كه اكثر والدين شاغل هستند، رواج خانواده هاي تك فرزند، طبيعي بوده و اختلالي در تربيت صحيح كودك ايجاد نمي كند بطوري كه تحقيقات و مطالعات انجام شده در مبحث فرزندپروري، حاكي از مزاياي بي شمار تك فرزندي در شيوه هاي تربيتي است.

يكي از دغدغه ها و نگراني هاي اصلي والدين در خانواده هاي تك فرزند، ايجاد مشكل در تعاملات اجتماعي و كسب مهارت هاي ارتباطي است.

دكتر اسلامي در اين باره معتقد است: سلامت رواني و سازگاري اجتماعي كودكان حاصل تربيت صحيح و نوع نگرش والدين به فرزندپروري است در صورتي كه ديدگاه پدر و مادر بر اين مبنا باشد كه تك فرزندي با انزواي كودك رابطه مستقيم داشته و نداشتن خواهر يا برادر عاملي تاثيرگذار در محدودشدن روابط اجتماعي و ارتباط متقابل آنها است، اين ديدگاه غلط به كودكان منتقل شده و نتيجه آن گوشه گيري فرزندان شده و تبعاتي مانند كاهش اعتمادبه نفس يا خودشيفتگي، خيال پردازي و محدودشدن دايره ارتباطات و تعاملات اجتماعي را به دنبال خواهد داشت.

دكتر ميترا حكيم شوشتري، روانپزشك كودك در خصوص نقش گروه هاي همسال و قرار گرفتن كودكان تك فرزند در محيط هاي اجتماعي به منظور پيشگيري از ايجاد آسيب ها و اختلالات رفتاري مي گويد: از آنجايي كه تنها راه كسب مهارت هاي ارتباطي در خانواده هاي تك فرزند از طريق ارتباط كودك با افراد بالغ مانند والدين يا پدر بزرگ و مادربزرگ ها صورت مي گيرد، برقراري تعاملات اجتماعي از طريق گروه هاي همسال ضروري است.

اين فوق تخصص روانپزشكي كودك اضافه مي كند: مهد كودك بهترين و مناسب ترين راهكار براي كسب مهارت هاي لازم ارتباطي است. بودن با همسالان باعث افزايش قدرت درك و حل مسئله در مقابل مشكلات اجتماعي و دفاع از منافع شخصي مي شود. كودكان تك فرزندي كه ساعاتي از روز را با گروه هاي همسال و تحت نظر مربيان آموزشي سپري مي كنند، پس از رفتن به مدرسه كمتر آسيب پذير و شكننده بوده تحمل رويارويي با مشكلات را داشته و پذيراي تغييرات روحي و رواني در دوره بحراني بلوغ هستند. يكي از معايب تك فرزندي، تجربه تكرار ناپذير فرزند پروري است. در خانواده هاي تك فرزند، پدر و مادر فرصت تجربه اندوزي و جبران اشتباهات در شيوه هاي تربيتي را در فرزندان بعدي ندارند.

دكتر اسلامي در اين خصوص معتقد است: كسب آگاهي از شيوه هاي صحيح تربيتي و مشاوره با كارشناسان علوم تربيتي از جمله روش هاي استفاده صحيح از اين فرصت غير قابل تكرار براي والديني است كه قصد داشتن يك فرزند را دارند. از طرف ديگر هيچ گاه براي اجراي يك روش تربيتي صحيح دير نبوده و والدين مي توانند از تجربيات گذشته خود براي رشد و تربيت بهتر فرزندان بهره ببرند.

دكتر ميترا حكيم شوشتري پيشرفت چشمگير تك فرزندان را در زمينه تحصيلي، وسيع بودن دايره واژگان، داشتن قدرت تكلم زودهنگام و عملكرد اجتماعي بالارا از ويژگي هاي مثبت اين كودكان مي داند و معتقد است، تحقيقات نشان مي دهد، كودكاني كه در خانواده هاي تك فرزند رشد مي كنند، به علت بهره مندي از تجربه ارتباط مداوم با افراد بالغ و تقليد از آنها بلوغ زودرس داشته و در زمينه هاي علمي و تحصيلي در مقايسه با همسالان خود پيشرفت بهتري دارند و از آنجايي كه مركز توجه والدين و اطرافيان قرار دارند قدرت تحمل ناكامي در آنها كمتر مي شود. اين متخصص اضافه مي كند: بايد توجه داشت حمايت بيش از حد والدين در اين خانواده ها ممكن است باعث متوقع شدن كودك و خواسته هاي نابجاي وي از ديگران شود. احتمال به هم خوردن هرم قدرت در خانواده هاي رايج جامعه امروز، وجود داشته و بطور قطع ترويج فرزند سالاري به نفع والدين و كودك نخواهد بود.

به عقيده دكتر حكيم شوشتري، در اكثر خانواده هاي تك فرزند، روش هاي غلط تربيتي والدين، هوش هيجاني كودك را دستخوش آسيب كرده و حمايت افراطي پدر و مادر باعث كاهش بازدهي و بهره برداري در آينده به رغم قابليت و استعدادهاي فردي بالاي آنها مي شود.

دكتر مهين اسلامي روانپزشك كودك، با اشاره به يكي ديگر از معايب تك فرزندي مي گويد: يكي از روش هاي تربيتي غلط، اعمال فشار براي پيروي از الگوهاي افراطي رفتاري مورد توجه والدين و خارج از ظرفيت و توانايي كودك است. براي نمونه برخي از والدين، فرزند خود را مجبور به ادامه تحصيل در رشته اي مي كنند كه دستيابي به آن از آمال دست نيافتني او در زندگي بوده و اين در حالي است كه فرزند هيچ تمايلي به تحصيل در آن رشته ندارد. اين متخصص اضافه مي كند: در خانواده هايي با چند فرزند، هر يك از فرزندان فرصت برآورده كردن يكي از آرزوهاي والدين را دارند، در صورتي كه در خانه هاي تك فرزند تمام آمال و آرزوهاي والدين و حتي پدربزرگ و مادربزرگ بايد در يك كودك تجلي پيدا كرده و اين مسئله تبعات و آسيب هاي رواني متعددي را به دنبال خواهد داشت.

تك فرزندي از ديدگاه جامعه شناسي

جامعه شناسان، ترويج سياستگذاري هاي كاهش زادوولد بدون برنامه ريزي و تبعات ناشي از آن را در پيدايش مشكلات و معضلات جامعه فردا، مهم مي دانند. اميرعلي صداقت طلب، آسيب شناس اجتماعي، افزايش شمار خانواده هاي تك فرزند را زنگ خطري براي قرارگرفتن روابط اجتماعي در معرض آسيب ديدگي و زوال دانسته و معتقد است: كاهش نرخ جمعيتي، مشكلي است كه جوامع پيشرفته تاكنون راه حلي جدي براي رفع آن پيدا نكرده و چنين جوامعي را با بحران مواجه كرده است . از طرف ديگر كوچك ترشدن پايگاه هاي اجتماعي ـ خانوادگي و كاهش برقراري روابط اقوام و بستگان در آينده روابط انساني افراد را تحت الشعاع قرار داده و جامعه را به سوي انزواطلبي و كمرنگ شدن روابط انساني ـ عاطفي پيش مي برد.

با اين حال دكتر ميترا حكيم شوشتري، آمادگي و توانايي اقتصادي و رواني زوجين را براي داشتن فرزندان بيشتر، مسئله اي مهم دانسته وتوصيه مي كند: تصميم براي داشتن فرزند بايد با استناد به شرايط و آمادگي انجام گيرد. در بسياري از خانواده ها، پدر و مادر براي تولد فرزند دوم با كودك مشورت كرده و به خاطر تنهايي يا درخواست او، بچه دار مي شوند اين در حالي است كه تصميم به داشتن فرزند دوم بايد براساس نيازها و توانايي ها صورت گرفته و تولد كودكان ناخواسته باعث پيدايش مشكلات و محدوديت هايي براي اعضاي خانواده مي شود.

روزنامه ايران، شماره 4255 به تاريخ 18/4/88، صفحه 12 (خانواده)

**آسیب‌های تک فرزندی چالشی که با آن روبرو هستیم**

استاد دانشگاه آزاد اسلامی کرج در یادداشتی به آسیب‌شناسی تک‌فرزندی و لزوم افزایش جمعیت در خانواده‌ها پرداخته است.به گزارش خبرنگار دانشگاه باشگاه خبرنگاران، "منصور رمضان‌خانی" استاد دانشگاه آزاد اسلامی کرج در یادداشتی به آسیب‌شناسی تک‌فرزندی و لزوم افزایش جمعیت در خانواده‌ها پرداخته است.

آسیب‌های تک‌فرزندی بر والدین

درخانواده‌های تک فرزند، والدین و فرزند هر دو احساس می‌کنند نیازهای شدیدی به یک‌دیگر دارند و پدر و مادر همواره دراضطراب به سر می‌برند که مبادا تنها فرزندشان را از دست بدهند؛ حال آنکه درخانواده‌های پرجمعیت، توجه والدین به ویژه مادر معطوف به کودکان است و بیشتر وقت وی صرف تربیت آنان می‌شود. ازاین‌رو فرصتی برای افکار منفی یا رفتار بیهوده باقی نمی‌ماند. زمانی که تعداد فرزندان از یک بیشتر باشد؛ پدر و مادر در تلاش مستمر برای رسیدگی به فرزندان از زندگی پویا و پرتحرک لذت می‌برند و هنگام فعالیت خویش هم‌زمان آثار و برکات تلاش خود را در شور و نشاط حاصل از رشد و بالندگی فرزندان خود مشاهده می‌کنند. علاوه بر آن در خانواده‌های تک‌فرزند، مشکلات جزئی وی اشتغال ذهنی زیادی برای پدر و مادر ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال، مادر با مشاهده کوچک‌ترین احتمال آسیب یا بیماری فرزندش سرآسیمه و آشفته می‌شود یا هر رفتار ظاهرا غیر معمول و غیر عادی کودک را نشانه‌ای از بروز مشکل رفتاری یا اخلاقی او می‌داند.

آسیب تک‌فرزندی بر فرزند

در خانواده‌های تک‌فرزند همه محبت‌ها و حمایت‌ها و سخت‌گیری‌ها و کنترل‌ها فقط متوجه یک فرزند است که به سلامتی روانی فرزند آسیب می‌زند.

معمولا تک‌فرزندان در مواجهه با مشکلات دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند ، در حالی که اگر چند فرزند در خانواده وجود داشته باشد، با تکیه بر یک‌دیگر و هم‌دلی، مشکلات خود را بهتر حل می‌کنند.

از دیگر مشکلات تک‌فرزندی این است که فرزند در خانواده موقعیت رقابت ندارد به همین دلیل کمتر با مشکلات مواجه می‌شوند و در معرض تجربه کردن شکست و ناکامی و ... قرار نمی‌گیرد.

یکی‌دیگر از عوارض آن این است که تک‌فرزندی منجر به فرزند‌سالاری شده، بنابراین مانع شکل‌گیری شخصیت فعال فرزند می‌شود. اینگونه فرزندها معمولا گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با هم‌سالان و توجه بیش از حد به بازی‌های رایانه‌ای و انفرادی و ترس و یا تنفر از حضور در گروه‌های اجتماعی دارند.از دیگر خصوصیات تک‌فرزندی، کم شدن ارتباطات کلامی و حاکمیت رسانه‌های تصویری است؛ در نتیجه کودک ساخته و پرداخته تلویزیون و جاذبه‌های گرافیکی و دنیای مجازی می‌شود.

لزوم تعدد فرزندان در خانواده‌های اسلامی ایرانی است

در رویات معصومین(ع) توصیه شده است: همسران از تولد فرزندان متعدد استقبال کنند و از خداوند نسلی سالم و صالح تقاضا کنند. "پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: "من به زیادی جمعیت شما مسلمانان بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم".

با توجه به پيام مقام معظم رهبري در راستاي ريشه‌يابي تک‌فرزندی بديهي است كه شناسايي پديده‌هايی كه منجر به كاهش نرخ باروری شده است و برنامه‌ريزی در راستای بهبود آن‌ها، مي‌توان نقش مهمي در جبران اين كاهش ايفا كرد.تغيير نگرش زنان به مسئله تحصيل و منزلت اجتماعي آنان سبب شده است كه تا پايان تحصيلات خود ازدواج را به تاخير بياندازند، كه اين تاخير يكي از عوامل كاهش باروري در زنان است.

يكي از اثرات مهم و نامطلوب پديده تك فرزندي را به هم خوردن توازن و تعادل نسلي در كشور است سهم مادران تحصيل كرده از جمعيت آينده در مقايسه با مادران كم تحصيلات بسيار كمتر بوده و سبب كاهش متوسط ضريب هوشي جامعه مي‌شود که اين مسأله دقيقاً همان رهنمود مقام معظم رهبري است كه فرمودند یكي از مشكلات ما اين است كه برجسته‌ترين زوج‌های ما كه نخبگان هستند كم‌ترين فرزند را دارند كه اين ضرر بزرگي است.

مادر در صورت فراهم بودن نيازها و امكانات ضروري مي‌تواند فرزندان سالم و موفقي را تربيت كرده و بدين‌ترتيب سلامت و اعتلای جامعه را نيز تضمين ‌كند.

تحولات اجتماعی و فرهنگی، تغییر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، زندگی شهرنشینی، کاهش حجم خانواده‌ها و کمتر شدن تعداد فرزندان، اشتغال زنان، بالا رفتن سطح تحصیلات و وجود انواع رسانه‌ها مانند اینترنت، ماهواره و موبایل از جمله مواردی هستند که در به وجود آمدن شکاف نسلی موثر می‌باشند.

همان‌طور که خواندید آسیب‌های تک‌فرزندی جبران‌ناپذیر است و برای تربیت و ارائه فردی سالم از سوی خانواده به جامعه نیازمند برنامه‌ریزی‌های صحیح هستیم که یکی از آن‌ها تعدد فرزندان است که می‌تواند با رویکردی درست در این زمینه با نگرشی فرهنگی و اجتماعی به مدینه فاضله رسید.

انتشار: ۱۰ فروردين ۱۳۹۳ - ۰۳:۳۰

[**آمار تکان‌دهنده فرزندآوری ایرانیان**](http://www.yjc.ir/fa/news/4689946/آمار-تکان‌دهنده-فرزندآوری-ایرانیان)

میانگین نرخ باروری در کشور به ۱.۷ درصد رسیده است و چنانچه شرایط به این شکل ادامه پیدا کند باید گفت تا ۳۰ سال دیگر، آمار فوت و ولادت برابر خواهد شد و به این شکل نرخ رشد جمعیت به صفر خواهد رسید.

به گزارش خبرنگار باشگاه خبرنگاران قزوین؛

 جدیدترین آمار های منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال نیز بیانگر این واقعیت است که خانواده های ایرانی در حال کوچک تر شدن است.چون براساس مطالعاتی که اخیرا و با توجه به سرشماری سال 90 انجام شده 14.4 درصد خانواده های ایرانی فرزند ندارند و حدود 19 درصد آنها نیز به تک فرزندی رضایت داده اند.مرکز آمار نتیجه برخی از اطلاعات سرشماری سال 90 را منتشر کرده است و کارشناسان سازمان ثبت احوال نیز با استفاده از این اطلاعات و آماری که در اختیار داشتند، مطالعاتی انجام داده اند که بر اساس آن می توان گفت 33 درصد خانواده ها حداکثر صاحب یک فرزند هستند.در این تحقیق اطلاعات دو درصد جمعیت کشور مورد بررسی قرار گرفته است به این شکل که کارشناسان در این پژوهش اطلاعات یک میلیون و 481 هزار و 586 نفر را بررسی کرده اند. این تعداد از جمعیت در واقع 423 هزار و 627 خانواده هستند.علی اکبر محزون، مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال در این باره می گوید: در این پژوهش اطلاعات خانم هایی که یک بار تجربه ازدواج داشته اند بررسی شده و نتایج این تحقیق بیانگر این است که 14.4 درصد این افراد فرزند ندارند.محزون می افزاید: 20.9 درصد خانواده ها دو فرزند و حدود 19 درصد جامعه تحقیقی نیز یک فرزند دارند.این در حالی است که می توان تعداد خانواده ها را نیز بر اساس تعداد فرزندانشان در مناطق شهری و روستایی بررسی کرد، زیرا با توجه به اطلاعات به دست آمده از این پژوهش، در مناطق شهری 14.7 درصد خانواده ها فرزند ندارند، 19.9 درصد صاحب یک فرزند و 22.5 درصد نیز دارای دو فرزند هستند. تعداد فرزندان بیشتر از پنج نفر در مناطق روستایی 7.3 درصد و در نقاط شهری 6.1 درصد است.همچنین خانواده های شش فرزند 6.5 درصد در نقاط روستایی و 4.5 درصد در نقاط شهری، خانواده های هفت فرزند 5.6 در نقاط روستایی و 3.3 درصد در نقاط شهری اعلام شده است.محزون عنوان می کند: براساس این آمار می توان گفت خانواده های تک فرزند در مناطق شهری از میانگین کشوری بالاتر است، زیرا در نقاط روستایی 13.9 درصد از خانواده ها فرزند ندارند. افزون بر این، در مناطق روستایی 16.4 درصد خانواده ها تک فرزند و 16.7 درصد خانواده ها صاحب دو فرزند هستند.

تاریخ انتشار: ۱۰ دی ۱۳۹۲

**نگاهی به پيامدهای روحی ـ رواني تك فرزندی**

**ناهيد دالايی**

تعداد والدين تك فرزند روز به روز در حال افزايش است؛ اما نبايد از ياد برد كه داشتن يك فرزند، بهتر يا بدتر از داشتن چند فرزند نيست و تك فرزندي نيز چون چند فرزندي مزايا و معايبي دارد.خانواده هاي تك فرزندي بر مسائلي خاص تأكيد دارند كه ممكن است در خانواده هاي چند فرزندي وجود نداشته باشد. تک فرزندها نمي توانند نااميدي ها و فشارهاي روحي را تحمل كنند. چنانچه توهيني به آنها شود، بي آن كه قصد و غرضي در كار باشد اين توهين را رفتاري عمدي و به پشتوانه نيتي خاص تفسير مي كنند. چنانچه از مسئله اي رنجيده خاطر شوند اين حالت را تا مدت هاي مديد در درون خود زنده نگاه مي دارند. آنها فقط به برقراري روابطي علاقه مندند كه دربرگيرنده منافع آنان باشد و احساساتشان را نيز جريحه دار نكند. آنها ممكن است ناراحتي هاي خود را براي ديگران بيان نكنند و فردي درون گرا شوند.

پرورش كودك از ۲ عامل تأثير مي گيرند، عواملي كه حضور دارند و عواملي كه غايب هستند. كودك تك فرزند در خانواده اي رشد مي كند كه افراد بالغ در آن حضور دارند و كودك ديگري نيست كه بتواند با او ارتباط برقرار كند. هر دوي اين عوامل، نقشي مهم در پرورش كودكان تك فرزند دارند. كودك تك فرزند به طور كامل مورد توجه و علاقه والدين است. اين عامل سبب مي شود كودك احساس كند شخصي مهم است. مزاياي بزرگ شدن در خانواده هاي تك فرزند چنان است كه كودك مي گويد من دوست دارم تنها فرزند خانواده باشم، هيچ رقيبي نداشته باشم و كسي حسادت مرا تحريك نكند. نياز نباشد با كسي دعوا كنم تا بتوانم وسيله اي را كه دوست دارم، تصاحب كنم.

" كودكاني كه در خانواده تك فرزند زندگي مي كنند احساس امنيت و اعتماد به نفس زيادي دارند. "

عامل ديگري كه در زندگي كودك مؤثر است، حضور در خانواده اي است كه فقط شامل افراد بالغ است. اين كودكان پيش از زمان معمول سخن گفتن را آغاز مي كنند و روحيه اجتماعي نيرومندتري دارند. آنان از والدين خود تقليد و همچون بزرگسالان رفتار مي كنند، به گونه اي كه تحسين و تعجب ديگران را برمي انگيزند. كودكان خانواده هاي تك فرزند معمولاً بلوغ زودرس دارند. بلوغ اجتماعي اين كودكان نيز ممكن است به حال آنان مفيد باشد. آنها زودتر از ديگر كودكان با مسائلي مواجه مي شوند كه برخورد با آنها در سنين بالاتر ناگزير است. مسائل و ديدگاه هاي خود را به راحتي بيان مي كنند و قادرند به والدين خود كمك كنند. آنها زودتر از ديگر كودكان به فعاليت اقتصادي مشغول مي شوند و از كار كردن خجالت نمي كشند. اين كودكان با آمادگي و تجربه زياد به سن بلوغ پا مي گذارند.

معايب يكــــــي بودن

يكي از معايب تك فرزند بودن، تأثير آن بر مراحل رشد كودك است. اين كودكان كسي را ندارند تا با او رقابت يا بازي و دعوا كنند. آنها دوست و همدمي در منزل ندارند، بنابراين برخي از احساسات را تجربه نمي كنند و فرصتي براي كنترل و مديريت آنها نخواهند داشت.

بلوغ روحي و رواني، پديده اي كاملاً ارثي نيست بلكه اكتسابي است.

اين بلوغ مواردي همچون شناخت خود، ميزان واقع بيني و انتخاب مؤثر را شامل مي شود و به راحتي به دست نمي آيد، بلكه به تجربه هايي سخت و طاقت فرسا نياز دارد. كودكي كه تك فرزند خانواده است كمتر با مشكلات مواجه مي شود و در معرض تجربه كردن شكست، ناكامي، رانده شدن و... قرار نمي گيرد و شرايطي را كه لازمه بلوغ روحي، رواني است، تجربه نمي كند. اگر والدين، مراقبتي افراطي از تك فرزند خود به عمل آورند و او را به فردي ضعيف و كم تحمل تبديل كنند، فرزندشان از ديگران نيز انتظار خواهد داشت با او چنين رفتاري داشته باشند كه اين موضوع ناتواني او را شدت خواهد بخشيد. اگر والدين اجازه ندهند فرزندشان با احساسات سخت و ناراحت كننده رو به رو شوند يا امكان آشكار كردن اين نوع احساسات را براي او فراهم نكنند، تحمل وي را برابر اين نوع احساسات ضعيف خواهند كرد.

تمايل والدين به حمايت از تنها فرزندشان، مانع از آن مي شود كه فرزندشان عواقب اشتباهات خود را بيازمايد و مسئوليت عمل خود را بپذيرد. آنها هيچ گاه در مقام انتقاد از فرزندشان بر نمي آيند، با او مخالفت نمي كنند و همواره تسليم خواسته هاي او مي شوند تا از اين طريق مانع ناراحت شدن او شوند. اين والدين مي گويند: فرزندمان هم مثل ما دوست ندارد ناراحت شود؛ بنابراين با هم معامله مي كنيم تا هيچ يك از ما آزار نبيند.

حمايت بيش از حد اين والدين، فرزند را با روحيه حساس و ضعيف تربيت مي كند.

هرچه حمايت آنها از تنها فرزندشان بيشتر شود، قدرت و تحمل وي در رويارويي با مشكلات كاهش مي يابد و از اين رو بسيار شكننده و آسيب پذير مي شوند. در چنين روابط حساس و پر اضطرابي است كه تك فرزند از آزمودن احساساتي كه در روابط بين خواهر و برادر شكل مي گيرد، محروم مي ماند: مسابقه براي چيرگي يافتن بر ديگران، رقابت با خواهر يا برادر در جلب رضايت والدين، مسخره كردن ديگران براي تحقير آنها، توهين به ديگران براي اثبات برتري خود، درگيري براي كسب حق تقدم و بهره مندي بيشتر از مزايا، درددل كردن با خواهر يا برادر، مشاجره درباره اختلاف و تبعيضي كه بين او و خواهر يا برادرش وجود دارد، درگيري با خواهر يا برادر براي تسكين فشارهاي روحي، دفاع از منافع شخصي در ارتباط با ديگران. در خانواده هاي تك فرزند، والدين و فرزندان هر دو احساس مي كنند نياز شديدي به يكديگر دارند. پس ناگزير به مراعات يكديگر هستند، ولي خانواده هاي چند فرزندي چنين نيستند، دعواهاي مكرر، جريحه دار شدن احساسات و عصبانيت در خانواده هاي چند فرزندي رايج است و كودكان معمولاً براي كنترل اين احساسات راهي مناسب مي يابند و بار ديگر با هم بازي مي كنند.

ويژگـــــــــي هاي تك فــــــــــرزندان

تک فرزندها نمي توانند نااميدي ها و فشارهاي روحي را تحمل كنند. چنانچه توهيني به آنها شود، بي آن كه قصد و غرضي در كار باشد اين توهين را رفتاري عمدي و به پشتوانه نيتي خاص تفسير مي كنند. چنانچه از مسئله اي رنجيده خاطر شوند اين حالت را تا مدت هاي مديد در درون خود زنده نگاه مي دارند. آنها فقط به برقراري روابطي علاقه مندند كه دربرگيرنده منافع آنان باشد و احساساتشان را نيز جريحه دار نكند. آنها ممكن است ناراحتي هاي خود را براي ديگران بيان نكنند و فردي درون گرا شوند. ممكن است تبحر لازم را نداشته باشند تا بتوانند دعواهاي خود را با ديگران به گونه اي مديريت كنند كه در نهايت هر دو طرف راضي شوند.

اين نوع احساسات ناپخته معمولاً با تجربه هايي كه فرد در زندگي خود كسب مي كند، درمان مي شود؛ فردي كه تنها فرزند خانواده اش بود مي گويد: سال ها طول كشيد تا دريافتم رفتار والدينم با من مناسب نبوده است. آنها به شدت از من حمايت كردند. تمام خواسته هايم را تأمين مي كردند. به همين دليل نتوانستم ميزان تحملم را در دست نيافتن به خواسته هايم تقويت كنم. اكنون دريافته ام كه ناراحت و نااميد شدن بخشي از مشكلات دوران رشد كودك است و كودك نياز دارد چنين احساساتي را تجربه كند. اگرچه كودكان تك فرزند اجتماعي تر از ديگر كودكان به نظر مي رسند و اعتماد به نفس بيشتري در برقراري ارتباط با بزرگسالان دارند، اما به دليل احساسات ناپخته خود ممكن است از همبازي هاي خود خجالت بكشند و ترجيح دهند با كودكان بزرگتر از خود دوست شوند.

جلوگيــــري از انــــزواي تك فــــرزندان

والدين بايد به فرزند خود كمك كنند تا او بتواند با كودكان هم سن و سالش بازي كند. مدرسه يكي از مكان هايي است كه چنين فرصتي را در اختيار كودكان قرار مي دهد، ولي كافي نيست و بايد فرصت هاي ديگري را نيز مهيا كرد تا كودك بتواند با دوستان همسن و سالش ارتباط برقرار و به بلوغ و عاقلانه شدن احساسات خود كمك كند. مهدكودك و آمادگي، مكاني است كه در آن كودك مي تواند احساسات نابهنجار را در بازي با كودكان هم سن و سال خود تجربه كند. دعوت دوستان به منزل و رفتن به منزل دوستان يا داشتن همبازي هايي در همسايگي، از ديگر فرصت هاي مناسب است. كودكان در سنين مهدكودك دوست دارند بيشتر اوقات را با والدين خود سپري كنند، به همين دليل گاه مهدكودك براي آنان ناراحت كننده است؛ اما آنها نياز دارند در اصطكاك و صميميت با كودكان هم سن و سال خود تجربه كسب و احساسات خود را عاقلانه كنند.هنگامي كه كودكان مشغول بازي با دوستان هم سن خود هستند، ممكن است به رفتارهايي چون مشاركت و مصالحه نكردن، ناتواني در صحبت يا بحث كردن با ديگران براي دفاع از حقوق خود و... تمايل داشته باشند، پس والدين بايد در اين باره با تك فرزند خود صحبت كنند. يكي از مسئوليت هاي والدين اين است كه دنياي پيرامون را براي فرزند خود شرح دهند. «داشتن روابط مطلوب با ديگران كار مشكلي است. اگر هر يك از شما كمي كوتاه بياييد مي توانيد با هم بازي كنيد. بهتر است علايق و حساسيت هاي خودت را براي ديگران روشن كني. در غير اين صورت آنها متوجه نمي شوند كه تو از چه چيزهايي ناراحت مي شوي.»

والدين در محيط خانواده مي توانند فرزند خود را تشويق كنند تا احساسات خود را به آنها بگويند. والدين بايد خود نمونه اين رفتار باشند. آنها همچنين بايد به فرزند خود بياموزند كه از درگيري نگريزد و با صراحت و اطمينان با مشكلات و اختلافات روبه رو شود. اگر والدين، مراقبتي افراطي از تك فرزند خود به عمل آورند و او را به فردي ضعيف و كم تحمل تبديل كنند، فرزندشان از ديگران نيز انتظار خواهد داشت با او چنين رفتاري داشته باشند كه اين موضوع ناتواني او را شدت خواهد بخشيد. اگر والدين اجازه ندهند فرزندشان با احساسات سخت و ناراحت كننده رو به رو شوند يا امكان آشكار كردن اين نوع احساسات را براي او فراهم نكنند، تحمل وي را برابر اين نوع احساسات ضعيف خواهند كرد. تربيت فرزند يك روند آماده سازي و حمايت كردن نوعي اقدام پيشگيري كننده است. " حمايت افراطي از كودكان اجازه نمي دهد كه آنان خود را براي رشد و بلوغ احساسات تقويت كنند.

تبیان <http://samiraeslamieh.blogfa.com/post->

همه مصائب تک فرزند بودن

والدینی که فقط یک فرزند دارند، همیشه خود را برای تنها ماندن فرزندشان ملامت می کنند و نمی توانند خود را راضی کنند که با وجود توجه، عشق و علاقه ای که معطوف به فرزندشان می کنند، این تنهایی برای او خوب باشد....

گرچه روان شناسان اتفاق نظر دارند که تک فرزندی معایب زیادی نسبت به چند فرزندی دارد، اما منکر آن هم نیستند که تک فرزندی مزایایی نیز دارد. چرا که والدین مجبور نیستند محبت و توجه خود را میان چند فرزند تقسیم کنند و تمام توان عاطفی و امکانات مالی خود را معطوف به تنها فرزندشان می کنند، اما مساله اینجاست که رقیب نداشتن در جلب توجه و محبت والدین روی دیگری نیز دارد. یعنی با وجود آن که بشدت اعتماد به نفس فرزند خانواده را تقویت می کند، نسل برآمده از این خانواده ها را به سمت انزوا و تنهایی سوق می دهد.

حال شاید بپرسید که آیا تک فرزندها لزوما منزوی می شوند؟

زهرا کاشانی نسب، کارشناس ارشد مشاوره در گفت وگو با جام جم در پاسخ به این پرسش می گوید: یکی از مهم ترین پیامد های تک فرزندی در بسیاری موارد، کاهش رشد اجتماعی کودک است. در خانواده های تک فرزند، ضعف در تعاملات اجتماعی با همسالان، به دلیل ارتباط کودک با افراد بالغ دیده می شود. از این رو کودکان تک فرزند، اغلب از برقراری ارتباط با همسالانشان دچار ترس و اضطراب می​شوند و گرایش به انزوا و درونگرایی پیدا می کنند.

تقویت ارتباط با همسالان

تک فرزندان کسی را ندارند تا با او رقابت، بازی و دعواهای کودکانه کنند و از آنجا که در خانواده ای رشد می کنند که افراد بالغ در آن حضور دارند و کودک دیگری نیست که بتوانند با او ارتباط برقرار کنند غالبا رفتاری را بروز می دهند که یا به شیوه بزرگسالان است یا همواره خود را کودک فرض می کنند و رفتارهای اجتماعی ضعیفی از خود بروز می دهند.

دکتر زهرا غلامی حیدرآبادی، دکترای روان شناسی نیز به والدینی که فقط یک فرزند دارند، بهره گیری از روش هایی برای تقویت ارتباط فرزندشان با دیگر همسالان توصیه می کند و می گوید: در چنین شرایطی والدین باید به فرزندانشان بیاموزند که با صراحت و اطمینان، هنگام بروز مشکل و اختلاف با همسالانشان رو به رو شوند و همچنین از حمایت های افراطی خود بکاهند و اجازه دهند کودک، حس رقابت را تجربه کند و فرصتی برای مدیریت و کنترل این حس داشته باشد. اگر روش تربیتی خانواده به گونه ای باشد که فرزند خود را وابسته نگه دارد و اجازه انجام امور مختلف را به او ندهند باعث می شود کودک با اعتماد به نفس کمتری به کارهای خود رسیدگی کند و بیشتر متکی به خانواده باشد، اما اگر رفتار خانواده متناسب باشد و در صورت لزوم مسئولیت هایی به فرزند بدهد، باعث می شود وی بتواند از پس کارهای خود بهتر بربیاید.

کودکانی به​ظاهر اجتماعی

تک فرزندها در خیلی از موارد، اجتماعی، مستقل و متکی به نفس به نظر می رسند، اما استقلال عمل شان در مواجهه با بزرگسالان خانواده شکل گرفته که معمولا در قبال خواسته های آنان کوتاه آمده اند. کاشانی نسب از کارشناسانی است که معتقد است، گرچه کودکان تک فرزند اجتماعی تر از دیگر کودکان به نظر می رسند، اما به دلیل احساسات ناپخته ای که در آنها شکل می گیرد، احتمال دارد تمایل به برقراری ارتباط با کودکان بزرگ تر از خود را داشته باشند و از همسالان خود خجالت بکشند. او برای جلوگیری از این پدیده به والدین توصیه می کند: شرایطی را برای فرزندان مهیا سازید که ارتباط آنها با همسالانشان بیشتر شود تا به بلوغ و عاقلانه شدن احساساتشان منجر شود. فرستادن بچه به مهد کودک نیز می تواند بسیار کمک کننده باشد، چراکه مهد کودک و آمادگی مکانی است که در آن کودک می تواند احساسات نابهنجار را در بازی با کودکان هم سن و سال خود تجربه و احساسات خود را عاقلانه کند.

تعدیل انحصارطلبی تک فرزندان

یکی دیگر از مشکلات تک فرزندان توجه طلبی و انحصارطلبی آنهاست. غالبا آنها به سمتی حرکت می کنند که نشان دهند حرف خودشان باید به کرسی بنشیند و چون فرزند دیگری وجود ندارد که بر سر شراکت قدرت با هم رشد کنند و مراوده داشته باشند، حق خود می دانند حرف هایشان مورد پذیرش کامل اطرافیان قرار گیرد و چنانچه خلاف آن اتفاق بیفتد، حتی ممکن است رفتارهای پرخاشگرانه از خود بروز دهند. دکتر غلامی برای تعدیل حس انحصارطلبی تک فرزندان توصیه می کند: کودک تک فرزند باید در مراودات اجتماعی بیشتری با گروه همسالان خود قرار بگیرد تا از این طریق تعامل را بیاموزد. لازم است کودکان تک فرزند در فعالیت های اشتراکی از قبیل باشگاه ورزشی، مهدکودک و کلاس های گروهی نیز شرکت کنند. این دکترای مشاوره تاکید می کند: یکی دیگر از راهکارها این است که خانواده های تک فرزند با خانواده هایی رفت و آمد کنند که فرزندان هم سن و سال داشته باشند و بتوانند جمعی دوستانه فراهم کنند که خانواده ها براحتی با یکدیگر مراوده داشته باشند.

مشاهده دنیا از پشت عینک بزرگسالی

از آنجا که کودکان تک فرزند در خانواده هایی رشد می کنند که در آنها فقط افراد بالغ وجود دارد آنها نیز از والدین خود تقلید و همچون بزرگسالان رفتار می کنند و زودتر از همسالان غیر تک فرزند، وارد دنیای بالغان می شوند. برخی کودکان تک فرزند، به دلیل زندگی در یک محیط بزرگسال از لحاظ روحی و روانی بسیار سریع تر رشد می کنند و دنیا را از دید بزرگسالان می بینند. به گفته روان شناسان، راهکار موثر برای کاهش این پدیده، فراهم آوردن شرایطی است که کودک در محیط همسالان خود قرار گیرد تا تجربه رفتارهای خاص گروه سنی اش را به دست آورد.

حساسیت والدین افزایش می یابد

اما چرا والدینی که فقط یک فرزند دارند نسبت به تمام امور فرزندشان حساسیت و نگرانی بیشتری بروز می دهند؟ حتی در بسیاری موارد به نظر می رسد حساسیت فراوان والدین درباره رفتار وگفتار فرزندشان او را به رفتار و گفتاری نامطلوب می کشاند و به اصطلاح «لوس» می کند. دکتر غلامی درباره علت بروز این حساسیت ها می گوید: خانواده هایی که تک فرزند دارند چون تجربه ای از داشتن فرزند نداشته اند، در قبال هر ناکامی و اتفاقی بسرعت برآشفته می شوند و رفتارهای وسواس گونه و اضطراب زا از خود بروز می دهند و ممکن است براحتی خونسردی خود را از دست بدهند. آنها غالبا حتی در زمینه سلامت جسمانی فرزند خود نیز دیدگاه کمال طلبانه دارند و چون تجربه ای ندارند، انتظار دارند همه چیز درست و کامل پیش برود. این حساسیت ها تا آنجا پیش می رود که فرزندان این خانواده ها احساس می کنند افراد مهمی هستند و این موضوع ممکن است به مرور زمان، خانواده را فرزند سالار کند.

در مقابل خواسته هایش تسلیم نشوید

در بسیاری موارد، والدین تک فرزند، به دلیل حمایت و توجه بیش از حد به فرزندشان، با او مخالفت نمی کنند و همواره تسلیم خواسته های او و مانع از ناراحت شدن وی می شوند؛ این امر باعث می شود او به فردی ضعیف و کم تحمل تبدیل و با روحیه حساس و شکننده ای تربیت شود و در رویارویی با مشکلات از مهارت های لازم برخوردار نباشد. به همین علت روان شناسان تاکید می کنند اگر والدین اجازه ندهند فرزندشان با احساسات سخت و ناراحت کننده روبه رو شود، آنها قادر نخواهند بود مسئولیت عمل خود را بپذیرند.

والدینی که فقط یک فرزند دارند باید بدانند این که تمام نیازهای فرزندان بلافاصله و در کامل ترین شکل مرتفع شود و این که آنها هرگز با میزانی از ناکامی های کوچک روبه رو نشوند، آنها را در محیطی غیرواقعی و خارج از شکل زندگی واقعی پرورش می دهند.

به همین علت دکتر غلامی به خانواده های تک فرزند هشدار می دهد: خطری که فرزندان تان را تهدید می کند آن است که هنگام بزرگسالی و وقتی که بناچار، از حمایت های کمتر محیطی بهره مند می شوند، دچار ناامیدی می شوند و جامعه و محیط بیرونی را برای خود تهدیدکننده و ناکام کننده می یابند که اینها همه ریشه در توجه و حساسیت بیش ازحد شما دارد.

======================================

تک فرزندی چه نتایج ترسناکی دارد

یک روانپزشک با اشاره به نتایج تک فرزندی برای بچه ها و پدرو مادر، تک فرزندها را در معرض صدمه هایی مثل انزوا و گوشه نشینی و عدم استقلال دانست و ازپدرو مادر خواست تا مهدکودک را جایگزین خواهر و برادر نکنند.پدیده تک فرزندی موجب می‌شود تا پدر و مادر تمام سرمایه‌گذاری عاطفی خود را بر یک کودک قرار دهند و کودک نیز متقابلاً فقط پدر و مادرش را می‌بیند و از داشتن تجربیات با خواهر و برادر محروم می‌ماند.بخش مهمی از آموخته‌های کودک مربوط به تعاملات با خواهر و برادر می‌شود و بر اساس آن جهان را کشف می‌کند.کودکان در این حالت می‌آموزند چگونه حرف خود را به بزرگترها بفهمانند و نیازهای خود را مطرح کنند.کودکی که تک فرزند است این فرصت را پیدا نکرده و دنیا را از افق دید پدر و مادر کشف می‌کند.برخی می‌گویند تک فرزند خود را به مهد کودک می‌فرستیم تا با همسن و سال‌هایش تعامل اجتماعی داشته باشد. باید گفت زندگی 24 ساعته با برادر و خواهر و پیوند عاطفی ناشی از آن با مهد کودک قابل جبران نیست و مهد کودک نمی‌تواند جای خواهر و برادر را بگیرد.

معمولاً پدر و مادر نسبت به کودک تک فرزند بیش از حد توجه می‌کند و این کودکان متکی به والدین بار می‌آیند. در این حالت تمام خواسته‌های کودک برآورده می‌شود و این موضوع سبب می‌شود که کودک آموزش اجتماعی لازم را نبیند.

مسئله رقابت بین خواهر و برادرها برای آموزش در دوران بزرگسالی و برخورد با مسائل جامعه مؤثر است.

اینکه چگونه با رقابت و حسادت کنار بیایند و آن را دفع کنند در پرتو ارتباط با خواهر و برادر ایجاد می‌شود.حتی داشتن دو فرزند از یک جنس نیز مشکلاتی در پی خواهد داشت. بر این اساس فرزندان پسری که تنها یک برادر دارند از درک ظرافت‌های دختران بی‌بهره می‌مانند. دختران نیز در صورتی که تنها یک خواهر داشته باشند نمی‌توانند با رفتار و روحیات پسرها آشنا شوند. این فرزندان در زندگی زناشویی خود نیز دچار مشکل می‌شوند.آموزش‌های مربوط به شناخت و تعاملات به بازی‌ها مربوط می‌شود. تک فرزندها به بازی‌های انفرادی گرایش پیدا می‌کنند و تماشای تلویزیون و بازی با رایانه را نسبت به بازی‌های گروهی ترجیح می‌دهند که این ویژگی انزوا و گوشه‌نشینی را همراه خواهد داشت.تک فرزندها هرگز یاد نمی‌گیرند که باید مستقل باشند و وقتی بزرگتر می‌شوند از دولت انتظار دارند که برای آنها شغل ایجاد کرده و در کسب برخی ملزومات آنها را یاری کند.واقعیت این است که پدران و مادران دارای تک فرزند هم با مشکلاتی مواجه خواهند بود زیرا در وجود دو جنس ویژگی‌هایی وجود دارد که والدین با داشتن یک فرزند از آن محروم می‌مانند.پدران به طور ذاتی به دختران و مادران به پسران علاقه دارند بنابراین داشتن هر دو جنس می‌تواند این نیاز را برآورده سازد. همچنین پدران و مادران دوست دارند ویژگی‌های دوران کودکی خود را در فرزندانشان بازسازی کنند که در صورت نداشتن فرزند از یک جنس نوعی نارسایی در والدین ایجاد می‌شود.

=====================================

یکی یکدانه‌های مضطرب

مسائل مختلفی چون اقتصاد خانواده، تربیت فرزندان به شیوه درست، افکار و باورهایی چون فرزند بهتر، زندگی بهتردست به دست هم داد تا فرزند کمتر یا حتی تک فرزندی رواج بیشتری پیدا کند تا به امروز که به نظر می رسد تک فرزندی یک پدیده عادی شده است و بسیاری از زوج‌ها این دیدگاه را با قطعیت پذیرفته‌اند که تک فرزندی شیوه درستی است.اما آنچه والدین تک فرزندان را با مشکلات، گرفتاری‌ها و نیازهای متفاوتی روبرو می‌سازد نگرانی‌ها و سوالات ذهنی آنان است. آیا فرزند خود را از داشتن خواهر و برادر محروم کرده‌ام؟ آیا تک فرزندی به فرزندم آسیب می‌رساند؟ در بیشتر اوقات این نگرانی‌ها به مهارت‌های اجتماعی برمی‌گردد.

بعضی از تحقیقات نشان داده است که تک فرزندان مهارت های ارتباطی و اجتماعی ضعیف‌تری دارند و این در حالی است که تحقیقات دیگری نشان داده است که تفاوتی بین مهارت‌های اجتماعی تک فرزندان بزرگ شده و کسانی که دارای خواهر و برادر دارند وجود ندارد.آنچه لازم است بدانیم این است که برای داشتن مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی خوب، حتما لازم نیست که کودکان خواهر و برادر داشته باشند، بلکه کافی است با همسالان خود در ارتباط باشند و زمان کافی برای یادگیری این مهارت ها به آن ها داده شود.

در مجموع اگر والدین روش صحیح تربیت فرزند را بدانند تک فرزندی با داشتن چند فرزند تفاوتی نمی کند زیرا تک فرزندها جایگزین می‌یابند، با همسالان خود ارتباط برقرار و خلاء ارتباطی را پر می‌کنند.

اگر والدین به این دلیل که فقط یک فرزند دارند، در محبت ورزیدن افراط نکنند، فرزند آن ها متعادل بار می آید وگرنه فرزند پرتوقعی می‌شود که همه چیز را برای خودش می خواهد. بچه‌های اول یا تک فرزندان همیشه در خانواده دچار مشکلاتی خواهند شد که کم تجربگی پدر و مادر می‌تواند در این مساله تاثیر داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت اگر والدین روش صحیح تربیت فرزند را بدانند تک فرزندی با داشتن چند فرزند تفاوتی نمی‌کند.

البته محدودیت‌های تک‌فرزندداری، انکار نشدنی است، اما اگر شرایط زندگی یک زوج مانع داشتن فرزندان بیشتر می‌شود، باید به آنها آموخت تک‌فرزندانی را تربیت کنند که علیرغم محدودیت ها رشد هیجانی و اجتماعی صحیحی داشته باشند. قبل از تربیت به شیوه درست لازم است که درباره ویژگی‌های منحصر به فرد در تک‌فرزندان آگاهی‌هایی کسب کنیم. بر طبق نظر آدلر تک فرزندان دارای خصوصیات فرزندان آول و آخر به طور همزمان هستند. آنها دوست دارند همه توجه پدر و مادر و اطرافیان را به خود اختصاص دهند و در یادگیری مهارت‌های اجتماعی به جهت تنها بودن در خانه معمولاً به آموزش‌هایی از جانب والدین نیازمند هستند.

پدر و مادر تنها فرزند از لحاظ عاطفی فشار زیادی را متحمل می‌شود. زیرا از طرفی صرف همه انرژی‌های روانی و امکانات برای یک فرزند ویژگی‌های منحصر به فردی را در او رشد خواهد داد و از طرفی نیز والدین این فرزندان دائماً دل مشغولی ارائه بهترین‌ها را برای فرزند خود دارند و در این وضعیت انتظار بهترین رفتار را از فرزند خود دارند. یکی از سخت ترین بخش‌های پدر و مادرها آزاد گذاشتن فرزندشان در تصمیم‌گیری و دور شدن آنها از خانه به دلایل مختلف از جمله رفتن به مدرسه، ادامه تحصیل و غیره است. دائماً نگران آسیب دیدن جسمانی و روانی فرزند خود بودن نیز از دغدغه‌های این والدین است.در عین حال تک فرزندان نیز با اضطراب های گوناگونی در همه مراحل رشد خود دست و پنجه نرم می کنند.

یکی از بزرگترین اضطراب هایشان، اضطراب امنیت و ایمنی در فاصله مکانی و زمانی از پدر و مادر است که به اضطراب جدایی نیز معروف است. اضطراب عدم توافق با نظرات والدین خود در زمینه های مختلف به دلیل اینکه هیچ مخالف دیگری در خانه وجود ندارد، اضطراب وفاداری و حمایت از پدر و مادر، اضطراب مسئولیت نگهداری و رسیدگی به والدین خود از دیگر نگرانی های تک فرزندان است. تک فرزندان گاهی از خود می پرسند آیا درست است پدر و مادرم را تنها بگذارم؟

آیا آنها بدون من قادر به زندگی کردن هستند؟ از طرفی تک فرزندان در سنین بزرگسالی همیشه با این اضطراب که اگر والدین شان را از دست بدهند تنها می شوند دست و پنجه نرم می کنند. برای جلوگیری از شدت پیدا کردن این اضطراب‌ها در تنها فرزندان خود لازم است از رفتار‌های افراطی برای حفاظت و اطمینان بخشیدن به کودک خود جلوگیری کنید و در تربیت خود نگرانی های خود را به دوش نکشید. سعی کنید تا شخصیت اجتماعی تک فرزندان را در قالب ارتباطات فامیلی یا روابط اجتماعی رشد دهید تا با اتکای به این ارتباطات تا حد امکان از اضطراب تنهایی دور بمانند.

در صورتی که قادر به کنترل ترس و اضطراب‌های خود و فرزندتان نیستید مشاوره با یک روانشناس آگاه به عملکرد و احساس رضایت شما کمک خواهدکرد. با تشکر از همراهی شما در دانش افزایی خود در زمینه اضطراب و اضطراب‌زدایی، در هفته آینده با موضوع تاثیر بیماری‌های مزمن بر اضطراب کودکان و نوجوانان با شما خواهیم بود.

پروفسور علی گرجی=زهرا بیان مرکز تحقیقات علوم اعصاب شفا

<http://www.ettelaat.com/etiran/?p=44767>

یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۲

=========================================================================

اجتماعي ,گردشگري و محيط زيست کد خبر : 35211 زمان مخابره:

قدس انلاین گزارش می دهد :تک فرزندی؛ لطفا برای این زنگ خطر تره خورد کنید!

قدس انلاین - سید حبیب قاانی- (پدر و مادرم برای 'من' از خاطرات شیرین اقوام پدری و مادریشان می‌گفتند اما من برای فرزندانم از که بگویم؟) احتمالا به زودی این متن دفتر خاطرات نسل بعدی ما خواهد بود که به دلیل هرم جمعیتی واژه های همچون 'عمه، عمو، خاله و دایی... تنها در کتابهای داستان برایش معنی و مفهوم پیدا می کند و خود از داشتن انها محروم خواهد بود.

به گزارش پایگاه خبری- تحلیلی قدس انلاین ، امروزه دیگر خبری از فامیل‌های نزدیک و خونگرم نیست و اغلب تنها زندگی کردن را ترجیح می‌دهند. تعداد والدین‌ تک‌ فرزند روز به روز در حال افزایش‌ است. وهمین امر باعث شد ،هفته گذشته دو وزیر فعلی و سابق ارشاد و بهداشت بر این موضوع تاکید و هشدار دهند.

\* 6/1 فرزند هر خانواده ایرانی

سیدمحمد حسینی در آیین اختتامیه هجدهمین جشنواره مطبوعات و خبرگزاری ها با اشاره به روند خطرناک هرم جمعیتی در کشور اظهار داشت: جمعیت‌شناسان معتقدند در کشور تحولاتی از نظر جمعیتی رخ داده که به مرز هشدار رسیده و باید جامعه را در این زمینه آگاه کرد.

وی ادامه داد در سال 90 هر خانواده ایرانی صاحب 6/1 فرزند است که با احتساب این ضریب در آینده با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهیم بود چیزی که امروز گریبان غرب را گرفته و جمعیت شاداب و جوان در این کشورها رو به افول است.

حسینی ادامه داد: در سال‌های پس از جنگ به دلایل مختلف شعار فرزند کمتر زندگی بهتر تبلیغ شد اما امروز از اهالی رسانه انتظار می‌رود به مسایل اصلی جامعه توجه ویژه داشته باشند.

در اواخر همان هفته نیز وزیر سابق بهداشت و درمان با اعلام زنگ خطر جمعیتی در کشور اظهار داشت : میزان اولاد در خانواده‌ها به 8. 1 رسیده است و با توجه به مرگ و میر افراد، برای ثابت ماندن رشد جمعیت کشور این رقم باید بالای 2 و حداقل 2. 2 باشد تا جمعیت کشور به یک حد ثابت از جمعیت برسد.

دکتر کامران باقری لنکرانی در خصوص سیاست‌های دولت مبنی بر افزایش جمعیت گفت: در خصوص هر مساله‌ای که بخواهیم صحبت کنیم باید به یکسری مبنا توجه کنیم که در این زمینه در کشور با یک رشد ناهمگون در مدل رشد جمعیتی روبرو هستیم.

لنکرانی ادامه داد: از دید کلان، وقتی جمعیت 8. 1 باشد بعد از فوت افرادی از جامعه، عده‌ای از افراد که وارد سن باروری می‌شوند، کشور را دچار بحران جمعیتی می‌کنند.

وی یادآور شد: در نقاطی از کشور رشد جمعیت 1 است و در مناطقی دیگر این عدد به 4 می‌رسد، که رشد چشمگیری است در این وضعیت دولت در برخورد با این ناهمگونی برنامه‌های مختلفی را اتخاذ می‌کند تا با این ناهمگونی منطبق شود.

وی در اشاره به این مطلب که در منطقه‌ای که رشد جمعیت 4 است با مادران بالای 35 سال و زیر 18 سال و زایمان‌های کمتر از سه سال مواجه هستیم که همه این‌ها خطر مرگ و میر مادران و فرزندان و همچنین داشتن فرزندان ناسالم را افزایش می‌دهد، افزود: طبیعی است در این صورت توصیه دولت به مردم این است که شما مشکلی از نظر داشتن هر تعداد فرزند نخواهید داشت مشروط به رعایت کردن موارد فوق ذکر.

در ادامه وی بر این مطلب تاکید کرد که بحث فرزندداری و بهداشت بارداری تنها صحبت از تعداد نیست بلکه توجه به نکاتی برای داشتن فرزند سالم نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

\*یک فرزند کافی نیست

یک روانشناس بالینی با بیان اینکه تک فرزندی یکی از مباحث آسیب‌شناسی خانواده ها است و باید مراقب بود که باور "یک فرزند کافی است" در جامعه افزایش نیابد، گفت: موضوع تک فرزندی شدن خانواده ها یکی از مسائلی است که اگر مراقبت، رصد و آینده پژوهی مناسبی بر روی آن صورت نگیرد در آینده جامعه را با مشکل مواجه می کند.

دکتر عطا میلانی تک فرزندی را یک آسیب اجتماعی مداند و می گوید: هنگامی‌که به بحث آسیب‌شناسی خانواده‌ها وارد می‌شویم یکی از مشکلات و معضلاتی که برخی از کشورها با آن مواجه هستند خانواده های هسته ای است. درزمانهای گذشته چند نسل در کنار هم زندگی می‌کردند اما با گذر زمان این وابستگی کمتر شد و اکنون خانواده هایی از زیر مجموعه خانواده‌های تک فرزندی داریم؛ خانواده‌هایی که از پدر، مادر و یک فرزند و حتی یکی از والدین تشکیل شده است.

وی در خصوص دلایل گرایش خانواده‌ها به سمت تک فرزندی اظهار داشت: سبک زندگی متناسب با باورهای مردم تغییر کرده است. زوج‌های جوان بر اساس میزان درآمد و تامین آتیه خانواده‌ها تصمیم گیری می‌کنند. همچنین دیدگاه افراد نسبت به امر فرزندآوری تغییر کرده و برخی معتقدند برای اینکه بتوان فرزند بهتری تربیت کرد و امکانات اقتصادی مطلوب‌تری را در زمان حال و آینده برای او تامین نمود باید یک فرزند داشت. برخی از خانم‌ها نیز فکر می‌کنند که زایمان در خود‌‌پنداری آنها (تصویر مثبت ذهنی از خود)، تاثیر منفی گذاشته و تغییر فیزیکی بدن و از بین رفتن تناسب اندام آنها را به همراه دارد لذا از آوردن بیش از یک فرزند خودداری می‌کنند؛ برخی نیز با اعتقاد به اینکه با داشتن بیش از یک فرزند، پدر و مادر باید زمان بیشتری را برای مراقبت از آنها صرف کنند و در این صورت از رسیدگی به نیازهای خود باز‌ می‌مانند به این باور که یک فرزند کافی است گرایش می‌یابند. حتی برخی خانواده ها به بهانه های ثبات بیشتر زندگی، مساعد شدن شرایط، توانمند شدن و اینکه در ابتدای زندگی اولویت با خودمان است، فرزند آوری را تا چند سال به تعویق می‌اندازند.

وی درباره چالش های موجود در خانواده های تک فرزند می گوید: در خانواده‌های تک اولاد، تمام انتظارات والدین به صورت کمال گرایانه از یک فرزند است لذا فرزند خانواده فشار مضاعفی را باید تحمل کند. همچنین در این خانواده‌ها به دلیل نبود فرزند دیگر در خانواده، والدین توان مقایسه تفاوت‌های بین آنها را نخواهند داشت و ممکن است هر گونه واکنش هیجانی و رفتاری فرزند را که ناشی از مراحل طبیعی رشد او است به صورت اغراق آمیزی ناهنجار تشخیص دهند.

وی تصریح کرد: وابستگی بیش از حد والدین به فرزند و بالعکس، فرزند را در دوران نوجوانی و جوانی از نظر استقلال عاطفی، تصمیم گیری و شرایط مشابه دچار مشکل می کند.

دکتر میلانی در ادامه افزود: همچنین کودکان یکدانه، گاهی به یک آسیب تربیتی به نام نازپروردگی مبتلا می‌شوند، به این معنا که مراقبت بیش از حد والدین از فرزند باعث می‌شود که وی نتواند در شرایط طبیعی مانند دیگر همسالانش در برآوردن نیازهای شخصی خود مستقل عمل کند و در بسیاری موارد از دیگران هم انتظار رفتاری مشابه با پدر و مادر خود خواهد داشت. این افراد بر اثر ناکامی‌های جزئی واکنش‌های شدید هیجانی و رفتاری نشان می‌دهند و در زمینه‌ی دوستیابی نیز دچار مشکل می‌شوند.

انتهاي خبر/ قدس آنلاين / کد خبر:

۱۳۹۰/۱۲/۶

تک فرزندی، بایدها و نبایدها

مسئله تک فرزندی موضوع جدیدی نیست اما شاید هیچ زمان به این اندازه در خانواده های ایرانی مطرح نشده باشد. بیشتر زوج های جوان پس از گذشت چند سال از زندگی مشترک، تصمیم به بچه دار شدن می گیرند و ترجیح می دهند جمع خانواده ٣ نفره خود را محفوظ نگه دارند.

بیشتر زوج های شاغل مجبور به سپردن فرزند دختر یا پسر خود به مهدکودک می شوند. آن ها با مقایسه وضعیت خود با خانواده های چند فرزند به سرعت درمی یابند هر فرزند از راه رسیده حداقل ٣ تا ٤ سال وقت و انرژی آن ها را می گیرد. همچنین توصیه دیگران به اختصاص تمام بودجه و امکانات برای یک فرزند آن ها را وسوسه می کند که تمام تلاش خود را برای تنها فرزندشان انجام دهند و خیال خود را آسوده کنند و توصیه برخی را مبنی بر نیاز کودک به یک برادر یا خواهر نادیده بگیرند. این دلایل و دلایل متعدد دیگر از جمله مسائل اقتصادی، وضعیت مسکن که با افزایش تعداد اعضای خانواده اجاره مسکن را دشوارتر می کند، ترس از مشکلات آینده، مشکلات تحصیلی و غیره بسیاری از زوج ها را از فکر داشتن فرزند دوم منصرف می کند. در این باره با حجت الاسلام فلاح کارشناس مسائل خانواده به گفت وگو پرداختیم. وی در این باره گفت: در مقطعی دولت و کارگزاران نظام به این تصمیم رسیدند که باید مانع افزایش جمعیت شد و با تلاش رسانه ها، مطبوعات و غیره موضوع کنترل جمعیت عنوان شد. در حالی که در زمان جنگ خلاف این موضوع تبلیغ شد و این رویه ای است که در تمام کشورها رخ می دهد و زمانی که کشوری جنگ طولانی را پیش بینی می کند، تشویق به افزایش زاد و ولد می کند. سیاست کنترل جمعیت در لایه های عمیق جامعه تاثیرگذار بود و توانست تعداد زیادی از مردم را همراه خود کند.از سوی دیگر باورها و خواست مردم هم در این موضوع مداخله داشت و بعد از آن کم کم ذهنیت فرزند کمتر، زندگی بهتر ریشه دار شد. مسائل مختلف اقتصادی، تربیتی، فکری، عقیدتی و غیره همه چیز دست به دست هم داد تا فرزند کمتر یا حتی تک فرزندی رواج بیشتری پیدا کند تا به امروز که به نظر می رسد تک فرزندی یک پدیده عادی شده است و بسیاری از زوج ها این دیدگاه را با قطعیت پذیرفته اند که تک فرزندی دیدگاه درستی است و بهترین شیوه است.وی با اشاره به این که بسیاری از زوج ها هنوز به شناخت درستی از یکدیگر نرسیده دارای فرزند می شوند، می افزاید: این چنین خانواده هایی را نمی توان به داشتن فرزند زیاد توصیه کرد؛ زن و شوهری که همیشه با هم دعوا می کنند، اصلا نباید بچه دار شوند. البته این حکم کلی را نمی توان برای تمام خانواده ها داد. از سوی دیگر برخی خانم ها توان جسمی ندارند و نباید بیش از یک یا ٢ زایمان داشته باشند.

بنابراین برای داشتن فرزند بیشتر باید ملاک های متفاوتی را در نظر گرفت و در شرایط ایده آل باید به داشتن فرزند بیشتر فکر کرد.از سوی دیگر جواد بهادرخان یکی از کارشناسان مرکز بهزیستی مشهد در این باره گفت: از دیدگاه روان شناسی زمانی که فرزند دوم وارد خانواده می شود، فرزند اول احساس می کند کنار گذاشته می شود و مزاحمی برای او پیدا شده است؛ از این رو یک نوع کاستی را تجربه می کند. به این دلیل توصیه می شود فاصله بچه دار شدن بیشتر باشد تا این احساس کاستی در فرزند اول کمتر شود. اما بچه تک فرزند چون تنهاست نمی تواند ارتباطی با همسالان خودش برقرار کند و چه بسا در جمع دوستان یا مدرسه ممکن است شخصیت بزرگسالی پیدا کند و در کودکی بچگی نکند و رفتار بزرگسالی از خود بروز دهد. اگر والدین به این دلیل که فقط یک فرزند دارند، در محبت ورزیدن افراط نکنند، فرزند آن ها متعادل بار می آید وگرنه فرزند پرتوقعی می شود که همه چیز را برای خودش می خواهد.به گفته وی طبق بررسی ها، در جامعه بیشتر افرادی که آسیب می بینند، بچه های اول یا تک فرزند هستند این موضوع به این دلیل اتفاق می افتد، که از یک طرف تجربه پدر و مادر کمتر است و از یک طرف تمام انرژی پدر و مادر صرف تنها فرزند می شود، اما تلاش آن ها نتیجه عکس می دهد. در مجموع اگر والدین روش صحیح تربیت فرزند را بدانند تک فرزندی با داشتن چند فرزند تفاوتی نمی کند زیرا تک فرزندها جایگزین می یابند، با همسالان خود ارتباط برقرار و خلاء ارتباطی را پر می کنند.

محبت افراطی یا سختگیری افراطی یا کنترل افراطی به سلامت روحی تک فرزندان آسیب می رساند؛ زیرا ازیک طرف اراده او خدشه دار و از طرف دیگر توقع او زیاد می شود. تعدیل رفتار والدین دارای تک فرزند کلید حل مشکل است. مشکل اصلی این است که بسیاری از والدین تک فرزند نمی دانند خلاءهای ارتباطی فرزندشان را چگونه پرکنند.به گفته بهادرخان تک فرزندانی که کانون توجه خانواده هستند، در مقاطع تحصیلی هم دچار مشکل می شوند و دائم دچار اضطراب و استرس هستند. وی درباره والدینی که ناخودآگاه تمام توجه و تمرکزشان روی تنها فرزندشان معطوف شده است، گفت: انسان حق انتخاب دارد. یکی از مهارت های اساسی زندگی خودآگاهی است. افراد باید هوشیاریشان را تقویت کنند نه این که از خود رفع تکلیف کنند.انسان باید از خودش مراقبت لحظه ای داشته باشد. پیامبر(ص)، نگاهش را بین اصحابش تقسیم می کرد یعنی از نگاهش هم مراقبت می کرد. بنابراین نمی توان با کلمه خودآگاه از خود رفع تکلیف کرد. والدین باید توجه انتخابی داشته باشند یعنی به صورت کنترل شده به تک فرزند خود توجه کنند.

بهادرخان ادامه داد: از آن جایی که خانواده الگوی کوچکی از جامعه است، افزایش خانواده های کم فرزند طبیعی نیست. زیرا در یک خانواده ٥-٤ نفره، همه یاد می گیرند باید قدرت انطباق و سازگاریشان را بالا ببرند و تقویت کنند، در حالی که سیستم خانواده های تک فرزند متفاوت است و این که بعضی خانواده ها حاضر نیستند از حالت تک فرزندی خارج شوند، تفکر نادرستی است. زیرا خداوند در قرآن فرموده است: «لقد خلقناالانسان فی کبد» یعنی انسان باید در سختی و رنج باشد تا به رشد برسد و داشتن فرزند بیشتر با وجود سختی های بسیار، انسان را به رشد می رساند. آنچه ضروری است این که بدانیم برای داشتن یک زندگی سالم مهارت های زندگی را به عنوان اولویت اول، مهارت های همسرگزینی را اولویت دوم، مهارت های همسرداری را اولویت سوم و مهارت های فرزندپروری را اولویت چهارم خود قرار دهیم.

روزنامه خراسان

تك فرزندي، بايدها و نبايدها

مسئله تك فرزندي موضوع جديدي نيست اما شايد هيچ زمان به اين اندازه در خانواده هاي ايراني مطرح نشده باشد. بيشتر زوج هاي جوان پس از گذشت چند سال از زندگي مشترك، تصميم به بچه دار شدن مي گيرند و ترجيح مي دهند جمع خانواده ٣ نفره خود را محفوظ نگه دارند.

بيشتر زوج هاي شاغل مجبور به سپردن فرزند دختر يا پسر خود به مهدكودك مي شوند. آن ها با مقايسه وضعيت خود با خانواده هاي چند فرزند به سرعت درمي يابند هر فرزند از راه رسيده حداقل ٣ تا ٤ سال وقت و انرژي آن ها را مي گيرد. همچنين توصيه ديگران به اختصاص تمام بودجه و امكانات براي يك فرزند آن ها را وسوسه مي كند كه تمام تلاش خود را براي تنها فرزندشان انجام دهند و خيال خود را آسوده كنند و توصيه برخي را مبني بر نياز كودك به يك برادر يا خواهر ناديده بگيرند. اين دلايل و دلايل متعدد ديگر از جمله مسائل اقتصادي، وضعيت مسكن كه با افزايش تعداد اعضاي خانواده اجاره مسكن را دشوارتر مي كند، ترس از مشكلات آينده، مشكلات تحصيلي و غيره بسياري از زوج ها را از فكر داشتن فرزند دوم منصرف مي كند. در اين باره با حجت الاسلام فلاح كارشناس مسائل خانواده به گفت وگو پرداختيم. وي در اين باره گفت: در مقطعي دولت و كارگزاران نظام به اين تصميم رسيدند كه بايد مانع افزايش جمعيت شد و با تلاش رسانه ها، مطبوعات و غيره موضوع كنترل جمعيت عنوان شد. در حالي كه در زمان جنگ خلاف اين موضوع تبليغ شد و اين رويه اي است كه در تمام كشورها رخ مي دهد و زماني كه كشوري جنگ طولاني را پيش بيني مي كند، تشويق به افزايش زاد و ولد مي كند. سياست كنترل جمعيت در لايه هاي عميق جامعه تاثيرگذار بود و توانست تعداد زيادي از مردم را همراه خود كند.از سوي ديگر باورها و خواست مردم هم در اين موضوع مداخله داشت و بعد از آن كم كم ذهنيت فرزند كمتر، زندگي بهتر ريشه دار شد. مسائل مختلف اقتصادي، تربيتي، فكري، عقيدتي و غيره همه چيز دست به دست هم داد تا فرزند كمتر يا حتي تك فرزندي رواج بيشتري پيدا كند تا به امروز كه به نظر مي رسد تك فرزندي يك پديده عادي شده است و بسياري از زوج ها اين ديدگاه را با قطعيت پذيرفته اند كه تك فرزندي ديدگاه درستي است و بهترين شيوه است.وي با اشاره به اين كه بسياري از زوج ها هنوز به شناخت درستي از يكديگر نرسيده داراي فرزند مي شوند، مي افزايد: اين چنين خانواده هايي را نمي توان به داشتن فرزند زياد توصيه كرد؛ زن و شوهري كه هميشه با هم دعوا مي كنند، اصلا نبايد بچه دار شوند. البته اين حكم كلي را نمي توان براي تمام خانواده ها داد. از سوي ديگر برخي خانم ها توان جسمي ندارند و نبايد بيش از يك يا ٢ زايمان داشته باشند.

بنابراين براي داشتن فرزند بيشتر بايد ملاك هاي متفاوتي را در نظر گرفت و در شرايط ايده آل بايد به داشتن فرزند بيشتر فكر كرد.از سوي ديگر جواد بهادرخان يكي از كارشناسان مركز بهزيستي مشهد در اين باره گفت: از ديدگاه روان شناسي زماني كه فرزند دوم وارد خانواده مي شود، فرزند اول احساس مي كند كنار گذاشته مي شود و مزاحمي براي او پيدا شده است؛ از اين رو يك نوع كاستي را تجربه مي كند. به اين دليل توصيه مي شود فاصله بچه دار شدن بيشتر باشد تا اين احساس كاستي در فرزند اول كمتر شود. اما بچه تك فرزند چون تنهاست نمي تواند ارتباطي با همسالان خودش برقرار كند و چه بسا در جمع دوستان يا مدرسه ممكن است شخصيت بزرگسالي پيدا كند و در كودكي بچگي نكند و رفتار بزرگسالي از خود بروز دهد. اگر والدين به اين دليل كه فقط يك فرزند دارند، در محبت ورزيدن افراط نكنند، فرزند آن ها متعادل بار مي آيد وگرنه فرزند پرتوقعي مي شود كه همه چيز را براي خودش مي خواهد.به گفته وي طبق بررسي ها، در جامعه بيشتر افرادي كه آسيب مي بينند، بچه هاي اول يا تك فرزند هستند اين موضوع به اين دليل اتفاق مي افتد، كه از يك طرف تجربه پدر و مادر كمتر است و از يك طرف تمام انرژي پدر و مادر صرف تنها فرزند مي شود، اما تلاش آن ها نتيجه عكس مي دهد. در مجموع اگر والدين روش صحيح تربيت فرزند را بدانند تك فرزندي با داشتن چند فرزند تفاوتي نمي كند زيرا تك فرزندها جايگزين مي يابند، با همسالان خود ارتباط برقرار و خلاء ارتباطي را پر مي كنند.

محبت افراطي يا سختگيري افراطي يا كنترل افراطي به سلامت روحي تك فرزندان آسيب مي رساند؛ زيرا ازيك طرف اراده او خدشه دار و از طرف ديگر توقع او زياد مي شود. تعديل رفتار والدين داراي تك فرزند كليد حل مشكل است. مشكل اصلي اين است كه بسياري از والدين تك فرزند نمي دانند خلاءهاي ارتباطي فرزندشان را چگونه پركنند.به گفته بهادرخان تك فرزنداني كه كانون توجه خانواده هستند، در مقاطع تحصيلي هم دچار مشكل مي شوند و دائم دچار اضطراب و استرس هستند. وي درباره والديني كه ناخودآگاه تمام توجه و تمركزشان روي تنها فرزندشان معطوف شده است، گفت: انسان حق انتخاب دارد. يكي از مهارت هاي اساسي زندگي خودآگاهي است. افراد بايد هوشياريشان را تقويت كنند نه اين كه از خود رفع تكليف كنند.انسان بايد از خودش مراقبت لحظه اي داشته باشد. پيامبر(ص)، نگاهش را بين اصحابش تقسيم مي كرد يعني از نگاهش هم مراقبت مي كرد. بنابراين نمي توان با كلمه خودآگاه از خود رفع تكليف كرد. والدين بايد توجه انتخابي داشته باشند يعني به صورت كنترل شده به تك فرزند خود توجه كنند.

بهادرخان ادامه داد: از آن جايي كه خانواده الگوي كوچكي از جامعه است، افزايش خانواده هاي كم فرزند طبيعي نيست. زيرا در يك خانواده ٥-٤ نفره، همه ياد مي گيرند بايد قدرت انطباق و سازگاريشان را بالا ببرند و تقويت كنند، در حالي كه سيستم خانواده هاي تك فرزند متفاوت است و اين كه بعضي خانواده ها حاضر نيستند از حالت تك فرزندي خارج شوند، تفكر نادرستي است. زيرا خداوند در قرآن فرموده است: «لقد خلقناالانسان في كبد» يعني انسان بايد در سختي و رنج باشد تا به رشد برسد و داشتن فرزند بيشتر با وجود سختي هاي بسيار، انسان را به رشد مي رساند. آنچه ضروري است اين كه بدانيم براي داشتن يك زندگي سالم مهارت هاي زندگي را به عنوان اولويت اول، مهارت هاي همسرگزيني را اولويت دوم، مهارت هاي همسرداري را اولويت سوم و مهارت هاي فرزندپروري را اولويت چهارم خود قرار دهيم.

روزنامه خراسان

-------------------------------------------------------------------

رنج تک فرزند بودن

یک بچه بهتر است یا دو تا؟ دوتا بهتر است یا سه تا؟ سه تا بهتر است یا چهارتا؟ یک جین بهتر است یا دوجین؟... هیچ کسی در دنیا نیست که به این پرسش ها پاسخ درست بدهد و بتواند مدعی شود که درست ترین پاسخ را به زبان آورده است. هر خانواده قصه خودش را دارد؛ بعضی ها اموراتشان با یک بچه نیز می گردد و بعضی ها هر چه بچه داشته باشند باز هم قانع نمی شوند. گروه اول بر ایده تک فرزندی پافشاری می کنند، چون باور دارند که زندگی با کودکی یکدانه راحت تر و جذاب تر است؛ گروه دوم نیز خانواده ای شلوغ را می پسندند که در آن بچه ها از سر و کول هم بالا بروند و خانه یک لحظه روی آرامش به خود نبیند. اما لزوما نه این ها درست می گویند و نه آن ها؛ حرف هیچ کدام شان نیز لزوما غلط نیست و با توجه به شرایط متعدد تبیین می شود، اما نوع انتخاب هر کدام از این دو گروه پیامدهایی دارد که همواره خانواده را با آن درگیر می کند.

زنجیره ای انسانی در خانه

وقتی سفره ها در خانه های پرجمعیت پهن می شود از یک طرف اتاق شروع می شود و بعد از چند پیچ و خم تا آن سوی اتاق امتداد پیدا می کند. سفره های این خانه ها چند متر کش می آید، چون پدر و مادر خانواده ترجیح داده اند با تولد فرزندان متعدد، خانواده ای پرجمعیت تشکیل دهند که وقتی کنار هم می ایستند مانند زنجیره ای انسانی به نظر برسند. شلوغی، ویژگی همیشگی این خانه هاست. صدای هیاهو و داد و فریاد تا پاسی از شب از این خانه ها بلند می شود. هنگام خرید اگر بودجه خانواده کفاف هزینه ها را ندهد هر فرزند در نوبت گرفتن خدمات می ماند و دستش تا زمانی که بودجه ای جدید به خانواده تزریق نشود به مایحتاجش نمی رسد. فرزندان خانواده های پرجمعیت هم خودشان را خوشبخت می دانند و هم نمی دانند. آن ها می گویند خوشبخت هستند. چون برادران و خواهرانی دارند که تنهایی شان را پر می کنند و روزی که به کمک نیاز دارند همدیگر را تنها نمی گذارند. آن ها در عین حال می گویند گاهی احساس خوشبختی نمی کنند، چون آنقدر خانواده شان شلوغ است که محبت و توجه پدر و مادر به طور یکسان شامل حال شان نمی شود. آن ها از شلوغی خانه، نبود امکانات کافی و مساوی میان بچه ها و قضاوت های مردم در مورد خانواده پرجمعیت شان نیز ناراحتند، چون می گویند وقتی کم سن و سال هستند همکلاسی هایشان طعنه شلوغی خانواده را به آن ها می زنند و وقتی نوبت به ازدواج شان می رسد خانواده عروس و داماد برای جواب بله دادن دودل می شوند، چون می ترسند که ورود به خانواده ای پرتراکم برای شان دردسر درست کند. با این حال بچه های خانواده های شلوغ با این که مصایب و محدودیت های این نوع زندگی را خوب می دانند، ولی این شرایط را به تنها بودن ترجیح می دهند؛ هر چند که وقتی خودشان خانواده ای مستقل تشکیل بدهند معمولا ترجیح می دهند که شمار فرزندان شان از دو یا سه بیشتر نشود.

نسخه هایی برای تک فرزندداری

برخی از زوج ها به تربیت یک کودک موفق بیشتر از به دنیا آوردن چند فرزند ناموفق اعتقاد دارند و برخی توان اقتصادی و شرایط زندگی شان اجازه نمی دهد که بیشتر از یک فرزند داشته باشند. هیچ زوجی را نیز نمی توان مجبور به داشتن فرزندان متعدد کرد حتی اگر قرار باشد روزها از معایب تک فرزندی برایشان گفته شود. محدودیت های تک فرزندداری، انکار نشدنی است، اما اگر شرایط زندگی یک زوج مانع داشتن فرزندان بیشتر می شود باید به آن ها آموخت تک فرزندانی را تربیت کنند که در اجتماع نه آن آدم های لوس و ضعیف که مردم می گویند، بلکه آدم هایی که با وجود تفاوت های زیاد مثل سایر آدم ها رفتار می کنند، باشند. نسخه روان شناسان برای تربیت تک فرزند ها زیاد پیچیده نیست. آن ها می گویند اگر می خواهیم این کودکان را از لاک تنهایی شان درآوریم باید در سنین قبل از مدرسه برای آن ها فرصت برقراری ارتباط با هم سن و سال هایشان را به وجود آورد. مثلا آن ها را به کلاس های مختلف فرستاد و با خانواده هایی رفت و آمد کرد که فرزندان هم سن فرزندشان دارند. نسخه روان شناسان برای تک فرزندهایی که در اثر تعامل دائمی با بزرگ ترها دنیا را از دید آدم های بزرگسال می بینند نیز این است که پدر و مادرها هرگز به فرزندشان به عنوان همدم وابسته نشوند چون والدین همیشه باید والدین فرزندشان باقی بمانند و سعی نکنند نقش همدم او را بازی کنند. پدر و مادرها باید یاد بگیرند که کوچک ترین رفتار فرزندشان را زیر ذره بین نبرند و به او اجازه دهند تا برای خودش حریمی خصوصی و هویتی مستقل بسازد. از تک فرزندها نباید توقعات نابجا و بیشتر از توانشان نیز داشت چون آن ها باید احساس کنند که پدر و مادر، آن ها را به خاطر همان چیزی که هستند دوست دارند نه به خاطر چیزهایی که گمان می کنند در وجود فرزندشان وجود دارد. پدر و مادر باید کاری کنند تا تک فرزندشان بیاموزد زندگی میدان بزرگ و پرحادثه ای است که احتمال پیروزی و شکست در آن وجود دارد و شکی نیست که آن ها نیز با این دو وضع روبه رو خواهند شد. اما فقط تک فرزندی قادر است این تعلیمات را بیاموزد که پدر و مادرش یاد بگیرنددر مقابل درخواست های فرزند کمی مقاومت کنند و همیشه وفق مراد او رفتار نکنند و به گونه ای غیرمستقیم به فرزند بیاموزند که برای رسیدن به هدف باید صبر و تحمل داشت، چون دنیای بیرون از خانه فقط در ازای صبر به آدم ها روی خوش نشان می دهد.

حرف و حدیث یکدانه ها

او یکدانه است؛ یک بچه در یک خانواده سه نفره. او تنهاست، چون غیر از خودش بچه ای در خانه نیست که صدایش را با صدای او در هم بیامیزد و آرزوهایش را با آرزوهای او جمع کند و از شوق داشتن خواهر یا برادر شیطنت کند. یکدانه ها چشم و چراغ خانه اند؛ تکدانه های عزیزکرده ای که در خانه روی چشم نگه شان می دارند. مردم کوچه و بازار می گویند یکی یکدانه ها لوس و نازک نارنجی اند و تحمل شنیدن حرف مخالف را ندارند، برای همین برخی آدم ها نمی توانند با آن ها کنار بیایند. تک فرزند ها از این قضاوت ها باخبرند. آن ها دل شان از این حرف ها می گیرد، اما حتی روان شناسان نیز تا حدی با مردم عادی هم عقیده اند. روان شناسان می گویند احتمال پرتوقع شدن یکدانه ها زیاد است، چون آن ها از وقتی چشم باز کرده اند فقط خودشان را دیده اند و پدر و مادری که همه توان شان را برای جلب رضایت آن ها گذاشته اند. این ها می گویند اگر تک فرزندها به همین شیوه بزرگ شوند و خودشان نیز تلاشی برای تغییر رفتارشان در بزرگسالی نکنند روزی که از دنیای امن خانوادگی کنده می شوند و وارد دنیایی می شوند که در آن کسی با کسی تعارف ندارد و بی جهت قربان صدقه دیگری نمی رود، دچار سرخوردگی می شوند. تک فرزندها گرفتار سرخوردگی می شوند، چون می بینند که در دنیای خارج از خانه همه چیز وفق مرادشان پیش نمی رود و مردم مثل پدر و مادر حاضر نیستند گوش به زنگ خواهش های آن ها باشند. بیشتر تک فرزندها وقتی سرخورده می شوند بلافاصله گرفتار فشارهای روانی و ناامیدی نیز می شوند، چون به باور آن ها مردمی که در اجتماع حضور دارند همواره با رفتار و گفتارشان به آن ها توهین می کنند و این کار را با نیت قبلی نیز انجام می دهند. حتما برای همین است که تک فرزندها از جمع هایی که درآنها احتمال جریحه دار شدن احساساتشان وجود دارد دوری می کنند و با کسانی که منافع آن ها را به خطر می اندازند ارتباط برقرار نمی کنند.

دلواپسی های مادرانه پدرانه

پدر و مادرهای تک فرزندها همیشه دلشان هزار راه می رود. آن ها نگرانند که مبادا برای فرزند یکدانه شان اتفاقی بیفتد و آسیب ببینند. آن ها درست مثل سایه، حتی نزدیک تر از سایه پشت سر فرزندشان راه می افتند و از او حمایت می کنند تا آب در دل او تکان نخورد. عجیب نیست اگر مادری روزی چند بار به اتاق کودکش سر بزند و از حالش جویا شود، غریب نیست اگر پدری حتی اجازه ندهد فرزندش تا حیاط خانه یا کوچه تنها برود، دور از ذهن نیست اگر فرزند حتی وقتی بزرگ شد و به سن مدرسه رسید باز هم پدر ومادر نخواهند او را تنها به مدرسه بفرستند و... . پدر و مادری که یک بچه بیشتر ندارند همیشه دلواپس هستند که مبادا اتفاقی هولناک برای فرزندشان بیفتد و او را از آن ها بگیرد برای همین همه جا همراه آن ها می روند و حتی در جمع او و دوستانش حاضر می شوند و فرزند را می پایند چون از دست دادن او برایشان کابوس است. اما این فقط پدر و مادرها نیستند که تاوان تک فرزندی را پس می دهند، بلکه تک فرزندهای خانواده نیز از این شرایط رنج می برند. آن ها دوستانی دارند که آزادانه در کوچه و خیابان بازی می کنند و به اردو می روند و اتفاقات مختلف را تجربه می کنند بدون این که کسی از به خطر افتادن آن ها دچار کابوس شود. این بچه ها کابوس های پدر و مادرشان را از بچه های همسن و سال خود مخفی می کنند، چون می دانند از نگاه دوستان شان چنین پدر و مادری اسباب خنده و طعنه شنیدن هستند. این شرایط تا بزرگسالی تک فرزندها نیز ادامه پیدا می کند چون پدر و مادرها نمی خواهند دست از حمایت های همه جانبه شان بردارند. آن ها حتی پس از ازدواج نیز با تمام توان، کمر به حمایت از تنها فرزندشان می بندند، چون معتقدند حالا که فرزند از آن ها جدا شده باید باشدت و حدت بیشتر، عشق شان را نثار او کنند. این نثار عشق و فداکاری همان احساس تلخی است که به مذاق همسر تک فرزندها خوش نمی آید. همسران این افراد دوست دارند با زن یا مردی مستقل زندگی کنند، اما ورود بی محابای والدین همسر این تمایل آن ها را سرکوب می کند تا آن جا که ممکن است روزی برسد که همسر تک فرزندها به این وضع اعتراض کند و ابرهای تیره را بر آسمان زندگی مشترک بنشاند.

عیبش همه گفتی هنرش نیز بگو

هیچ پدیده ای در این دنیا مطلق نیست برای همین است که نه تک فرزندی را می شود به طور مطلق تائید کرد و نه می شود آن را به کلی رد کرد. تک فرزند بودن با همه معایب و محدودیت هایش، مزایایی نیز دارد که سبب می شود بسیاری از زوج ها به این شیوه فرزندآوری روی بیاورند و بسیاری از تک فرزند ها با این که می دانند تا آخر عمر تنها خواهند ماند و هیچ گاه مزه خواهر و برادر را نخواهند چشید و نسل بعد از خودشان نیز با واژه هایی چون خاله و دایی و عمه و عمو بیگانه خواهند بود، اعتراضی ندارند. تک فرزندی یعنی به دنیا آمدن در محیط خانوادگی مملو از عشق و توجه که رو به کم شدن نمی گذارد، یعنی پرورش یافتن در محیطی آرام که بهترین امکانات همیشه در دسترس است، یعنی زندگی در رفاه و در محیطی همیشه آرام که تمام برنامه ها با زندگی تک فرزند هماهنگ می شود. تک فرزندی فرصتی مناسب است برای کودکی که هرگز کودکی دیگر را کنار خودش نمی بیند و این امکان را دارد که با افراد بزرگسال معاشرت کند و رفتار افراد بالغ را زودتر از همسن و سال هایش بیاموزد. روان شناسان می گویند تک فرزندها پیش از زمان معمول شروع به حرف زدن می کنند، چون تمام وقتشان با بزرگ ترها سپری می شود. آن ها روحیه اجتماعی نیرومندی نیز دارند چون یاد گرفته اند که با افراد بالغ زندگی و از رفتار آن ها تقلید کنند. این کودکان زودتر از بچه های دیگر با مسائل مربوط به دنیای بزرگسالی آشنا می شوند برای همین رفتارشان پخته تر از همسن و سال هایشان می شود تا آنجا که می توانند در بسیاری از موارد کمک کار پدر و مادرشان باشند. این بچه ها حتی زودتر از کودکان دیگر به فعالیت اقتصادی مشغول می شوند و از این کار نیز خجالت نمی کشند. در یک کلام تک فرزندها در اوج آمادگی و با تجربه زیاد وارد مرحله بلوغ می شوند.

دنیای بی رقیب من

مانند کسی که در تمام عمر لای بستری از پر قو زندگی کرده است، تک فرزندها نیز تحمل ناملایمت های زندگی را ندارند. آن ها از روزی که به دنیا می آیند تا روزی که بزرگ می شوند و سنین مختلف را تجربه می کنند در خانه بی رقیب هستند. بچه های یکدانه چون خواهر و برادری ندارند که مجبور شوند در شرایط مختلف با آن ها رقابت کنند یا حتی بر سر به دست آوردن چیزهای مورد علاقه خود با آن ها بجنگند و مبارزه کنند در دنیایی بی رقیب و شریک غوطه می خورند که تنها حاضران در آن پدر و مادر هستند ؛ همان دو نفری که همواره نقش حامی را برای آن ها بازی می کنند. به همین علت است که روان شناسان روی این دنیای بی رقیب خط بطلان می کشند و معتقدند که در چنین فضایی حتی مراحل رشد کودک نیز مختل می شود. آنها توضیح می دهند که چون این کودکان کسی را ندارند که با او بازی، رقابت یا حتی دعوا کنند یا او را به عنوان همدم و دوست خود در خانه انتخاب کنند، نمی توانند برخی از احساسات را تجربه کنند و فرصتی برای کنترل و مدیریت این احساسات به دست بیاورند. روان شناسان می گویند این که کسی به بلوغ روانی برسد حتما ارث در آن دخیل نیست، بلکه یادگیری نیز در این اتفاق نقش دارد. شناخت از خود، میزان واقع بینی و توانایی انتخاب موثر از مصادیق بلوغ روانی است که البته بسادگی نیز به دست نمی آید. این ویژگی ها محصول زندگی در جمع و ارتباط با انسان های دیگر است که چون احتمال برقراری چنین ارتباطی برای تک فرزندها کمتر از بچه های خانواده های شلوغ است، می توان نتیجه گرفت رسیدن تک فرزندها به بلوغ روانی مشکل تر از سایر افراد است. کودکی که تنها فرزند خانواده است چون پدر و مادری دارد که در همه شرایط سپر بلای او هستند کمتر به صورت مستقیم با مشکلات روبه رو می شود و پدیده هایی چون شکست، ناکامی، طرد شدن یا نادیده گرفته شدن را کمتر تجربه می کند، در حالی که چشیدن طعم این اتفاقات لازمه زندگی و رسیدن به بلوغ روانی است.

نویسنده: آوید طالبیان

خبرنگار بهداشت و درمان فارس،

عاقبت تک فرزندی

حجت الله فراهانی، یک روانشناس با اشاره به پیامدهای تک فرزندی در خانوادها،‌ تک فرزندها را در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی برشمرد که خودمحوری، بودن در رأس هرم قدرت خانواده و قانون‌شکنی از جمله آن است.وی در گفت‌وگو با خبرنگار بهداشت و درمان فارس اظهار داشت: تک‌فرزندی پیامدهایی برای فرزند و والدین همراه دارد. وقتی فرزند تک باشد به دلیل توجه افراطی والدین بعدها در اجتماع نیز از جامعه همین توقع را دارد و ممکن است لوس بار بیاید.

وی افزود: پدیده اجتماعی شدن در این فرزندان ضعیف است و گر چه مهد‌کودک و همسالان می‌توانند در اجتماعی شدن به تک‌فرزند کمک کنند اما داشتن خواهر و برادر موجب افزایش توانایی کلامی و اجتماعی در کودکان می‌شود.وی ادامه داد: بچه‌های تک، احساس قدرت بیشتری به لحاظ تک بودن می‌کنند و از طرفی هرم قدرت خانواده را مخدوش می‌سازند. در این هرم پدر و مادر باید در رأس باشند و فرزند در قاعده هرم. اما تک‌فرزند‌ها قاعده را شکسته و گاهی در رأس هرم قرار می‌گیرند.فراهانی تصریح کرد: تک‌فرزند بودن کودکان را به سمت خود‌محوری هدایت می‌کند و آنها در این هنگام خود را در مرکز قدرت خانواده احساس می‌کنند.این روانشناس گفت: پیامد تک‌فرزندی برای خانواده این است که در صورتی که فرزندشان در جامعه ناموفق باشد به دلیل اینکه فرزند دیگری ندارند دچار سرخوردگی و ناکامی می‌شوند.

وی افزود: از طرفی خانواده‌ در برخورد با تک‌فرزند آزمایشی عمل می‌کند زیرا تجربه‌ دیگری جز او ندارد بنابراین ممکن است در تربیت او ناموفق باشد.وی ادامه داد: داشتن تک فرزند ممکن است احساس راحتی را در والدین به وجود آورد .مانند این جمله که «تمام هم و غم‌مان را برای تک‌فرزندمان گذاشته‌ایم» اما در دراز‌مدت عوارض آن را خواهند دید.این متخصص بهداشت روان اظهار داشت: در صورتی که خانواده شرایط اقتصادی را برای آوردن فرزندانی دیگر داشته باشد تک‌فرزندی ضرورتی ندارد.وی افزود: برخی خانواده‌ها با این عنوان که مگر خودمان خوشبخت هستیم که فرزند دیگری به دنیا آوریم از آوردن فرزند دیگر جلوگیری می‌کنند. در حالی که داشتن فرزندان بیشتر به ثبات، اجتماعی شدن و گرمی کانون خانواده کمک می‌کند.وی تأکید کرد: والدین بدانند که نباید تمام تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد بگذارند. اگر خدای ناکرده اتفاقی برای تک‌فرزند بیفتد والدین با ناکامی بسیاری مواجه می‌شوند.وی ادامه داد: ممکن است تک‌فرزند‌ها سوءاستفاده‌هایی از والدین‌شان بکنند زیرا آنها خود‌محور‌ترند و با این تمایلات خودمحورانه قانون‌شکنی می‌کنند و از آزادی‌های فردی خود استفاده افراطی می‌کنند.فراهانی تصریح کرد: معمولاً خانواده‌ها در تربیت فرزند دوم موفق‌ترند البته این امکان نیز وجود دارد که تربیت فرزندان دیگر با موفقیت همراه نباشد، اما از این منظر که خانواده پس از فرزند اول تجربه کسب می‌کند می‌تواند آن را در خصوص فرزندان دیگر به کار گیرد.وی افزود: متأسفانه برخی خانواده‌ها با ایجاد امکاناتی نظیر رایانه، فرزند را در دنیایی مجازی غرق می‌کنند یا دوستان واقعی برایش در نظر می‌گیرند غافل از اینکه دوستان مجازی و واقعی هرگز جایگزین برادر و خواهر نمی‌شوند.وی خاطرنشان کرد: فرزندان بیشتر پیامد‌های بهتری برای خانواده دارند. بیشتر خانواده‌های دارای تک‌فرزند با این استدلال که تمام زندگی‌مان را وقف تک‌فرزندمان می‌کنیم از آوردن فرزندان دیگر پرهیز می‌کنند، غافل از اینکه بزرگترین سرمایه برای فرزندان داشتن خواهر و برادر است.http://parsinews.ir/news/page/2b4804861ef513a44685a6318becb144

===================================================================

آیا تک فرزندی کار درستی است؟ تاریخ انتشار: ۲۵ مهر ۱۳۹۰

تنهایی برای یك كودك هم خوب است و هم بد. خوب از این جهت كه والدین مجبور نیستند محبت و توجه خود را میان فرزندانشان تقسیم كنند و بد به این دلیل كه كودك در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشكل می‌شود و ممكن است حسود شود. اما برخی دیگر از این کودکان از آنجایی که کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی و دعوا کنند و یا دوست و همدمی در منزل ندارند بنابراین برخی از احساسات را تجربه نمی کنند و فرصتی برای کنترل و مدیریت احساساتشان نخواهند داشت.

زندگی ماشینی باعث شده تا زوج‌ها به داشتن تنها یك فرزند در زندگی خود بسنده كنند.این در حالی است كه والدین تك فرزند همواره احساس گناه می‌كنند چون بر این باورند كه تنها فرزند آنها در طول زندگی خود احساس تنهایی خواهد كرد و به اصطلاح لوس خواهد شد.به گزارش مشرق،درباره تک فرزندی دو باور وجود دارد. باور نخست اینکه چند فرزندی بسیار دشوارتر از تک فرزندی است. حال آنکه تک فرزندی مشکل‌تر است چون والدین فقط یک فرصت تکرار نشدنی برای تربیت فرزند خود دارند و باور دوم اینکه تک فرزندی بسیار ساده تر از چندفرزندی است. به دلیل کمتر بودن هزینه‌ها، نبود اختلاف بین خواهر و برادرها و... حال آن که تک فرزندی مشکلات روانی خاص خود را پدید می‌آورد. به هر حال تک فرزندی شمشیری دو لبه است که نقاط ضعف و قوت گوناگون دارد.

این مورد مزایا و معایبی برای والدین بچه دارد:

مزايا

هزينه كمتر براي خانواده، كنترل راحت تر تك فرزند، صميميت عميق والدين با تك فرزند، آرامش خانه (فرزند ديگري نيست تا با ناسازگاري آنان آرامش خانه از بين برود)، احساس امنيت و اعتماد به نفس بيشتر با تك فرزند به جهت رسيدگي بيشتر به او.

معايب

وابستگي شديد والدين به تك فرزند (اين وابستگي سبب اضطراب تك فرزند مي‌شود وهميشه نگران است كه اگر صدمه‌اي به او برسد، والدين دچار لطمة روحي شديد خواهند شد)، حساسيت فراون والدين دربارة‌ رفتار وگفتار تك فرزند كه او را به رفتار و گفتاري نامطلوب مي‌كشد و لوس مي‌شود، مراقبت بيش از حد والدين كه استقلال تك فرزند را به خطر مي‌اندازد، وابستگي شديد تك فرزند به والدين كه مانع دوست يابي او در ارتباط با همسالان مي‌شود، تأثير منفي بر رشد تك فرزند به جهت نبودن رقابت بازي يا درگيري با برادر يا خواهر، تسليم‌پذيري والدين و عدم مخالفت با تك فرزند كه سبب شكنندگي و آسيب پذيري در آينده مي‌شود و نمي‌تواند نااميدي‌ها و فشارهاي روحي را تحمل كند، برخورد بزرگانه با كودك (اين كار سبب مي‌شود جلوي بچگي كردن او گرفته شود)، ارتباط كمتر با همسالان، به جهت نبودن برادر و خواهري در منزل از ايجاد ارتباط با همسالان خجالت مي‌كشد.

و همینطور معایب و مزایایی برای کودک:

تنهایی

تنهایی برای یك كودك هم خوب است و هم بد. خوب از این جهت كه والدین مجبور نیستند محبت و توجه خود را میان فرزندانشان تقسیم كنند و بد به این دلیل كه كودك در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشكل می‌شود و ممكن است حسود شود. اما برخی دیگر از این کودکان از آنجایی که کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی و دعوا کنند و یا دوست و همدمی در منزل ندارند بنابراین برخی از احساسات را تجربه نمی کنند و فرصتی برای کنترل و مدیریت احساساتشان نخواهند داشت.

چه باید كرد؟

فرستادن بچه به مهدكودك: مهدکودک و آمادگی مکانی است که در آن کودک می تواند احساسات نابهنجار را در بازی با کودکان هم سن و سال خود تجربه کند. کودکان در سنین مهدکودک دوست دارند بیشتر اوقات را با والدین خود سپری کنند به همین دلیل گاه مهدکودک برای آنان ناراحت کننده است اما آنها نیاز دارند در برخورد و صمیمیت با کودکان هم سن و سال خود تجربه کسب و احساسات خود را عاقلانه کنند.داشتن یک همبازی: هنگامی که کودکان مشغول بازی با دوستان هم سن خود هستند ممکن است به رفتارهایی چون مشارکت و ناتوانی در صحبت یا بحث کردن با دیگران برای دفاع از حقوق خود و. . . تمایل داشته باشند، پس والدین باید در این باره با تک فرزند خود صحبت کنند.

همچنین پس از اینكه فرزند شما وارد مدرسه شد ارتباط او با همسن و سالهایش را همواره حفظ كنید.

مثلا با بچه‌های همسایه ارتباط داشته باشد و یا او را در كلاسهای مختلف ثبت‌نام كنید. سعی كنید با بستگان و خانواده‌هایی رفت و آمد داشته باشید كه فرزند همسن فرزند شما دارند.

رشد سریع

تک فرزند بودن، تاثیری بس فراوان بر مراحل رشد کودک دارد. برخی از کودکان تك فرزند، به دلیل زندگی در یك محیط بزرگسال از لحاظ روحی و روانی بسیار سریعتر رشد می‌كنند و دنیا را از دید بزرگسالان می‌بینند.

چه باید کرد؟

توصیه می شود، شما و همسرتان باید كمتر به فرزندتان به عنوان تنها همدم خود وابستگی داشته باشید. والدین باید همیشه والدین فرزندشان بمانند نه همدم او.

توقعات بالا

علت تك فرزندی بسیاری از خانواده‌ها تجمیع تمام امكانات رفاهی برای تنها فرزند خانواده‌ است. با وجود اینكه تجمیع امكانات برای یك بچه احتمال موفقیت وی را بسیار بالا می‌برد اما به موازات آن ممكن است توقعات والدین از فرزند خود را نیز افزایش بدهد.همین موضوع باعث خواهد شد تا فرزند برای موفق شدن و انجام كارهای بزرگ زیر فشارهای روحی و روانی له شود.

چه باید كرد؟

كوچكترین كارهای فرزند خود را زیر ذره بین قرار ندهید. اجازه بدهید كه وی حریم خصوصی و هویت مستقل برای خود داشته باشد. او باید احساس كند كه شما به خاطر همان چیزی كه هست دوستش دارید و توقعات غیر معمول از وی ندارید.در فواصل زمانی مشخص با معلمان وی مشورت كنید. آنها می‌دانند كه توانایی‌های فرزند شما تا چه حدی است. در صورت آگاهی از این توانایی‌ها دیگر انتظارات غیر معقول از آنها نخواهید داشت.

سرخوردگی:با توجه به اینكه تك فرزند، كانون تمام توجهات و محبت‌های والدین در طول زندگی است به همین دلیل تا زمان ورود به دنیای خارج از خانه همه چیز را بر وفق مراد می‌بیند. اما به محض ورود به این دنیای جدید دچار سرخوردگی می‌شود چون همه چیز دیگر بر وفق مراد او نخواهد بود.

چه باید كرد؟

به فرزند خود بیاموزید كه ممكن است در زندگی با ناكامی‌ و مسائل زیادی مواجه شود كه بر وفق مرادش نیستند. اما از همه مهمتر درخواست‌های فرزند خود را به سرعت اجرا نكنید. به او یاد بدهید كه باید برای رسیدن به هدفش تحمل داشته باشد و صبر كند چون دنیای خارج از خانه هم اینگونه است.یکی دیگراز مسوولیت های والدین ، این است که دنیای پیرامون را برای فرزند خود شرح دهند.

================================================

کد خبر: ۲۴۲۸۲۰تاریخ انتشار: ۱۷ اسفند ۱۳۹۲ - ۱۲:۰۷

تک فرزندی بلایی است به جان فرزند

تک‌فرزندی پیامدهایی برای فرزند و والدین همراه دارد. وقتی فرزند تک باشد به دلیل توجه افراطی والدین بعدها در اجتماع نیز از جامعه همین توقع را دارد و ممکن است لوس بار بیاید.حجت الله فراهانی، یک روانشناس با اشاره به پیامدهای تک فرزندی در خانوادها،‌ تک فرزندها را در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی برشمرد که خودمحوری، بودن در رأس هرم قدرت خانواده و قانون‌شکنی از جمله آن است.

وی افزود: پدیده اجتماعی شدن در این فرزندان ضعیف است و گر چه مهد‌کودک و همسالان می‌توانند در اجتماعی شدن به تک‌فرزند کمک کنند اما داشتن خواهر و برادر موجب افزایش توانایی کلامی و اجتماعی در کودکان می‌شود.وی ادامه داد: بچه‌های تک، احساس قدرت بیشتری به لحاظ تک بودن می‌کنند و از طرفی هرم قدرت خانواده را مخدوش می‌سازند. در این هرم پدر و مادر باید در رأس باشند و فرزند در قاعده هرم. اما تک‌فرزند‌ها قاعده را شکسته و گاهی در رأس هرم قرار می‌گیرند.فراهانی تصریح کرد: تک‌فرزند بودن کودکان را به سمت خود‌محوری هدایت می‌کند و آنها در این هنگام خود را در مرکز قدرت خانواده احساس می‌کنند.این روانشناس گفت: پیامد تک‌فرزندی برای خانواده این است که در صورتی که فرزندشان در جامعه ناموفق باشد به دلیل اینکه فرزند دیگری ندارند دچار سرخوردگی و ناکامی می‌شوند.

وی افزود: از طرفی خانواده‌ در برخورد با تک‌فرزند آزمایشی عمل می‌کند زیرا تجربه‌ دیگری جز او ندارد بنابراین ممکن است در تربیت او ناموفق باشد.وی ادامه داد: داشتن تک فرزند ممکن است احساس راحتی را در والدین به وجود آورد .مانند این جمله که «تمام هم و غم‌مان را برای تک‌فرزندمان گذاشته‌ایم» اما در دراز‌مدت عوارض آن را خواهند دید.این متخصص بهداشت روان اظهار داشت: در صورتی که خانواده شرایط اقتصادی را برای آوردن فرزندانی دیگر داشته باشد تک‌فرزندی ضرورتی ندارد.وی افزود: برخی خانواده‌ها با این عنوان که مگر خودمان خوشبخت هستیم که فرزند دیگری به دنیا آوریم از آوردن فرزند دیگر جلوگیری می‌کنند. در حالی که داشتن فرزندان بیشتر به ثبات، اجتماعی شدن و گرمی کانون خانواده کمک می‌کند.وی تأکید کرد: والدین بدانند که نباید تمام تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد بگذارند. اگر خدای ناکرده اتفاقی برای تک‌فرزند بیفتد والدین با ناکامی بسیاری مواجه می‌شوند.وی ادامه داد: ممکن است تک‌فرزند‌ها سوءاستفاده‌هایی از والدین‌شان بکنند زیرا آنها خود‌محور‌ترند و با این تمایلات خودمحورانه قانون‌شکنی می‌کنند و از آزادی‌های فردی خود استفاده افراطی می‌کنند.

فراهانی تصریح کرد: معمولاً خانواده‌ها در تربیت فرزند دوم موفق‌ترند البته این امکان نیز وجود دارد که تربیت فرزندان دیگر با موفقیت همراه نباشد، اما از این منظر که خانواده پس از فرزند اول تجربه کسب می‌کند می‌تواند آن را در خصوص فرزندان دیگر به کار گیرد.وی افزود: متأسفانه برخی خانواده‌ها با ایجاد امکاناتی نظیر رایانه، فرزند را در دنیایی مجازی غرق می‌کنند یا دوستان واقعی برایش در نظر می‌گیرند غافل از اینکه دوستان مجازی و واقعی هرگز جایگزین برادر و خواهر نمی‌شوند.وی خاطرنشان کرد: فرزندان بیشتر پیامد‌های بهتری برای خانواده دارند. بیشتر خانواده‌های دارای تک‌فرزند با این استدلال که تمام زندگی‌مان را وقف تک‌فرزندمان می‌کنیم از آوردن فرزندان دیگر پرهیز می‌کنند، غافل از اینکه بزرگترین سرمایه برای فرزندان داشتن خواهر و برادر است. منبع: خبرگزاری فارس

====================================================

انتشار: ۱۶ فروردين ۱۳۹۳ - ۰۴:۰۰تعداد نظرات: ۱ نظر

پیامدهای تک فرزندی چیست؟

یک روانپزشک با اشاره به پیامدهای تک فرزندی برای فرزندان و والدین، تک فرزندها را در معرض آسیب‌هایی مانند انزوا و گوشه نشینی و عدم استقلال دانست و از والدین خواست تا مهدکودک را جایگزین خواهر و برادر نکنند.فربد فدایی اظهار داشت: پدیده تک فرزندی موجب می‌شود تا پدر و مادر تمام سرمایه‌گذاری عاطفی خود را بر یک کودک قرار دهند و کودک نیز متقابلاً فقط پدر و مادرش را می‌بیند و از داشتن تجربیات با خواهر و برادر محروم می‌ماند.وی افزود: بخش مهمی از آموخته‌های کودک مربوط به تعاملات با خواهر و برادر می‌شود و بر اساس آن جهان را کشف می‌کند.فدایی ادامه داد: کودکان در این حالت می‌آموزند چگونه حرف خود را به بزرگترها بفهمانند و نیازهای خود را مطرح کنند.وی ادامه داد: کودکی که تک فرزند است این فرصت را پیدا نکرده و دنیا را از افق دید پدر و مادر کشف می‌کند.این روانپزشک تصریح کرد: برخی می‌گویند تک فرزند خود را به مهد کودک می‌فرستیم تا با همسن و سال‌هایش تعامل اجتماعی داشته باشد. باید گفت زندگی 24 ساعته با برادر و خواهر و پیوند عاطفی ناشی از آن با مهد کودک قابل جبران نیست و مهد کودک نمی‌تواند جای خواهر و برادر را بگیرد.وی افزود: معمولاً پدر و مادر نسبت به کودک تک فرزند بیش از حد توجه می‌کند و این کودکان متکی به والدین بار می‌آیند. در این حالت تمام خواسته‌های کودک برآورده می‌شود و این موضوع سبب می‌شود که کودک آموزش اجتماعی لازم را نبیند.وی ادامه داد: مسئله رقابت بین خواهر و برادرها برای آموزش در دوران بزرگسالی و برخورد با مسائل جامعه مؤثر است.این روانپزشک گفت: اینکه چگونه با رقابت و حسادت کنار بیایند و آن را دفع کنند در پرتو ارتباط با خواهر و برادر ایجاد می‌شود.فدایی اظهار داشت: حتی داشتن دو فرزند از یک جنس نیز مشکلاتی در پی خواهد داشت. بر این اساس فرزندان پسری که تنها یک برادر دارند از درک ظرافت‌های دختران بی‌بهره می‌مانند. دختران نیز در صورتی که تنها یک خواهر داشته باشند نمی‌توانند با رفتار و روحیات پسرها آشنا شوند. این فرزندان در زندگی زناشویی خود نیز دچار مشکل می‌شوند.وی افزود: آموزش‌های مربوط به شناخت و تعاملات به بازی‌ها مربوط می‌شود. تک فرزندها به بازی‌های انفرادی گرایش پیدا می‌کنند و تماشای تلویزیون و بازی با رایانه را نسبت به بازی‌های گروهی ترجیح می‌دهند که این ویژگی انزوا و گوشه‌نشینی را همراه خواهد داشت.این روانپزشک اظهار داشت: تک فرزندها هرگز یاد نمی‌گیرند که باید مستقل باشند و وقتی بزرگتر می‌شوند از دولت انتظار دارند که برای آنها شغل ایجاد کرده و در کسب برخی ملزومات آنها را یاری کند.

این متخصص بهداشت روان گفت: واقعیت این است که پدران و مادران دارای تک فرزند هم با مشکلاتی مواجه خواهند بود زیرا در وجود دو جنس ویژگی‌هایی وجود دارد که والدین با داشتن یک فرزند از آن محروم می‌مانند.وی خاطرنشان کرد: پدران به طور ذاتی به دختران و مادران به پسران علاقه دارند بنابراین داشتن هر دو جنس می‌تواند این نیاز را برآورده سازد. همچنین پدران و مادران دوست دارند ویژگی‌های دوران کودکی خود را در فرزندانشان بازسازی کنند که در صورت نداشتن فرزند از یک جنس نوعی نارسایی در والدین ایجاد می‌شود. منبع: خبرگزاری فارس

=========================================================

در جامعه امروز، علت اصلی سپردن کودکان به مهدهای کودک شاغل بودن مادران آنها نیست، چرا که در دنیای امروز با کاهش تعداد فرزندان و گرایش خانواده‌ها به تک فرزندی کودکان برای تعامل با گروه همسالان خود با محدودیت‌هایی مواجه هستند که به نظر می‌رسد مهدهای کودک می‌توانند این خلاء را به نحوی منطقی پر کنند.

========================================================================= چند فرزندی بهتر است یا تک فرزندی؟!

دانشمندان در تحقیقات خود متوجه شدند تک‌فرزندها شادترند، موفقیت‌های بیش‌تری کسب می‌کنند و در زندگی خود کم‌تر دچار مشکلات روحی و روانی می‌شوند.

زمانی که از یکی از ستاره‌های مطرح دنیای موسیقی در مورد رمز موفقیتش سوال پرسیده شد این گونه پاسخ داد که اگر تک فرزند نبود خانواده‌اش امکان فراهم کردن شرایط برای پیشرفت او را در اختیار نداشتند و او اکنون یک فرد عادی مانند میلیاردها نفر دیگر در کره زمین بود.

این گفته نشان می‌دهد تک فرزندی علاوه بر تمام مشکلاتی که ممکن است به همراه داشته باشد می‌تواند راه را برای پیشرفت بهتر کودکان فراهم کند.

در یکی از گسترده‌ترین تحقیقات در این مورد که در انگلستان انجام شده است مشخص شد هرچه تعداد فرزندان کم‌تر باشد آن‌ها شادترند و در این بین تک‌فرزندان بهترین شرایط را دارند و از زندگی خود راضی‌ترند.

این یافته‌ها هم‌چنین نشان می‌دهد هر چه تعداد فرزندان کم‌تر باشد تعداد زد و خوردها و درگیری‌ها بین آن‌ها کم‌تر است. در این نظرسنجی نزدیک به 31 درصد از کودکان اعلام کردند مرتبا توسط برادر یا خواهر خود مورد ضرب و شتم واقع شده‌اند یا دیگر خشونت‌ها را تجربه کرده‌اند.

در این مطالعات برای اولین بار، زندگی 100 هزار نفر در 40 هزار خانواده مورد بررسی قرار گرفت تا محققان به بهترین شکل بتوانند تاثیر تعداد برادران و خواهران را روی یکدیگر بسنجند.

نتایج این مطالعات برای اولین بار توسط یک گروه تحقیقاتی اجتماعی و اقتصادی در نشریه State of the Nation به چاپ رسید. برآیند کلی این تحقیقات این بود که تک‌فرزندها شادترین و بهترین وضعیت را برای زندگی دارند و هر چه تعداد برادران و خواهران بیش‌تر باشد به همان اندازه میزان شادی کودکان کاهش پیدا می‌کند.

در این مطالعات پرسشنامه‌هایی توسط 2 هزار و 500 کودک و نوجوان پر شد و نتایج آن‌ها در موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی واقع در دانشگاه اسکس مورد بررسی قرار گرفت.

بسیاری از کودکان اعلام کردند برادران و خواهران باعث می‌شود آن‌ها تلاش بیش‌تری برای جلب توجه والدینشان کنند، مجبور شوند فضای زندگی را با آن‌ها تقسیم کنند و به طور کلی هزینه‌های زندگی بین دیگر افراد نیز تقسیم می‌شود.

نزدیک به 29.5 درصد از کودکان شکایت کردند که توسط برادران و خواهران خود مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند یا با الفاظ ناشایست صدا زده می‌شوند. هم‌چنین 17.6 درصد نیز اعلام کردند اموال و لوازم آن‌ها توسط برادرانشان غصب شده است و آن‌ها نمی‌توانند آن‌ها را پس بگیرند.

پروفسور دیتر ولک از دانشگاه وارویک که در مورد دعواها و درگیری‌های بین کودکان تحقیقاتی انجام داده است در این باره گفت: نزدیک به 54 درصد از خواهران و برادران به شکلی با یکدیگر دچار مشکل هستند. البته نباید فقط با دید منفی به این موضوع نگاه کرد. خواهران و برادران علاوه بر این درگیری‌ها می‌توانند به یکدیگر کمک کنند و از یکدیگر در مواقع دشوار پشتیبانی به عمل بیاورند.

البته از سوی دیگر بررسی‌های ما نشان می‌دهد دعواها و درگیری‌های بین کودکان استرس والدین را هم بیش‌تر می‌کند. گاهی‌ اوقات این درگیری‌ها آن‌قدر ادامه پیدا می‌کند که والدین به طور کل نظارت در این مورد را رها می‌کنند و به همین دلیل کودکان قوی‌تر و بزرگ‌تر فرصت‌ها و موقعیت‌های بیش‌تری برای سوء استفاده از دیگر فرزندان خانواده دارند.

سیوبهان فریگارد یکی از بنیان‌گذاران سایت نت‌مامز که اطلاعات زیادی برای والدین در مورد نگهداری و تربیت فرزندانشان فراهم می‌کند در این باره گفت: از یک سن خاص والدین خصوصا مادران تبدیل به داور می‌شوند و درگیری‌های‌های بین خواهر و برادران را حل و فصل می‌کنند.

زمانی که تعداد فرزندان زیاد می‌شود مسوولیت‌هایی که بر دوش والدین قرار می‌گیرد زیاد می‌شود و به همین دلیل آن‌ها زمان کم‌تری برای سپری کردن زمان با کودکان خودشان پیدا می‌کنند. همین عامل باعث بروز رقابت بین کودکان می‌شود که این عامل هم می‌تواند به نوبه خود به درگیری‌ها و بگومگوهایی بینجامد.

به این ترتیب والدینی که فقط صاحب یک فرزند هستند می‌توانند یک نفس راحت بکشند و دیگر نگران این نباشند که فرزند آن‌ها هیچ خواهر و برادری ندارد. به طور کلی تک‌فرزندها رضایت بیش‌تری از زندگی خود دارند و از این شرایط استقبال می‌کنند.

http://www.irannaz.com/news\_detail\_11770.html

===============================================================

۰۸ بهمن ۱۳۹۲

افزایش جمعیت کی به صداوسیما می رسد؟

تلویزیون درباره تعداد فرزندان در آگهی های تبلیغاتی یا سریالها(به فراخور) می تواند سیاست واحدی را پیگیری کند و به مسئولان خود اعلام کند به جای خانواده 3 یا 4 نفره خانواده های 5 نفره و 6 نفره معیار قرار گیرد.

تلویزیون نقش پر رنگی در تغییر سبک زندگی مردم دارد و به راحتی با یک سریال شبانه می‌تواند پیام‌های بسیاری ارائه کند که بسیاری از آنها به واسطه اعتماد مردم به رسانه ملی خیلی سریع جذب و کاربردی می‌شود.

یکی از مواردی که تلویزیون خیلی خوب می‌تواند روی آن مانور بدهد، بحث مهم ازدیاد نسل است.

تبلیغ تک فرزندی

یکی از مباحثی که سالهای آینده می رود تا به چالشی جبران ناپذیر برای کشور تبدیل شود، بحث کاهش تعداد فرزندان و افزایش تک فرزندی و دو فرزندی در ایران است.

موضوعی که طی تبلیغات در دو دهه گذشته نفوذ بسیاری در اذهان عمومی داشته و طی سال‌های اخیر داشتن تعداد بالای فرزند مایه سرشکستگی و یا بی‌فرهنگی خانواده‌ها محسوب می‌شد. موضوعی که حتی نهادهای بهداشتی درمانی داخل کشور نیز بر این امر تاکید داشتند.

تبلیغ دو بچه کافی است

ماجرای کاهش تعداد فرزندان در آن مقطع در قالب شعارهای گوناگون نظیر «فرزند کمتر زندگی بهتر»، «بچه که عمر و نفسه، یکی کمه؛ دو تا بسه» و ... مطرح می‌شد.

تبلیغ کاهش تعداد فرزند

شعرها در قالب‌های آهنگین زیبا و همچنین تصاویر زیبا به خورد مخاطبان داده می‌شد و مردم هم که سال‌ها در خانواده‌های گسترده زندگی کرده بودند با موضوعی نو آشنا شدند که برایشان از جذابیت بالایی برخوردار بود و البته خیلی‌ها نیز در این مسیر گام برداشتند.

تبلیغ کاهش تعداد فرزندان

این موضوع امروز می‌تواند به خوبی در لایه‌های پنهان تبلیغات مداومی که شبانه‌روز روی آنتن می‌روند، دیده شود.

در حال حاضر تبلیغاتی که از تلویزیون پخش می‌شوند، معمولا فضایی مدرن و بعضا غیر واقعی را نشان می‌دهند و تاکیدشان هم صد البته بر مصرف‌گرایی است. در این میان علاوه بر اینکه به سمت غیر ایرانی شدن چهره‌های تبلیغاتی می‌رویم، شاهد این هستیم که معمولا فرزندان در خانواده جایی ندارند و همواره یک یا نهایتا دو فرزند در تعداد محدودی از تبلیغات به تصویر کشیده می‌شود.

با توجه به اینکه این تبلیغات معمولا خوش و آب و رنگ ساخته می‌شوند و همواره در معرض دید مخاطب هستند، جای خالی خانواده و البته فرزندان در آن به چشم می‌خورد.

این در حالی است که فیلم‌ها و سریال‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند و معمولا موضوعاتی نظیر ازدواج دستمایه سریال‌های ما هستند. اگر هم قرار باشد خانواده‌ای با جمعیت زیاد به تصویر کشیده شود، قطعا از فقر و نداری و احتملا اعتیاد پدر خانواده! رنج می‌برد.

به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای کوتاه‌مدت این است که تلویزیون درباره تعداد فرزندان در آگهی های تبلیغاتی یا سریالها(البته به فراخور) سیاست واحدی را پیگیری کند و به تهیه کنندگان و مسئولان خود اعلام کند به جای خانواده 3 یا 4 نفره خانواده های 5 نفره و 6 نفره معیار قرار گیرد.

این روش می تواند در کوتاه مدت تاثیرات مثبتی را در پی داشته باشد و البته سازمان هم در این مورد توانایی این کار را دارد.

منبع: خبرگزاری فارس

==============================================

انتشار: ۲۳ تير ۱۳۹۲ - ۰۲:۳۰خانواده‌‌هایی که آب می‌روند!

زمانی بچه نمک زندگی خانواده ایرانی بود و کودکانمان با قد و نیم قدهای خودشان بزرگ می‌شدند و حضور در اجتماع را می‌آموختند اما امروز ما مانده‌ایم و یکی و نصفی فرزند که معلوم نیست چه تصویری از خواهر و برادر در ذهنش نقش می‌بندد. شاید تا همین 30 سال پیش سفره شام که پهن می‌شد حداقل شش، هفت تا بچه دور آقاجان، پدر خانه را می‌گرفتند.پای حرف‌های تازه عروس‌های آن روز و مادربزرگ‌های امروز هم که بنشینی حرف‌های جالبی راجع به زندگی و داشتن فرزند می‌‌زنند. اینکه مرد، بزرگ خانه است و نباید روی حرف او حرف زد.

اینکه داشتن چند فرزند جزء بایدها و نمک زندگی بود و اگر کسی در سالگرد ازدواجش بچه‌ای در بغل نداشت، انگ نازایی را باید تحمل می‌کرد.اما به یکباره چه شد که از شش، ‌هفت تا بچه در هر خانواده ایرانی امروز به یک مرتبه رسیده‌ایم به یکی و نصفی!

خیلی‌ها از اوایل دهه 60 به بعد شعارهای تبلیغاتی تنظیم خانواده را روی بیلبوردها، بسته‌های غذایی و کتاب‌ها دیده یا شنیده بودند که « یکی خوبه دو تا بسه!».

علت این سیاستگذاری به آنجا بر می‌گردد که پس از انقلاب به یکباره شیب رشد جمعیت سیر صعودی گرفت و یکباره در دهه 60 جمعیت کشور از 34 میلیون نفر در قبل از انقلاب به 60 میلیون نفر رسید. در حالیکه کشور درگیر جنگ، ‌تحریم‌های شدید اقتصادی بود و آمادگی لازم را برای فراهم کردن زیرساخت‌های آموزشی و تربیت فرزندان و تامین نیازهای درمانی و معیشتی جمعیت را نداشت.این مسائل علیرضا مرندی وزیر بهداری آن زمان را بر آن داشت تا قانون سیاستگذاری و کنترل جمعیت را با گرفتن تاییدیه از امام خمینی(ره) در مجلس به تصویب رسانده و به اجرا درآورد.

بیست سال تولد فرزند چهارم ممنوع

از مهم‌ترین مفاد این قانون این بود که در صورت تولد فرزند چهارم دولت هیچ کمک و حمایت مالی و بهداشتی برای این فرزند ارائه نخواهد کرد.با اجرای این سیاست در عرض 10 سال نرخ رشد جمعیت از 3.9 به 1.2 رسید و در دهه هشتاد نیز به صورت خطی سپری شد.ولی با انتشار نرخ رشد جمعیت در سال 90 مسئولان متوجه شدند که این بار از این طرف بام افتاده‌اند و چراغ قرمز هشدار برایشان روشن شد که باید فکری برای رشد جمعیت کرد.آمارهای سازمان ثبت احوال از نرخ رشد جمعیت در کشور در سال 1390 نشان می‌دهد که میانگین فرزندآوری در کشور چیزی حدود 1.8 است که میانگین فرزندآوری در بین سیستان و بلوچستانی‌ها با بیشترین نرخ 3.5 فرزند و استانهای گیلان، ‌مازندران و تهران با 1.4 کمترین میزان را در کشور دارد.از طرفی با این روند رشد تا 30 سال آینده با خیل عظیم جمعیت سالمند که بار بیماری،‌ ناتوانی و نیروی غیرکارآمد جامعه را تشکیل می‌دهد مشکلات دو چندان خواهد شد.اما باید دید علاوه بر سیاستگذاری‌های دولت چه عواملی در کاهش رشد جمعیت موثر است.منابع علمی همواره این موضوع را تایید می‌کنند که با افزایش سطح سواد و آگاهی خانواده‌ها کنترل فرزند آوری هم بیشتر می‌شود.

با این روند 30 سال دیگر مرگ و تولدمان سر به سر می‌شود

از طرفی هرچه مردم به سمت زندگی شهرنشینی پیش بروند و سطح خواسته و توقع از زندگی بالا رود تمایل به داشتن فرزند هم کمتر می‌شود.محمد ناظمی اردکانی رئیس سازمان ثبت احوال کشور چند روز قبل آمار تولد در سال 91 را یک میلیون و 421 هزار نفر اعلام کرد و از روند رشد جمعیت اظهار نگرانی کرد و گفت: اگر با همین روند پیش برویم تا 30 سال آینده تعداد متولدین با فوت شدگان سر به سر خواهد شد.ناظمی اردکانی ازدواج دیرهنگام دختران و پسران را یکی از دلایل برشمرده و گفت: طی یک دهه اخیر آمار ازدواج دختران بالای 30 سال 2 برابر شده است.اگر چه دولت از سال 90 سعی کرد با افزایش مدت مرخصی زایمان و ارائه بسته‌های تشویقی از جمله اهدای یک میلیون تومان به نوزادان مردم را به داشتن فرزند بیشتر تشویق کند اما مرضیه وحید دستجردی وزیر سابق بهداشت دولت دهم بر این باور است که سیاست‌های جمعیتی دولت اثر گذار نخواهد بود چرا که شرایط اقتصادی جامعه تعیین کننده است و مردم خودشان در این زمینه تصمیم می‌گیرند.

تا ماشین و خانه نخریم بچه نمی‌آوریم

مونا-ب و همسرش از جمله زوج‌هایی هستند که 9 سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد. او اکنون 31 ساله است و علی رغم اینکه مشکلی در بارداری ندارد هنوز فرزندی به دنیا نیاورده است.وی می‌گوید: با همسرم تصمیم گرفته‌ایم تا خانه و ماشین نخریم بچه‌ای هم در کار نباشد. چون واقعاً با آمدن بچه دست و پایمان بسته می‌شود و دیگر همه درآمدمان را باید صرف بچه کنیم.این زن جوان امیدوار است تا پایان امسال با خرید ماشین زمینه آوردن یک بچه برایشان فراهم شود.

وقتی تک فرزندی افتخار اجتماعی می‌شود

صرف نظر از کاهش رشد جمعیت، تک فرزندی و تبعاتی که ممکن است برای فرزندانی که خواهر و برادر ندارند هم بعد دیگر قضیه باشد، اما متاسفانه صرف نظر از مشکلات اقتصادی و محدویت، ‌تک فرزندی به عنوان یک افتخار یا به نوعی«کلاس» اجتماعی به ویژه در قشر تحصیلکرده تبدیل شده است.شیما- د 34 سال دارد. این خانم مهندس صنایع غذایی است و اکنون یک فرزند هفت ساله دارد و تمایلی هم برای داشتن فرزند دوم ندارد.او می‌گوید: من و شوهرم هر دو کار می‌کنیم تا بتوانیم یک زندگی نسبتاً آرام داشته باشیم. با هزار سختی پسرمان را به این سن رسانده‌ایم و ترجیح می‌دهیم توانمان را برای تربیت و فراهم کردن خواسته‌های این یک دانه بگذاریم.خانم مهندس تصریح می‌کند: چه فایده دارد دو بچه بیاوری ولی نتوانی تأمینشان کنی. اگر قرار است گلی به سرمان بزند همین یکی می‌زند! قضاوت در مورد مرز بین مشکلات اقتصادی و یا زیاده خواهی در زندگی و تجملات زندگی شهر نشینی کار چندان آسانی نیست.

هر وقت خواستم ازدواج کنم گفتند فعلاً درست را بخوان

مریم- ر در سن 38 سالگی دومین فرزند خود را باردار است. او فرزند اول خود را به طور طبیعی به دنیا آورده و قصد دارد دومین فرزند را هم به همین روش به دنیا بیاورد.وی می‌گوید: من خودم روانشناس هستم. اگر عقل الان را داشتم هم زودتر ازدواج می‌کردم و هم زودتر فرزندم را به دنیا می آوردم. معنی ندارد که مادر و فرزند 40 سال با هم فاصله سنی داشته باشند.مریم می‌افزاید: هر وقت خواستم به ازدواج فکر کنم. پدر و مادرم گفتند فعلاً برو دانشگاه و درست را بخوان. به خودم که آمدم دیدم 28 ساله شده‌ و تازه ازدواج کرده‌ام. ولی با وجود تمام مشغله های کاری من و همسرم ترجیح دادیم برای دخترمان یک خواهر یا برادر بیاوریم تا معنی خانواده واقعی را در آینده درک کند.

27 درصد دختران بالای 24 سال هنوز ازدواج نکرده‌اند

از طرفی مرکز تحقیقات سلامت وزارت بهداشت آماری را اعلام کرد که با تحقیق روی 35 هزار زن ایرانی به دست آمده است.این آمار که مربوط به سال 1389 است نشان می‌دهد که فقط 5.5 درصد زنان زیر سن 15 سالگی و 26.3 درصد زیر 18 سالگی ازدواج کرده‌اند و 27 درصد دختران بالای 24 سال هنوز ازدواج نکرده‌اند.و در نهایت همه این عوامل دست به دست هم داده تا تولد فرزند هم به تاخیر بیافتد.

اما نکته جالب اینجاست که سازمان بهداشت جهانی تولد دو فرزند را کافی می‌داند. نسخه‌ای که شاید بنا به مصلحت‌ کشورهای غربی پیچیده می‌شود.

حسن طریقت منفرد وزیر بهداشت هم در مراسم روز جهانی جمعیت به این نکته اشاره کرد و گفت: در مقطعی در سیاست‌های جمعیتی گول سازمان بهداشت جهانی را خوردیم و نباید اجازه می‌دادیم جمعیت مان با این شیب تند کاهش یابد و راه بیست ساله را شش ساله پیمودیم.

اما تمام این آمار و ارقام و بایدها و نبایدها یک طرف. باید پرسید نسل آینده جامعه ایرانی که درک درست و تصویری از مفهوم خواهر، ‌برادر، ‌خاله و عمه و دایی ندارد چگونه می‌تواند معنای خانواده ایرانی و سنت‌های آن را که از ارکان اصلی هر زندگی است دریابد. و باز نوک پیکان انتقاد را باید به سمت سیاستگذاران نشانه رفت که آیا واقعاً طی این 10 بیست سال اخیر شما از آمارها بی‌خبر بودید و نمی‌دانستید که باید چانه زنی‌ها را برای تدوین یک سیاست جدید و بر طبق شرایط جامعه آغاز کرد و ره صد ساله را یک شبه و با عجله نپیمود.

منبع: خبرگزاری فارس

====================================================

کد خبر: ۱۸۲۵۹۷تاریخ انتشار: ۱۰ ارديبهشت ۱۳۹۲ - ۰۴:۰۰تعداد نظرات: ۳ نظر

تک فرزندی چه پیامدی به دنبال دارد؟ یک جامعه‌شناس معتقد است: تک فرزندی آینده پر دغدغه‌ای را برای خانواده‌ها رقم خواهد زد.دکتر"بهرام نوابی‌فر"، تک فرزندی را یکی از چالش‌های پیش روی خانواده‌های امروزی دانست و افزود: بر اساس آموزه‌های دینی فرزندان در یک خانواده از جایگاه خاصی برخوردارند و بیشتر بودن تعداد آن‌ها با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، اقتصادی، رفاهی و... خانواده‌ها امری پسندیده است.به گفته نوابی‌فر در حال حاضر در جامعه ما به علت مسائل و مشکلات معیشتی، رفاهی و... زیاد بودن تعداد فرزندان مورد توجه نیست و اکثر خانواده‌ها به سمت اتخاذ سیاست تک فرزندی پیش می‌روند.نوابی‌فر گفت: در حال حاضر با توجه به اینکه در صورت افزایش تعداد فرزندان، خانواده نمی‌تواند شرایط مناسب زندگی را برای آن‌ها فراهم کند، لذا بیشتر خانواده‌ها ترجیح می‌دهند به سمتی حرکت کنند که تعداد فرزندان را کمتر کنند.این جامعه‌شناس کرمانشاهی ادامه می‌دهد که به ازای افزایش تعداد فرزندان خانواده، فرصت برخورداری از امکانات آموزشی، رفاهی، تربیتی برای تک تک آنها کمتر می‌شود، البته باید توجه داشت که تک فرزندی نیز می‌تواند مشکلات و پیامدهای خاص خودش را داشته باشد.به گفته این جامعه‌شناس، اگرچه تک فرزندی مزایای قابل توجهی دارد و فرصت برخورداری از امکانات بیشتری را برای فرزندان فراهم می‌کند، اما خانواده‌ها باید همه احتمالات را در نظر گرفته و احتمال مرگ و میر، مشکلات سلامتی، مثمر ثمر بودن در جامعه و... را نیز در این انتخاب خود مد نظر قرار دهند.وی افزود: در صورتی که سیاست تک فرزندی در خانواده‌ای لحاظ شود و به هر دلیلی آن فرزند نتواند به خواسته‌ها و آمال والدین خود جامه عمل بپوشاند، آن خانواده با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند که گاه می‌تواند بنیاد خانواده را سست کند.نوابی‌فر کوچک شدن خانواده‌ها را یکی دیگر از مشکلات پیش روی اتخاذ سیاست تک فرزندی در خانواده برشمرد و افزود: گاهی جبران این چنین تصمیماتی شدنی نیست و لذا خانواده‌ها باید با آگاهی و تصمیم درست نسبت به این گونه تصمیم‌گیری‌ها اقدام کنند، تا شاید از این طریق با آینده کم دغدغه‌تری مواجه شوند. منبع: خبرگزاری ایسنا

=============================================

۲۷ شهريور ۱۳۹۱ - آفت‌های تک فرزندی در جامعه

یک کار‌شناس مسایل مذهبی گفت: فردی که درخانواده تک فرزندی پرورش می‌یابد قدرت دفاع از حق خود را ندارد.حجت‌الاسلام حسین دهنوی با اشاره رواج تک‌فرزندی در جامعه امروز گفت: تک فرزندی آفت‌های بسیاری دارد و فرزندی که در این خانواده‌ها رشد می‌یابد قدرت دفاع از حق خود و همچنین قدرت‎ «نه» گفتن را ندارد، زود رنج و شکننده است و در آینده و به محض ورود به جامعه دچار مشکل می‌شود. وی افزود: خانواده‌هایی که فرزند بیشتری دارند نیز نباید در ناسازگاری‌های بین فرزندان دخالت کنند و در صورت دخالت عدالت را برقرار کرده و طرف حق را بگیرند، در صورت داوری بین آن‌ها باید به نکاتی از جمله تبعیض قائل نشدن و مقایسه نکردن آن‌ها و تشویق و تنبیه یکی در حضور دیگری توجه کرد. این کار‌شناس اظهار کرد: والدین نباید روی رفتار فرزندان حساسیت نشان دهند هرچه حساسیت بیشتر باشد مقاومت روانی فرزندان نیز در برابر آن‌ها بیشتر می‌شود. وی خطاب به مردان گفت: زن‌ها بیشتراز نیاز مالی و ایجاد آسایش به رفع نیازهای معنوی و بیشتر شدن ارتباطات عاطفی احتیاج دارند که این امر موجب فراهم آمدن آرامش درزندگی می‌شود. دهنوی همتایی و هم‌شانی را یکی از مهترین معیارهای ازدواج موفق دانست و عنوان کرد: جوانان در ازدواج باید اصل مهم همتایی را در نظر داشته و با افرادی ازدواج کنند که همتا و همشان آن‌ها باشند تا در زندگی آینده دچارمشکل نشوند.منبع: خبرگزاری ایسنا

======================================================

انتشار: ۰۴ شهريور ۱۳۹۰ - ۱۰:۱۴

تك‌فرزندها چه خصوصياتي دارند؟!

يك روانشناس گفت: كودكان تك‌فرزند، فقط به برقراري روابطي علاقه‌مند هستند كه به نفع آنان باشد و احساسات‌شان را جريحه‌دار نكند و ممكن است ناراحتيهاي خود را براي ديگران بيان نكرده، فردي درون‌گرا شوند.ایسنا: "علي جعفري"اظهار كرد: تعداد والدين تك‌فرزند روز به روز در حال افزايش است، اما نبايد از ياد برد كه داشتن يك فرزند، عيب يا حسن خاصي نبوده، تك‌فرزندي نيز همچون چندفرزندي، مزايا و معايبي دارد.وي با اشاره به اينكه خانواده‌هاي تك‌فرزند بر مسائل خاصي تأكيد دارند كه ممكن است در خانواده‌هاي چند فرزندي وجود نداشته باشد، تصريح كرد: تک‌فرزندها نمي‌توانند نااميديها و فشارهاي روحي را تحمل كنند، چنانچه توهيني هرچند بي‌قصد و غرض به آنها شود، اين توهين را رفتاري عمدي و به پشتوانه نيتي خاص تفسير مي‌كنند و هنگامي كه از مسئله‌اي رنجيده خاطر شوند اين حالت را تا مدتهاي طولاني در درون خود زنده نگاه مي‌دارند.اين روانشناس ادامه داد: كودك تك‌فرزند در خانواده‌اي رشد مي‌كند كه افراد بالغ در آن حضور دارند و كودك ديگري نيست كه بتواند با او ارتباط برقرار كند، هر دوي اين عوامل، نقشي مهمي در پرورش كودكان تك‌فرزند دارند. لذا اين كودك به طور كامل مورد توجه و علاقه والدين بوده و اين عامل سبب مي‌شود كودك احساس كند شخص مهمي است.جعفري، مزاياي كودكاني را كه در خانواده تك‌فرزند زندگي مي‌كنند، احساس امنيت و اعتماد به‌نفس زياد آنان برشمرد و گفت: كودكان تك‌فرزند پيش از زمان معمول سخن گفتن را آغاز كرده و روحيه اجتماعي نيرومندتري نسبت به ديگران دارند.وي به رفتار بزرگسالانه كودكان تك‌فرزند اشاره كرد و گفت: اين كودكان از والدين خود تقليد كرده و مثل آنان رفتار مي‌كنند، به‌گونه‌اي كه تحسين و تعجب ديگران را برمي‌انگيزند، همچنين كودكان خانواده‌هاي تك‌فرزند معمولاً بلوغ زودرس دارند و بلوغ اجتماعي اين كودكان نيز ممكن است براي آنان مفيد باشد.اين روانشناس با بيان اينكه كودكان تك‌فرزند مسائل و ديدگا‌ههاي خود را به‌راحتي بيان مي‌كنند، اظهار كرد: اين كودكان قادرند به والدين خود كمك كرده و زودتر از كودكان ديگر به فعاليت اقتصادي مشغول مي‌شوند و از كار كردن خجالت نمي‌كشند و با آمادگي و تجربه زياد به سن بلوغ پا مي‌گذارند.جعفري به معايب تك‌فرزند بودن نيز اشاره كرد و گفت: يكي از معايب تك‌فرزند بودن، تأثير آن بر مراحل رشد كودك است، اين كودكان كسي را ندارند تا با او رقابت يا بازي و دعوا كنند، آنها دوست و همدمي در منزل ندارند، بنابراين برخي از احساسات را تجربه نمي‌كنند و فرصتي براي كنترل و مديريت آنها نخواهند داشت.وي با تأكيد بر اينكه بلوغ روحي و رواني، پديده‌اي كاملاً اكتسابي است، تصريح كرد: در بلوغ، مواردي همچون شناخت خود، ميزان واقع‌بيني و انتخاب مؤثر به‌راحتي به‌دست نمي‌آيد، بلكه به تجربه‌هاي سخت و طاقت‌فرسايي نياز دارد و كودكي كه تك‌فرزند خانواده است كمتر با مشكلات مواجه مي‌شود و در معرض تجربه كردن شكست، ناكامي و رانده شدن قرار نمي‌گيرد و شرايطي را كه لازمه بلوغ روحي و رواني است، تجربه نمي‌كند.اين روانشناس خاطرنشان کرد: اگر والدين، مراقبت افراطي از تك فرزند خود به عمل آورند و او را به فردي ضعيف و كم‌تحمل تبديل كنند، فرزندشان از ديگران نيز انتظار خواهد داشت با او چنين رفتاري داشته باشند كه اين موضوع ناتواني او را شدت خواهد بخشيد، اگر والدين اجازه ندهند فرزندشان با احساسات سخت و ناراحت كننده رو به رو شود يا امكان آشكار كردن اين نوع احساسات را براي او فراهم نكنند، تحمل وي را برابر اين نوع احساسات ضعيف خواهند كرد.

=============================================